



هند در تحت تسلط کوشانیان

تاریخ سیاسی کوشانیان

وزارت اطلاعات و کلتور

سیمینار بین‌المللی مطالعات
کوشانی
کابل - عقرب ۱۳۵۷

بنیاد اندیشه

۱۳۹۲

مترجم: پوهنوال ضمیر صافی

مؤلف: ب، ن، پوری





بمناسبت سیمینار بین المللی مطالعات کوئٹہ

ہند تحت تسلط کوشانیان

تاریخ سیاسی کوشانیان

مؤلف:

بنیاد اندیشہ
ب، ن، پوری
تاسیس ۱۳۹۲

مترجم :

پوهنوال ضمیر صافی



مطبعہ دولتی

—عقرب ۱۳۵۷

پیام وزیر اطلاعات و کلتور

همان گونه که تالیف و نگارش کتابهای سودمند ضروری و الزامی است، ترجمه و چاپ آثار دانشمندان برجسته جهان نیز امری است در خور توجه .

امپراتوری پهناور و مدنیست و فرهنگ گسترده کوشا نیان بسا از دانشمندان کشور های مختلف در سالهای فراوان به تعمق و بررسی واداشته است و کتابی که اینسان در دست دارید محصول مطالعات پیگیر دانشمند نامدار هندی (ب.ن. پوری) نیز می تواند از همین شمار باشد.

هر چند که مترجم محترم بخشی از کتاب (هند تحت تسلط کوشانیان) را به درستی برگردانده است. اما همین بخش کوچک در برگیر مسایل ارزشمند و پربهایی است.

امید داریم در شرایط انقلابی جدید و به پیروی از رهنمود های شایسته آموزگار راستین خالص نور محمد تره کی رئیس شورای انقلابی و صدراعظم مولفان و مترجمان کشور توفیق یابند تا آثار ارزشمندی بیافرینند و کتابهای سودمندی را ترجمه کنند و بدینسان هرودانش کشور را بارور سازند .

بارق شفیع

نکات ای چند

درباره این کتاب و ترجمه آن

کتابی که اکنون بدسترس خواننده محترم قرار دارد تألیف دانشمند
و محقق مشهور هندی، ن. پوری (B. N. Puri) میباشد که در سال
۱۹۶۵م - از طرف موسسه نشراتی (بها راتیا ویدیا بها ون)
(Bharatiya Vidya Bhavan) واقع در بمبئی در (۱۱) فصل و (۲) ضمیمه
که جمله در (۲۶۸) صفحه بطور مصور برای بار اول بطبع رسیده است.
مؤلف در تألیف و تدوین این کتاب از ده ها منبع مختلف اهم
از کتب و رسالات و مجلات و کتلاکهای روزیم ها و صحبت و مباحثات
مستقیم با متخصصان و محققان و ذخیره استفاده کرده و در اخیر هر

فصل ماخذ و منابع خود را نشان داده و نظریه یا داهیه های ارزشمند خود را نیز بر آن افزوده است .

در مورد محتوای این کتاب چیزی گفتنی ندارم ولی ناگزیرم

نکات چندی را در باره شکلیات آن خاطر نشان سازم بدینقرار :

۱- اصل کتاب در یک جلد بطبع رسیده است ولی متأسفانه به نسبت ضعیفی و کمی وقت نتوانستیم همه را ترجمه کنیم و بافتخار سیمینا و یکم در برج محرم سال ۱۳۵۷ هـ ش در کتابخانه دایره برگردد بچاپ برسایم . لذا تا جاییکه ترجمه شده بود بحیث جلد اول به طبع رسید و بقیه در آینده بحیث جلد دوم ترجمه خواهد شد و بطبع خواهد رسید .

تقسیم اصل کتاب در دو جلد لازم نبود ولی خوشبختانه بی مورد هم از آب در نیامده زیرا جلد اول ما کاملاً مباحثی است جداگانه و متمم از جلد دوم و شامل مباحث ملیت و نژاد کوشا نهان و وطن اصلی شان و اینکه چه وقت و در کجا و بطور بقدرت رسیدند و در چند دودمان تقسیم شده بودند و ساحه نفوذ آنها تا چه اندازه بود و غیره میباشد . از این جهت جلد اول را بنام « تاریخ سیاسی کوشا نهان » نام گذاری کردیم و جلد دوم آن را بنام « تاریخ اجتماعی کوشا نهان » نام گذاری نمودیم .

۲- مؤلف این کتاب خود را به آنده از خوانندگان نیکه در

موضوع هندان وارد نیستند نه نوشته بلکه بسویته خیلی بلند تر و
عموماً برای محققان و متخصصان در رشته کوشا نیان نگاشته است از
این جهت آنها بیکه در موضوع وارد نیستند برای آنها مشکل است
چیزی را از این کتاب به آسانی درك واستنباط کنند . بنا بر این اگر
بعضی از خوانندگان درك کتاب را مشکل بیا بند ما را بحیث مترجم
مذکور خواهند فرمود .

۳- الفاده و اصول نگارش مؤلف بزبان انگلیسی خیلی پیچیده است
و از سلاست و روانی اثری در آن دیده نمیشود ، جملات خیلی طویل و
بعضاً فاقد عنصر مهم خود یعنی « خبر » بوده و بنا بر این در امر ترجمه
آن بمشکلات زیادی رو برو بوده ایم .

۴- مؤلف اکثراً کوشیده است که از ذکر نام « افغانیستان »
خودداری کند و در عوض ، کلمات شمال غرب هند و هندوستانی و غیره
را بکار میبرد .

که این يك كار يست ناپسند و بهیچ صورت شایسته يك دانشمند
بزرگ چون هاغلی پوری نیست ، مخصوصاً که خود بارها از سه
پایتخت و مرکز سیاسی و فرهنگی و هنری کوشانیها یعنی کاپیسا
پشاور و ما تهور اذکر میکند که از آن جمله تنها ما تهورادر هند موقعیت
دارد و هوای دیگر آن در سر زمین افغانیها و میتوان گفت که در عصر
فرمانروایی کوشانیها بطوریکه از نام کتاب « هند در تحت تسلط

کوشانیها « نیز بهداست ، هند در تحت تسلط سیاسی افغانستان بوده و از طرف افغانستان اداره می شده است . این شیوه ایست که نویسندگان غربی خصوصاً انگلیس ها آنرا در نگارشات خود بکار میبرد ، اند و برای دوستان مادر هند لازم نبود آن شیوه نامطلوب و ناپسند را خود تعقیب و تقلید کنند و بدین ترتیب از ارزش علمی تحقیقات و نگارشات خود بکاهند .

با احترام .

پوهنوال محمد حسن ضمیر صافی

کابل ، برج اسد سال ۱۳۵۷ هـ ش



پیش گفتار

مسائل ملیت کوشانیان بیشتر از هر چیز دیگری توجه کسانی را که بمطالعه تاریخ آنان میپردازند بخود جلب میکند . اینکه آنان بنابر شواهدی که از روی دفترچه های وقایع چینیان بدست می آید منشاء مغلی داشته و جزئی از طایفه یوچی باشند باریخت و قیافه آنان که بر روی سکه های شان کشیده شده توافق نمی کنند ، من بیست سال قبل فرصت آنرا یافتیم که هیکل و قیافه آنان را به گونه که بر روی سکه های شان کشیده شده مورد مطالعه قرار بدیم تا مگر با بنویسیم به منشاء آنان پی ببریم . اکنون شواهد موجود در زمینه رایکبار دیگر مورد توجه قرار داد و به این نتیجه رسیده ام که میتوان کوشانیان را با تخاریها یا تشارها یکی دانست و منشاء آنان را به ساک های هرو دوتس که کلاه خود نوک دار به سرمی کردند (ساکا تیگرا خود) رساند . گزارش های دفترچه های وقایع چینیان مبتنی بر شواهد اقوامی بوده و چنانچه قبلا بنویسم که با راجهتزو زونشان داده شده دارای تناقضاتی میباشد از یوچی ها که بر آنان مسلط گردیدند فرق داشته و لی دفترچه های وقایع چینیان آنرا در گزارشات بعدی خود با یوچی های کمی دانسته اند .

جنبه اجتماعی مذهبی مسأله مخصوصا تا آنجا که به امتزاج آنان به ساختمان اجتماعی هند ارتباط پیدا میکند و پیوستن آنها به مذهب بودایی در یک زمان بسیار پیش نمیتواند کاملا خالی از ابهام باشد مگر اینکه بپذیریم که کوشانیان باید به هند و هندوان نزدیکتر بود، باشند، چنین نظری بیشتر با عقل و منطق سازگار است تا پذیرفتن منشاء مغلی برای آنان که با در نظر داشت شکل و قیافه شان بروی سکه ها و مجسمه هاییکه لباس و هیكل آنها را نمایش میدهد شیر قابل قبول میباشد.

مطالعه تمام جوانب تاریخ حکمرانیان کد فیزس ها ((پدر و پسر)) موضوع فصل دوم را تشکیل میدهد و قدامت آنها نسبت به کنیشکا و اعضای خانواده او قابل تردید نیست زندگانی و کارنامه های کجولا کاد فیزس روابط او با هرما یوس فتوحا تشریکی بودنش با کجولا کارا کاد فیزس و ارتباطاتش با جهان غرب به تفصیل مورد مطالعه قرار میگیرد و یما کد فیزس که جای پدر هشتاد ساله اش را گرفت خودی برای مدت درازی حکمرانی کرد و بسیار احتمال میرود که در سال ۷۸ - بعد از میلاد به تخت نشسته باشد و میتواند به عصر ساکا که مورد استفاده کشتاراپاهای او قرار داشت ارتباط داده شود. هویت سوترهیکاس و روبات او با و یما کد فیزس هم مورد مطالعه قرار داده شده است، همچنان روابط خارجی و یما کد فیزس درین فصل مورد توجه قرار گرفته است.

چنان به نظر می آید که فاصله کوتاهی از نظر زمان بین و یما کد فیزس و کنیشکا موجود باشد، هیچ دلیلی وجود ندارد که کنیشکا را یک یوچی کوچک بشماریم و یا او را بسته به

طایفه اصلی یوچی بدانیم، روابط کنیشکا با ختن قدرت معاصر او مورد تردید قرار گرفته نمیتواند. نقشه نتوحات او از مارش پیروز مندانده اش تا به سارنات و شاید دور تر از آن در سال سوم میلادی حکایت میکنند که با منظم شدن پنجاپ سفلی و سند شما لی دنبال شده است.

کشمیر برخی از امپراطوری او را تشکیل میداد که تا به بلخ میرسید و شامل افغانستان شرقی هم میشد، اسناد این خانواده، اسناد مربوط به پراسازیتهای (Prasastis) سلطنتی نه بلکه آنهاست که مربوط به اعیانه ها و وقوفات افراد است از یک تا ۸۹ قدامت دارند که از آغاز سلطنت تا پایان دوره خاندان او نمایندگی میکنند. سال اول این دور (۱۴۴۱) بعد از میلاد پنداشته میشود تا احتمال برخورد بین کنیشکا و رود را دامن از بین برود.

این نظر از ویرانی شهر کوشانه در بگرام و جاهای دیگر وسیله سانسایان این سالهای ۱۴۴۱-۱۴۴۲ بعد از میلاد هم به ثبوت میرسد. این نظر همچنان یکی بودن واسود بوای این خانواده پوتیاو (Potiao) در قرن سوم بعد از میلاد اشاره میکند من این تاریخ آخرین را برای کنیشکا بسیار پیش در سال ۱۴۴۱ اشاره کرد، بودم (رجوع شود به جلد هفتم) و هنوز هم به نظرات دیرینه خود با برجا میباشم. روابط کنیشکا با قدرت های معاصر او در هند و آسیای مرکزی مورد توجه قرار گرفته است. سهم او بهیث یک بودایی هم مورد ارزیابی قرار داده شده است.

هویشکا و واسود یواهم بهمان اندازه مورد توجه قرار گرفته اند فصل آخر که درباره تاریخ سیاسی است در اطراف کوشانیان اخیر کنشکو و واسود یوایا و اسولی و سکه های شان تمرکز مینماید ولی در حقیقت چندین حکمران دیگر نیز وجود داشته اند که از روی اسناد کتیبه به وجود آنها پی میبریم. کنیشکای کتیبه متهورا (Mathura) مربوط به سال ۱ وایششکایا و اششکا پدر کنیشکایان که در کتیبه آرا آمد، و کنیشکای کتیبه سرخ کوتل مربوط به سال ۳ که با کنیشکای کتیبه آرایکی پنداشته میشود ازین جمله اند کوشانا پوترای کتیبه مات که آغاز دردمان کوشانی را نشان میدهد ممکن است بنیان گذار این خانواده بوده باشد و تاریخ آن با کم کردن صد سال مربوط به تاریخ دوره کنیشکا باشد. ترتیب حوادث تاریخی باین شکل مشکلی را که ازنا حیث گنجانیدن کنیشکای کتیبه آرا و کنیشکای کتیبه سرخ کوتل در دوره زمامداری بلاانقطاع هویشکا از ۴۰-۲۸ پیش از میلاد مرفوع میسازد. این امر همچنان تسلط وایششکا را بر ماوا مسلم میسازد.

نظام اداری کوشانیان با اساس مودل هخامنشیان که امپراتوری را بولایات یا نایب الحکومگی ها تقسیم نموده بودند طرح ریزی شده بود. نام های کشتاراپاها و مهاکشتاراپاها و همچنان نام های داندانا یا کاهها و مهاداندانا کایاها هندی نیستند و نمایندگان ازین میکنند که والی های ولایات و فیودالان نیرومندان خارجی بوده و روسای روستاها یقینا هندی بوده اند، همچنان نصب و تقرر بر اساس

توارث هم به مشاهده میرسد .

نصول بعدی مربوط میشود به حیات اجتماعی ، شرایط اقتصادی
تعلیم و تربیه ، زندگی مذهبی ، ادب و معماری . این یک حقیقت مسلم است
که اسوا گوشا معاصر کنیشتکا بوده است .

دو اثر او - بوداچاریتا و سوندارانا - نامواد زیادی برای
مطالعه زندگی کوشانیها درین دوره بدست میدهد . شواهدی که از
آثار دیگر بدست می آید از ادبیات سانسکرت بودایی سادارما
پونداریکا ، ماها وستو ، لالیتا ویتا را اونداناها و مالیندا پانها هم
مورد توجه قرار داده شده است . تاریخ های این آثار موضوع
قابل شک نیست و تمام اینها در بوط به قرن های اول تا سوم
بعد از میلاد پنداشته میشوند . اگر چه ممکن
است پس و پیشی در تاریخ آنها رخ داده باشد . زندگی و شرایط
حیات هندوان چنان تغییراتی را مخصوصاً در مدت های کوتاه بخود
ندیده است که مطالعه جداگانه را ایجاب کند . در واقع شکل کلی
ساختمان آن کم و بیش همانست که بود .

کتیبه ها و مجسمه های این دوره درگندها را و متهورا بنج قابل
اطمینان را برای مطالعه هندشمالی درین دوره تشکیل میدهد . بنا
برین تلاش به عمل آمده است که تمام جوانب اجتماعی و اقتصادی و مذهبی
زندگانی درین دوره و شکل تعلیم و تربیه در آن مورد مطالعه قرار داده
شود و تمام این مطالعات بر مبنای مواد موجود کتیبه ها و مجسمه ها همراه
با شواهدی که از ادب آن دوره بدست می آید پی ریزی شود .

همچنان لازم دیده شد که ادبیات این دوره که به ادب‌ساز نسکریت بودایی معروف است هم، مورد توجه قرار داده شود.

بنا بر این آثاری که در بالا از آنها نام گرفته شده قدامت و محتوای آنها واستفا ده که از آثار ما قبل درتالیف آنها بعمل آمده و تمام جوانب دیگر آنها مورد توجه قرار گرفته است. اما ارزش هنری این آثار درین کتاب مورد ارزیابی قرار داده نشده است هنر و معماری در اثر توجه کوشانیان در گندهارا و متهورا هر دو پیشرفت زیادی نمود هنرمندان آن عصر مورد توجه والطف حکمرانان و مردم هر دو قرار داشتند.

هنر گندهارا کاملاً بودایی میباشدا لکنکه هنرمتهورا بیشتر غیر مذهبی است اختلاف تصاویر بودا با وجود اینکه محتملاً هر دو تقریباً در عین زمان بر روی سنگ کنده شده اند میتواند به اختلاف روشهای معمولی درین دوسرکز هنری و معماری ارتباط داده شود. قدامت تاریخی و سهم هر یک از این دو مکتب، مفصلاً مورد توجه قرار گرفته است. در ضمیمه اخیر لست کاملی از کتیبه های خروشتی، یونانی و برهمنی همراه با مراجع کامل آن ها درج شده است. شرحی راجع به سکه شناسی عهد کوشانیان که قبل ازین آمده تفصیلی راجع به انواع سکه های این دوره و فلزاتی که در آنها بکار برده شده و نوشته ها و اشکالی که روی آنها ضرب زده شده است در بر دارد.

در اخیر باید از دینی که بخاطر رهنمایی ها و تشویق ها و مشوره های اشخاص آتی که متاسفانه عده از آنان دیگر وجود ندارند به گردن دارم یا دآوری نمایم: پروفیسور دی، ار، بها ندر کار فقیه که در

کتابخانه او در کلمکتیه کارهای و خدماتی این اثر را به پایان رسانده و برای دومین بار از ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ هر روز راجع به موضوع مورد بحث این کتاب با او مذاکره نشستیم. پرونیسور اف. دبلیو تامس فقید و پرونیسور موجوده با دن دا کترتی بروکه وقتی در سال ۱۳۹۴ در آکسفورد بود و با آنها صحبت‌های زیادی بعمل آوردم و آنها از دادن پیشنهادات و مشوره‌های مفید دریغ نکردند پرونیسور ستمین کتوفید که نامه ارجاع به نوشته‌های من منبع مؤثری برای تشجیع و تشویق بود. پرونیسور ان. ارسی، مازویدر، ای. ال.، اشام وار، گریشام و لوهویزن دی لیود با فرستادن نسخه‌های آثارشان مرا مدیون خود ساخته‌اند، همچنان از پرونیسور لوئیس انو متشکرم که از من دعوت بعمل آورد تا در اپریل سال ۱۳۹۵ راجع به کوشا نیان در سوربون سخنرانی کنم و به این ترتیب زمینه آنرا برایم میسر ساختند که با دانشمندان فرانسوی تبادل نظر نمایم.

نوشتن این اثر را در سال ۱۳۹۶ در میسوری آغاز کرده و باین ترتیب کاری را که خیلی پیش‌رها کرده بودم دو باره از سر گرفته‌م. بنا بر این از مقامات اداری اکادمی ملی آنجا بسیار متشکرم که بمن اجازه دادند نوشتن این اثر را شروع نمود، و برای چاپ آماده سازم. همچنان به هاریتاوید یا بهاون بخاطر موافقت شان که اهتمام چاپ این کتاب را به عهده گرفتند مدیون میباشم. تصاویر یکه درین اثر گنجینه شده برهون همکاری اداره باستان‌شناسی دولت هند موزیم ایالتی اکنهو و بریتیش موزیم میباشند.

فصل اول

کوشانیان

کرونولوجی دوره کوشانیها (۱) در تاریخ افغانستان و هند هنوز بطوریکه معضله لاینحل یا قیمانده است. راجع به تاریخ کانیشکا توانیکه بین دانشمندان بوجود آمده آنهم ماهیت قراردادی دارد زیرا اکثرا با واقعیت سازگاری ندیکند. تاریخی، اکه ونسن سمت در سال ۱۹۱۹ - فرض کرده اود کاملا غیر یقینی است و با اصل واقعیت مدت (۳۰) سال مغایرت دارد.

و اینک ۲۰ سال دیگر بران مغایرت افزوده گشته است. اسنادی خواهد جدیدیکه از زیر خاک بیرون شده بطور مثال در نتیجه کاوشهای گرشن (Ghirshman) در بگرام (۳) که یک کتیبه جدید کانیشکا بدست آمده در آن تاریخ نگارش کتیبه سال سی و یکم نشان داده شده است و این سنه جدید معضله کرونولوجی کوشانیها را بیش از پیش پیچیده تر ساخت و به مشکلات دین زمینه افزود، بنا بر این کتیبه کانیشکا ایکه در کتیبه آرا (Ara) از آن ذکر گرفته و تاریخ نگارش آن سال چهل و یکم نشان داده شده بعد ازین ان کانیشکای نیست که بن هویشکل

کانشکا از آن ذکر رفته است. بلکه عبارت است از کانشکای کپیر که برای یک مدت طولانی سلطنت کرده است با وجودیکه در ظرف مدت هشتاد سال اخیر و یا بیشتر از آن یکعده زیادی از دانشمندان (م) درین زمینه تحقیق کرده اند ولی باز هم معضله کرونو و جی کوشا نیها هما نظور مغشوش و لا ینحل باقی مانده است.

در مورد ملیت کوشا نیها قبل از آنکه کرونولوجی کوشا نیها مورد بحث قرار گیرد دو تنظیم گردد بائست چیزی صحبت کنیم.

ملیت کوشا نیها

تحقیق در مورد شناخت نژاد و ملیت کوشا نیها یک امر تازه نیست، زیرا دانشمندان زیادی قبلا درین زمینه به تحقیقات پرداخته اند.

این دانشمندان و محققان در پروسه تحقیق خود نامها و القاب و معنی آنها را و لباس و چهره هاییکه بر مسکوکات نقش بسته و از منابع کلاسیک یونانی، چینایی و هندی راجع به شناخت قبایل و غیره فرما نروایان کوشا نی بحث مینماید در نظر گرفته اند.

پیش از آنکه راجع به ملیت کوشا نیها چیزی گفته شود لازم است اسناد و شواهدیکه درین زمینه بدست آمده از آنها یک بررسی عامانه صورت بگیرد.

ف، و، توماس (F. W. Thomas) نظریه میدهد که کوشا نیها ترک اند و نه هم منگول بلکه متعلق اند به نژاد آریایی و اگر به صراحت گفته شود یک شاخه ایست از سیتیها (Scythians) یا ساکاها (Sakas).

در اخیر نامهای کادفیزس و کانیسکی (Kanaeski) کانیسکا و اووسکی (Ooeski هوویشکا) که حروف (E.S) یا (I) میاید خیلی شبیه است به نامهای پارتها ی قدیم چون مو یز (Maues) از یس (Azes) و پسیکا کیس (Pseigakais) . نامهای کادفیزس، کانیسکا و هوویشکا را میتوان با (کره) ویاپایز (Pise) آریایی تشبیه و تعبیر نمود مثلیکه در نام سپا وگا پیتیس (Spargapeithes) دیده میشود.

هولتز یچ (Hultzs) کلمه کجولا را ترکی میکنند، لقب یاووکا (Yavuga) یا یاووس (Yaoos) و در منابع چینایی کلمه هی هو (Hi-Hou) که با نام کجولا کادفیزس یکجا آمده است. هرت (Hirth.) آنرا با کلمه، ترکی جیغو (Jabgu) عین چیز میداند. معنی القاب و نامهای شان نیز بدین منوال صورت گرفته است. هولتز یچ لقب کجولا را گجلو (Gujlu) ترکی که معنی اش ورزیده و نیرومند است و ستین کنوا آنرا با قزل یعنی (خوبصورت) مقایسه میکنند طر فداران ملیت ترکی، کوشا نیها به را جاتر انگینی استناد مینمایند که موصوف نام آن عده از سلاطین گندهارا را میدرد که خود را از نسل کانیسکا و سایر اعضای دود مان آنها توروشکا (Turushka) یعنی (ترکان) میکنند.

برای اثبات ملیت ترکی کوشا نیها غالباً به چهره های اعتبار میدهند که بر روی مسکوکات آنها نقش بسته و شبیه است به چهره های ترکان امروزی.

کنیدی بطور قطع باین عقیده بود (۴) که کوشانیها به فامیل بزرگ تر کها تعلق میگیرند و چهره کاشکا خیلی به چهره ترکها میماند.

چهره کاشکا که بر روی سکه ها با جمجمه بلند و بینی بزرگ و کشیده و لاشه بزرگ و ریش انبوه دیده میشود به تمام معنی از یک چهره سلطان بربری نمایندگی میکند، روی یک چمن کلان غالباً چمن ویا کوسی را در بر کرده و بوت های بزرگ بهانموده که این لباس عام و خاص مردم ترکستان بشمار میرود.

نظریه ترکی ملیت کوشانیها به استناد چهره ها و نام ها و القاب شان که همانند ترکها اند و منابح بعدی که کوشانیها را تورو شکا گفته اند قطعی نیست و نا تکمیل به نظر می آید. زیرا بینی بزرگ و سایر خصوصیات چهره ها که قبلاً از آن ذکر رفت اینها از خواص نژاد هوموالپینا نوس (Homo—alpinus) بشمار میرود که اکثر مردم ترکستان چینی از همین نژاد محسوب میگردند.

از خلال مطالعه تاریخ و نژاد های مردم این سرزمین برمیآید که عناصر ترکی نژاد نسبتاً بزمانهای بعدی تعلق میگیرد. ستین کنواز جیس (Joyce) نقل قول میکنند که وی در مردم واخی (واخان) اکثریت زیاد را دریافته که با مردم گلچ (Galcha) (گلگت) روابط نژادی دارند که بطور بنیادی متعلق اند به نژاد آریایی.

از اقوام ترکی در آن مناطقی که کوشانیها بر آن مسلط بوده اند بعد از کوشانیها اثری از آنها دیده نمیشود و این گفتار کلمات و

همچند او را تایید میکند. تا جاییکه به معنی نامها و القاب تعلق میگیرد مانند (هاو وگا) و (کجولا) مشکل است که در مورد لقب اول (یاووگا) در رایتیمولو جی (مطالعه اشتقاق کلمات) زبان ترکی کدام اثری از آن سراغ نمود. (۷) ستین کنو میگوید این کلمات در اصل و ماهیت خود غالباً آریایی بوده و بعداً از طرف دیگران اقتباس گردیده است.

کوشانیها این کلمات را از ساکاها گرفته اند و غالباً معا دل است با کلمه زاوا (Zauva) که از طرف ساکا پتیکا (Saka-Patika) بکار برده شده و تا جاییکه به کلمه (کجولا) ارتباط میگیرد در ارجع به اهمیت و اشتقاق آن فعلاً چیزی نمیتوان گفت.

نظریه نواد ترکی کوشانیها در ارتباط با القاب و خصوصیات نژادی و منابع ادبی بعدی هندی چندان باوری نبوده و مورد شک و تردید قرار میگیرد.

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۲

نظریه منگولی کوشانیان:

این نظریه اکثراً مبتنی است بر منابع تحریری چینی، این منابع در مورد يك قوم خاص که آنها را یوچی مینامند سخن میزنند و میگویند که آنها بطرف غرب مهاجرت کردند و بالاخره سر زمین تاهیا (Ta-hia) را که قبلاً در دست ساکاها بوده اشغال کردند و نیز در باوه تقسیم قوم بزرگ یوچی به پنج ریاست و اینکه از آنجمله ریاستی بنام کوی شوانگ (Kuei — Shuang) بر سایر ریاستها غلبه مینماید حرف میزنند.

از روی تاریخچه دودمان اولی سلطنتی هان (Han) که پان-کو (Pan-Kou) آنرا نگاشته و در آن راجع به کار نامه های چانگ-کین (Chank Kien) از سوماشین (Ssu-machien) نقل قول میکند (و این نوشته در سال ۱۹۰۰ ق.م تکمیل گردیده) بر میاید که یوچی ها بعد از آنکه در تا هیا متوطن گردیدند به پنج ریاست جداگانه تقسیم شدند و درین وقت آنها دیگر مردم کوچی و بدوی نبودند.

مراکز تا-یو-چی (Ta-yueh-chi) (کوشانیان بزرگ) شهرهای کین-چی (Kien-Chi) یا لان-چو (Lan-Chuw) و در جنوب آن کی-پن (Ki-Pin) بوده از جمله آن پنج ریاستی که در تاریخچه پان، کو ذکر شده اند پایتخت کوی شوانگ (که کوشا نامهم نامیده شده) شهر هوساو (Hou-tsao) بود. (دوقیعت آن تا کنون تعیین نگردیده است).

درین مورد معلومات دگراز هو-هان-شو (Hou-Han-Shu) نیز بدست آمده میتواند. این منبع يك تاریخچه ایست از خاندان سلطنتی بعدی هان که فیان-یی - (Fan-Ye) آنرا در سال ۹۸۳ م به قیود تحریر آورده و واقعات بین سالهای ۲۵ را تا به ۱۲۵ م ثبت نموده است.

درین تاریخچه مطالبی که در باره یوچی و کوی شوانگ نوشته شده است کاملاً متفاوت اند. درین نوشته پایتخت یوچی ها شهر لان-شی (Lan-Shi) نشان داده شده است که این شهر در بدخشان فعلی مرکز قایم بود که بنا برین یوچیه از تمام امپراتوری

تا هیا نما یندگی میکرد ندوبه قول چا وانز (Chavanes) (وی آن نوشته را خود ترجمه کرده است) یوچیها عبارت اند از همین تا هیا درین تاریخچه (هو-هان-شو) چیزهای که در باره پنج ریاست نوشته شده با سایر منافع متفاوت اند .

تاریخچه تسین-هان-شو (Tsien-Han-Sha) که بقلم پان کو نوشته شده در تا هیا از پنج ریاست نام برده شده است که هر یک تحت ریاست یک نفر می-هو (hi-hou = رئیس) بوده که اینهمه به یوچیها متعلق بوده اند از قبیل :

هو-می (Hui-mi) یا پتخت آن هو-مو (= Ho-me) شوانگ-می (Shuang-mi) یا پتخت آن شوانگ-می کوی-شوانگ (Kuei-Shuang) یا پتخت آن هو-تساو (Hu-tsao) می-تون (Hi-tun) یا پتخت آن بو-ماو (Po-mao) - کاو-فو (Kao-Fo) یا پتخت آن همین کاو-فو بوده است . هو-هان-شو (تاریخچه دودمان سلطنتی هان) بعوض اینکه در باره همان پنج ریاستی که در تا هیا وجود داشت چیزی بنویسد، میگوید که یوچیها امپراتوری تا هیا را در پنج ریاست تقسیم کردند و نیز این تاریخچه در عرض ریاست پنجم (کاو-فو) نام تو-می (Tu-mi) را می برد مؤلف آن خود میگوید که مؤلف تسین هان-شو درین مورد بخطا رفته است .

این منبع (هو-هان-شو) مدت صد سال بعد از آنکه در تا هیا پنج ریاست تشکیل شد از آنجمله راجع به کارنامه های رئیس کوی-شوانگ نیز معلومات ارائه میدارد .

شهبزاده (رئیس) کسوی شوانگک بنام کیوتسو - کیو (Kieou-tsieou-Kio) بر سایر ریاست ها بتاخت و آنها را تابع خود ساخت و خود را پادشاه يك سلطنت كه كوی شوانگك نامیده شد اعلام نمود .

سوال عمده ایكه در باره منابع چینایی مطرح میگردد اینست كه آیا كوی شوانگك قسمتی از یوچی ها اند و یا یوچی ها وقتی آنها را شناختند كه در سلطنت قدیمی ریاستی را از پنج ریاست تشکیل میدادند و بعد از آنكه تا هیا از طرف یوچی ها اشغال شد آنها نیز تابع یوچی ها گردیدند .

كووا برجت زوزو (Kuwabara-Jitzuzo) جاپانی اولین کسی بود كه تفاوت ها بین منابع چینایی (هو-هان شو) و (تسین-هان شو) را مطرح نمود وی میگوید كه مؤلف (هو-هان شو) از (سین-هان شو) درك درستی نداشته است . فعلا چنین گمان میرود كه پنج هی هو (رؤسا یا ریاست ها) قبل ازینكه یوچی ها بر تا هیا حمله نمایند وجود داشته اند كه بنا برین كوشانیها یوچی پنداشته نمیشوند .

این تحلیل و تفسیر كووا بارا از طرف هایندا (Haneda) پذیرفته شد و لی تارن (Torn) ستین كنو (Stean Konow) و پال پلیوت (Paul Polliot) یكجا با هالون (Halon) قضاوت كووا بارا را بحال خود گذاشته اند و تارن بنظر یه قبلی ایستاده است .

منچن هلفن (Maenchen Helfen) دریوچی ها از قبیله بنام ساكه كوشانا (Saka Kushana.) ذكر میکند .

این مطلب که وی آن پنج ریاست را از یوچی ها مجزا میداند ازین رو مورد بحث است که نوشته شده که (آن ها همه به یوچی ها متعلق اند) درین باره استدلال میشود که جمله «به یوچیها متعلق اند» کدام معنی را افاده نمیکند. اگر آن پنج ریاست یارؤ سا (hi—hou) خود یوچی ها باشند، معلوم میشود که بر تاریخچه ها و سالنامه های چینایی پیش از اندازه استناد اتکا شده باشد. واقعیت ها و شواهد آشکار دیگر از قبیل اجاسر، چهره و استعمال القاب (۹) اسما و زبان (۱۰) کوشا نیها و علاوه بر آن همه اقوامی که در آن محل سکونت داشتند و بعدا بتام تا هیایا باختری شناخته شده از نظرافتا ده اند اگر تا هیایا قیل ازینکه بدست یوچی ها بیافتند سرزمین کوشا نیها بوده باشد آیا آنها با سمد یگری نامیده شده اند و یا خیر؟

تجاس و شباهت در کلمات، در حالیکه حقایق و شواهد نمایانی بر آنها اتکا شده نمیتواند موجود باشد چیزهای نیستند که از روی آنها ملیت کوشا نیها منگولی پنداشته شود. حال ما برای یافتن مردمان (تا هیایا - باختریا) که با کدام نامهای کوشانی سر میخورند به منابع یونانی لاتینی و سانسکریت کلاسیک نظر می اندازیم.

نظریه ساکهای آریایی کوشا نیها

مدرک اصل و نسب ساکهای آریایی کوشانی و باز موطن شان در تا هیایا این هر دو بر توأمیت زبانی یا نژادی و خویشاوندی استوار است که از طرف ستین کو بطور جدی بررسی شده است. وی مغانی برخی نامها و اصطلاحات را که از طرف کوشا نیها استعمال شده است

در یک زبان آریایی که زمانی در ترکستان چینی بدان گفتگو می‌شد و در ادبیات بکار میرفت یافته است .

لیومن (Leumann) این زبان را آریایی شمالی دانسته و بعضی خصوصیات این زبان را بیان می‌کند. پلیوت (Pelliot) آنرا آریایی شرقی می‌گوید و له در (Luder) آنرا زبان سا که ها می‌داند . کرتس (Kirtse) آنرا ختشی دانسته که بدون شک زبان سا که ها بود است عنا صر سا کی در سکه ها و کتیبه های کوشانی از طرف ستین کنو بررسی شده بطور مثال نامها و القاب ذیل :

یا ووگا (Yavoga) کچولا (Kujula) ارتونا (Erthuna) مورودا (Muroda) و مچها کا (Majhaka) در کتیبه زیدا (Zeda) و بالاخره در سکه های کنشکا و جانشینان وی که بزبان خالص ختشی سا کی و به رسم الخط یونانی نوشته شده مانند (شا و نانوشا و کوشانو) و غیره . شاو (Shau) در زبان سا کی معنی پادشاه را میدهد که بشکل ششاو (Shshau) در اسناد قرن هشتم آمده است و این با (شاهی) هم ریشه میباشد .

ستین کنو می‌گوید (۱۱) درین باره اگرچه انسان باین نتیجه میرسد که بگوید کوشانیها آریایی اند اولا اگر از حیث زبان و نزدیکی و خویشاوندی آنها با سا که ها مطالعه شود آنها (کوشانیان) حتما قبیله ای و یا خانواده ای از سا که ها هستند .

اینکه کوشانیها قبیله ای از پنج باب گو (Yab-gou) یا قبیله نژاد یوچی ها پیدا شده شد و با ازان پنج قبیله هار یاست ها که بعد

از اشغال تاهیا به تایوچی. تعلق پیدا کرده چنین تعلقات از سالنامه های چینا پی پیدا است.

پایتخت یوچی ها در بد خشان شهر لان شی (Lan—shi) بود که این شهر مرکز تاهیا پی قدیم بوده که تا قرن پنجم میلادی بهیث مرکز آن ها با قیمانده است. (۱۲)

در عصر (هو-هان-شو) یوچی ها تمام تاهیا را گرفته بودند و از زبان چاوانز (Chavannes) که میگوید ازین به بعد یوچی ها تاهیا شمرده میشوند.

منابع لاتین و یونانی کلاسیک:

در تاریخچه های چینایی، کوشانیها آوی شوانک و کوی شوانک یوچی پنداشته شده این موضوع ازینکه آنها شهر تاهیا را که پایتخت آن (در باخترها دواسکندر به باختر) شهر لان شی، بود گرفته بودند تحقق پیدا کرده میتواند.

مهاجرت این اقوام بدوی و نیم وحشی به باختر توجه نویسندگان کلاسیک یونانی و لاتین را نیز بخود جلب کرده است.

سترابو (Strabo) اشغال باختر را توسط ساکه ها جاییکه حکمرانان یونانی از طرف بادیه نشینان مییتی رانده شدند و هم درباره اخلاق این قبایل بادیه نشین تذکراتی میدهد که از انجمله - آسیوی (Asioi) پازیانوی (Pasianoi) توکاری (Tocharoi) و قابل یادآور است. تروگوس (Trogus) در کتاب چهل و یکم خویش و قتیکه از امور اتوری دیودوتس (Diodotus) در باختر که در سالهای میانه قرن سوم قبل المیلاد تأسیس گردید صحبت میکند مینویسد که چگونگی

قبایل سیتی مانند ساروکه - (Saraucae) و آسیانی (Asiani) باخترو
سغد یا نه را بدست آوردند.

ژوستین (Justin) میگوید که باختری ها آزادی و امپراتوری خود
را از دست دادند و زیر تهدید مردم سغدیان ارا کسوزیان و در
نگانبان واری (Arei) و در اخیر پارتی ها قرار گرفتند.

تروگوس در مقدمه کتاب چهل و دوم خود در باره قبیله آسیانی
(Asiani) که حکمرانان تخاریان شدند و اینکه قبیله ساروکه
(Saroucae) از بین رفت معلومات دیگری هم ارائه میکنند.

ستین کنو قبیله آسیانی را از روی تاریخچه چینایی ها با یوچی
یکی میداند. تخاریان قبل از اینکه تحت تسلط یوچی ها در آیند
در باختر و شرق آن متمرکز شده بودند.

وی (ستین کنو) از سببی منابع لاتین و یونانی را با منابع چینی
یکجا مطالعه نمود تا از جریان وقایع تصویر درستی ترسیم نماید.
منابع کلاسیک میگویند قبل ازین که یوچی ها تا حیا را
اشغال نمایند تخاریها حکمرانان باختر بودند آیا ما گفته میتوانیم که
تخاریان عبارت از آن يك یا پنج قبیله یا هی هو بودند که قبل از یوچی
ها بر باختر مسلط بودند.

این فقط در صورتی قابل قبول است که ما اولاً اینرا بپذیریم که
این پنج قبیله قبلاً تأسیس گردیده بودند و از جمله آنها کوی
شوانک قبل از یورش یوچی ها مسلط بودند بعد از آن.
انکه تخاریان عبارت بودند از همین کوی شوانک یا کوشان و باختر
از روی منابع هندی معلوم شده میتواند.

منابع هندی

از روی لست دودمان های سلطنتی که در پورا نا ها (Puranas) موجود است حکمرانان توشارا (Tushara) بجای پاوانا ها (Yavanas) نشستند که تعدادشان ۱۴ نفر بود .

ما تسیا (Matsya) دوره آنها را به غلط (هفت هزار سال) میداند درحالی که این دوره از (۱۰۷) سال بیشتر نیست .

وایو (Vayu) ویر همندا (Brahmanda) آنرا (۱۰) سال میدانند .

نام تغارادراما یا نا (Ramayana) و سهابهاراتا (Maha-bharata) و همچنین دردومتن قدیمی بودایی چون سدهار ما - سماریتو - پشته (Sadharma-Smritiyu — Pasthana) و ماها ما پوری (Mahamayuri) آمده است .

تغاریان بحیث مردمی مستقل و علیحده که در آن طرف هما لها در سرزمینی کوهستانی برای خود کشوری داشته اند از اواسط قرن هفتم میلادی با بنطری از طرف هند یها شناخته شده اند .

بدین ترتیب تمام منابع معلومی از تغاری ها و کشورشان

(Tukuras) که آنطرف سرحدات هند واقع بود ذکر بعمل میاوردند. (۱۶)

از روی منابع پوراتیک شاهان تخاری که هندوستان را از یونانی‌ها گرفتند چهار رده نفرشان بیشتر از صد سال بر هند حکومت کردند و اینها همان حکمرانان یونانی اند که در کتیبه‌ها و مسکوکات بوضاحت بنام حکمرانان کوشانی یاد شده اند.

بین تخاری‌ها و ساکه‌ها در منابع یونانی از ایشان ذکر شده است در بسیاری چیزها در بین شان وجوه مشترک و شباهت‌ها موجود بوده است، مانند اسامی و القاب ساکه‌ها که از طرف حکمرانان کوشانی استعمال شده است.

استعمال ساکه‌ها در عصر هخامنشی‌ها به صورت ضمنی استعمال شده کتیبه نقش رستم از قبایل ساکه ذکر میکند مثلاً: ساکه‌های تیگراخودا (یعنی کسانیکه کلاه یا خودهای نوک تیز بسر دارند) و هوماوارکا (Haumarka) و تارادرایا (Taradraya) (یعنی آنطرف درها) غالباً تخاریان که در قدیم در هند بنام توخارا (Tukharas) شناخته شده‌اند، شعبه‌ای از اقوام ساکه بوده‌اند و یگمان اغلب همین قبیله (تیگراخودا) بوده است و این مسأله از آنجا بیکه حکمرانان کوشانی بالای سکه‌های آنها سکه زده‌اند نیز نمایان میگردد.

نکته مهم دیگر تأثیر مذاهب هندی بالای این حکمرانان میباشد. هونان که غالباً از سلسله هیوانگ نو (Hiung-nu) بوده اند مدت زیادی گذشت تا با شرایط مذهبی و اجتماعی هند آشنا و ملوئ شدند، درحالی‌که مابقی اینهم نخستین پادشاه و مؤسس سلطنت کوشانیها

(کچولا کد فیزس) پیرو استوار و محکم ساتیا دارما ستیتا ساتیا (Satyadarmasthitasia) (قانون راستین) بود و چهرهٔ بودا را بر سکه های خویش نقش کرده است.

بهمن ترتیب فرزند وی ویماکد فیزس (Vima Kadphises) که پیرو شیوا و مایشوارا (Siva Mahisvara) بود و کنشکا که مرئی و حامی مذاهب و به (Eclecticism) (کسی که تمام مذاهب را حمایت نماید) اما یکی را نسبت به دیگران بیشتر اهمیت دهد) معتقد بود و هویشکا که به لنگر خویش در متهورا (Mathura) مشهور و بطور یقین پیرو شیوا بود و همین گونه واسود یور (Vasudere) از نامش برمیآید که از نظر مذهبی هندو بوده است.

همینا این برای يك نژاد براری وادی مشکل است، که باین زودی با شرایط جدی اجتماعی و مذهبی توانق نماید و باین زودی و آسانی آن را بپذیرد.

بنا برین گفته میتوانیم که این مردم حتماً با مذاهب و مفکوره های هندی از نزدیک آشنایی و ارتباط داشته و ارزش های مذهبی هندی بی خیر نبوده اند.

نتیجه

کمان اغلب برین است که کوشانی هادر منطقه ای در نزدیکی باختر و یا در جنوب آن زندگی داشتند و شعبه از سا که های پیشین بوده اند اینها بنا م تخاری ها و یا تخارا شناخته شده اند. در حالیکه حکمرانان کوشانی القاب قبیلوی خویش را استعمال نمیکردند. منابع هندی آن ها را توشارا (Tushara) می گفتند.

این ها به حیث يك ياب-گوی (Yab- gou) مهم موقتاً تحت تسلط
یوچی ها بودند و قتیکه تا هیا توسط یوچی ها اشتغال گردید بعداً
قدوت بدست این ها درآمد خرد را تحکیم بخشیدند و توانستند راه
خود را بسوی شمال شرق بگشایند و در آنجا آخرین حکمروایان یونانی
را شکست دهند. و هر کوشانی ها کجولا کد نیزس برای پسر خود
ویما کد نیزس راه فتح هندوستان را باز نمود.
این بحث با وجودیکه نباید فوراً و بصورت قاطع پذیرفته شود اما
نسبت به نظریه اصل و نسب مغولی کوشانی که اکثریت اسناد و شواهد
موجود آن را تایید نمیکند بیشتر ما را به حقیقت نزد يك میسازد ولی
تاریخچه ها و سالنامه های چینی را نیز رد نمی کنند .



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲



حواله ها و یادداشتهای مربوط به این فصل

(۱) اصطلاح کوشانا ومعنی و کیفیت آن موضوع بحث طولانی و گرمی بین دانشمندان شده است. با کمی فرق بعضی اشکال این اصطلاح قرار ذیل است: در آن عده سکه های کد فیزس اول که بر رسم الخط یونانی ضرب زده شده به شکل کوشسانو Kashsanu و یا خوشاشانو (Khoshansu) و سکه هاییکه بر رسم الخط خروشتی (Khasoshti) ضرب خورده اند به شکل کوشانا Khushana یا کهوشانا خوشانا Khushana می باشد.

نویس: تعداد یادداشتهای مربوط این فصل در خود کتاب به (۳۰) میرسد. اما از آن جمله درین جا فقط (۱۶) یادداشت آن را انتخاب نمودیم که با معلومات دیگری میدهند و خود مولف هم در باره آنها صحبت نموده است و اگر کسی میخواهد تمام یادداشت ها را ببیند به صفحات (۷) الی (۱۱) اصل کتاب مراجعه نمایند (مترجم)

در کتیبه های خروشتی هندی یکی هم به شکل گوشانا Gushana یا کهوسانا (Khushana) می باشد. سکه هاییکه از آسیای مرکزی با همان رسم الخط ها بدست آمده دارای اشکال گوشانا (Kushana) یا کرشانا (Kurshana) می باشند.

در کتیبه، مشهورمات (Math) در نزدیکی متهورا گوشانا پوترا (Kushanaputra) آمده است.

تار یخچه های چینی آن را کوی شیوا نگه (Kuei—Shuang) می نویسند.

در کلمه ناما نندیتیکا (Kalpanamanditika) شاه کنشکا به شکل کیو-شا (Kiu—Sha) نوشته شده است.

کلمه گوشانا راستیل هولسین (B.A.V. Steel Holsein) حالت اضافی جمع اسم کوشا (Kusha) می‌دهد.

مانشین هلفن (Manchen Helfen) می گوید اگر گوشانا حالت اضافی جمع و یا طوریکه متین کنو بی بندارد صفت باشد. بهر حال از موجودیت کلمه مختصر کوشا (Kusha) یا کوشی (Kushi) انکار شده نمی تواند این اسمی است که توسط آن کوشانیان از طرف مردمانی که با ایشان تماس مستقیم و یا غیر مستقیم داشته اند شناخته شده اند. ولی (هلفن) چندین شکل کلمه کوشا و بنام کوشا اسامی چندین روستاها و شهرها را جمع آوری نموده است.

این ها در هند بنام گوشانا شناخته می شوند. در کتیبه مانیکیالا (Manikiala) عبارت گوشنا و اساسین وردها کا (Gushnavasasain Verdhaka)

موجود است از آن برمیاید که شاید شعبه ای از خانوادۀ کوشا نا باشد .

جایا سوال (K.P. Jayaswal) می گوید کوشانا اسم شخصی کجولا کد فیژس موسس وبانی این سلاله حکمروا بوده است .

۲- «اگر به سده کنشکا و اخلاف و اسلاف او از روی واقعیت نظر اندازیم برای جلوس کنشکا چندین سده مختلف تعیین شده می تواند یعنی از قبل المیلاد تا سال ۲۷۸ میلادی» (صفحه ۲-۱۹۰۳ و JARS)

۳- دفتر دوازدهم تحقیقات هیأت باستانشناسی در افغانستان قاهره ۱۹۳۶ .

۴- درین باره آوردن بلیو گرافی جاسعی درین جایی مورد نخواهد بود:

کننگهم (Cunningham) اولین کسی است که درین مورد تحقیق کرده است (راپور تحقیقات باستانشناسی) (ASR) جلد سوم یاد داشت صفحه ۶۸) .

از روی تیوری زمان ویکراما (Vikrama) که یک بحث هایی دیگری برآن ترتیب شد برمیاید که کتیبه کوشانا شاید مربوط دوره سلوکی ها باشد و تاریخ جلوس کنشکا را سال ۸۰ میلادی می داند (صفحه ۲۴ کتاب دوره های هند) .

سیلوین لیوی (Sylvian Levi) تاریخ شروع سلطنت کنشکا را سال پنجم قبل المیلاد می داند (جورنال ایشیا تیک پاریس ۱۸۹۶ نوامبر- دسامبر و صفحات ۶۲-۶۶-۸۲ جون ۱۸۹۷)

بایر Bayer جلوس کنشکا را بعد از سال (۹۰) میلادی میداند و بندر کار آنرا سال ۲۷۸ م میبندارد ۱۹۰۰ م JBBRAS داکتر بندر کار بعداً نظر خود را تغییر داده و تاریخ تخت‌نشینی کنشکا را حوالی سال ۱۲۸ میلادی تعیین کرده است (IC.VII. P. 140 n) نظریات فرگوسن (Fergusson) و اولدنبرگ (Oldenberg) بر نظریه ونسنت سمت استوار است که میگوید کنشکا در سال ۷۸ میلادی مؤسس سلسله ساکه‌ها بوده است.

در سال ۱۹۱۳ برای تعیین سنه کنشکا بحث مفصلی در گرفت که در آن مورخان بسیاری کشورها اشتراک کرده بودند که بحث‌های آن در مجله رویال اشیاتیک سوسایته چاپ شده است. درین اواخر نیز در شماره این موضوع محلی از طری (School of Oriental and African studies) تشکیل گردید که در آن

دانشمندان بسیاری مشارک نمودند (اساتذای بحث‌ها تا هنوز بچاپ نرسیده است).

از جمله طرفداران نظریه جلوس کنشکا در قرن دوم میلادی ونسنت سمت آن را سال ۱۲۰ م ستین کنو ۱۲۵ م مارشال ۱۲۸ و نگارنده این کتاب سال ۱۴۴ میلادی می‌دانند. خانم لوهویزن دی لیوو (Lohuizen de Leeuw) می‌گوید: کنشکا بین سال ۷۱ میلادی و قبل از سال ۸۶ میلادی بر تخت جلوس نشسته است. (The Scythian period-p.64) گیرشمن سنه تخت‌نشینی کنشکا را ۱۴۴ میلادی می‌داند.

Cahiers جلد سوم، شماره ۳، ۱۹۵۷، میلادی صفحه ۶۹۸).

نظریات موافق و مخالف دانشمندان در باره سنده کنشکا بعداً در متن و در جای آن ذکر خواهد شد.

۵ - پوزین (Poussain) می گوید این اشکال در سکه های آن ها که برسم الخط یونانی بود، کوزولا Kozoula یا Kozola و برسم الخط خروشتی Kujula نوشته شده.

از روی اسناد ختن، کسورا Gusura لقب رسمی بوده است تا جاییکه به Yavuga—Yauua (خروشتی) و زا و Zaoou (یونانی) ارتباط می گیرد گفته میشود که از هی هو hi—hieo چینی که قبلاً یاب کو (Yab-gou) تلفظ می شد، استنباط شده است.

از روی نظریه دانشمند فرانسوی (ستین کنو) شاید یاب - گو (Yab-gou) در اسناد ختن يك اسم خاص بوده که بعداً در بین ترکان شرقی به يك لقبی برای بزرگان تبدیل شده باشد.

۶ - (JARS, 1912, P. 670) سیلویین لیوی به بیان هما چند را Hemachandra اشاره می کند که میگوید ترکان ساکی (Sakis) ازد یعنی لقب شاهان ساکی را استعمال می کنند و ساکی به معنی شاهی Shahi نوشته شده است.

این لقب از طرف کنشکار و جانشینان وی برسم الخط برهمی استعمال شده است.

۷ - بر اساس نظر به تارن (Tarn) از جمله پنج شهزاده یوچی یاب گوی نمبر پنجم (که وی آن را بیغوتلفظ می کند) يك نمبر تیمیک آریائی نه بلکه غالباً يك نمبر چینی بوده است. وی علاوه می کند

یَبْغُو (Yab—Ghu) کلمه‌ای ترکیست .. (یونانی‌ها در باختر و هند تا لیف تارن چاپ دوم صفحه ۲۸۸) .

۸ - مولف کتاب (یونانی‌ها در باختر و هند) «چاپ دوم صفحه ۲۸۷ نوت چهارم» میگوید: این نظریه که شهزاده گان یوچی و پنج شهزاده سا که هابی باختر را که یوچی هانتح کردند یکی می‌دانند بیانات هو شان شورا از کشتی به دریا می‌افکند و اشتباهی است بر اشتباهات دیگر که میگوید سا که های باختر یونا نیان رافتح کردند .

۹ - نظریه‌ای که میگوید دیوا پوترا Devaputra تقلیدی از لقب امپراتوران چین است از جانب توماس F.W. Thomas رد شده است . برای اصلیت چینی این کلمه اگر این عقیده عمومی را که پادشاه و امپراتور را از جانب خدای داد و برداش حیثیتی الهی قابل است مد نظر بگیریم دلیلی شده نمیتواند زیرا دیوا پوترا يك اصطلاح هندی است که نه از طرف کوشانیان و نه برای آن‌ها اختراع شده است این اصطلاح بسیار قبل از کوشانیان در کتیبه بهار هوت Bharhut آمده است .

۱۰ - هلفن می‌گوید کوشانی‌ها بزبان سا کی حرف می‌زدند و زبان سکه هایشان مال خالص ختن بوده است .

هالسونز (Halsouns) میگوید این که گفته میشود کوشانی‌ها بخاطری زبان سا کی را استعمال کرده اند که خود را اخلاف و جانشینان قانونی حکمرانان سا کی شمال غرب هندی دانستند قابل قبول نیست .

کوشانی‌ها هیچ وقت در باختر زبان‌سا که‌ها را انتخاب نکرده‌اند .
 ۱۱ - ستین کتو چنین می‌نگارد که شاه کنشکا زبان ساکی را
 در نوشته استعمال کرده است آثار بودایی از زبان کوی شانک
 (Kuishang) بزبان برچوق (Barchuq) درمارل باشی Maralbashi
 فعلی نزد يك يار کند و به همین ترتیب از (کوی شانک) به تخاری
 و بعداً به ترکی ترجمه شدند اما این معلوم نیست که زبان کوی
 شانک در کجا مروج بوده است .

۱۲ - راجع به موقعیت تاهیاشی کی (Shi—Ki) می نویسد تاهیا در
 دو هزارلی (Li) جنوب غرب تا - وان (Ta—wan) (فرغانه) و جنوب
 رودخانه وی (Wei) (اکسوس) واقعست .
 در آنجا دهقانان آبادی‌ها و شهرها دارند و در معاشرت و رفتار
 شبیه مردمان (فرغانه) هستند .

مردم فاقد یک رهبر بزرگ بودند و روستاهای بزرگ برای خویش
 رهبران محلی انتخاب می‌کردند و سران آن ضعیف بودند و از جنگ
 هراس داشتند اما مردمان آن در معاملات و تجارت بسیار ماهر و آزموده
 بودند .

بعد از فتوحات یوچی‌ها که پایتخت شان در لان - شی بود آن پنج
 ریاست که هر کدام شان تحت تسلط یک‌هی - هو بود به تاییوچی
 (Ta- Yueh- Chi) مربوط بودند . از روی هو - هان - شو یوچی‌ها
 امپراتوری تاهیا را این پنج‌هی - هو تقسیم نمودند .
 به عقیده تاون بعد از آنکه آن‌ها (یوچی‌ها) باختر را گرفتند
 لان - شی (یعنی اسکندریه) پایتخت تاهیا (یعنی باختر) بود .

سمپکت (Spect) نخستین کسی است که لان - شی را اسکندر به می‌داند .

گروت (Groot) ان را پان - کوی کان - سی (Kan-si) میداند .
تارن عقیده دار داز لحاظ تاریخی لان - شی غیور از باختر جای دیگر بوده نمی‌تواند .

۱۳ - به عقیده تارن اشغال تاهیا (باختر) کار یوچی‌ها بوده است اما اکثریت دانشمندان معاصر را عقیده بر اینست که تاهیا از طرف ساکا‌ها اشغال شده و بعداً ساکا‌ها از طرف یوچی‌ها به جانب جنوب رانده شدند .
این کشور تازمانی در اختیار ساکا‌ها بود که یوچی‌ها با آن‌ها را تابع خویش نمودند و یارایانند .

چانگ - کین (Chang Kien) درین باره هیچ چیز نمیداند و ذره‌ای شواهد وجود ندارد که موجودیت شان را ثابت نماید .
جمله ساده ستر او اینهمه مغالطه و غلط فهمی را بمیان آورد و نویسندگان یکی بعد دیگری - باشکال‌گوناگون ساکا (Saka) و ساکارو (Sakarau) و سائی وانگ (Sai-Wang) و حتی توکاری (Tochari) خویشتن را خسته کرده‌اند .

سترابو اشغال باختر را توسط ساکا‌ها می‌داند اما تارن می‌گوید که سادگی متن و سطحی‌گری آن ازین معلوم است که سترابو از قرن دوم و سوم قبل المیلاد صحبت نمی‌کند . بلکه خیلی پیشتر ازین یعنی در قرن هفتم قبل المیلاد از هخامنشی‌ها صحبت میکند .

اپولودروس (Apollodrus) اشغال سلطنت را توسط چهار قبیله

چادر نشین می‌داند مانند اسی (Asii) یا سیانی (Pasiani) توکاری (Tochari) و ساکاولی (Sacarauli).

تروگوس اشغال آن را توسط دو قبیله آسیانی (Asiani) و ساروکه (Saraucae) می‌داند. با وجود آن تروگوس از توکاری نیز ذکر بعمل می‌آورد.

۱۴ - خانم لیوو (Leeuw) عقیده دارد که یوچی‌ها تخاریان‌اند و آسیانی (Asiani) الیاس (Alias) اسی (Asii) یا یوچی‌اند و با حد اقل قشربا که آن‌ها می‌باشند. این خانم در جایی دیگر می‌گوید اسی (Asii) در ماورای مرزهای خویش بنام توکاری - توخارا (Tukhara = Tochuri) شناخته می‌شدند.

تازن میگوید نام اسی (Asii) همانند (Arsi) می‌باشد که توسط دانشمندی بنام (Sieg) خیلی مدت در استاد قرن هفتم یافت شده است.

وان وندیکن (Van Windeken) عقیده دارد که کلمه ارسی (Arsi) بمعنی سپهر برای حکمرانان تخاری یا مردمانی که بالای شان حکومت می‌کردند استعمال می‌شده است.

بعضی دانشمندان اسی (Asii) را با وو - سون (Wu-Sun) یکی می‌دانند.

مانند کار پنترو د یولین (charpenter Deyulines) و کوریز (Coureas) هروفیسر بایلی (Bailey) بمعنی ارسی (Arsi) را مأخوذ از کلمه آریا (Arya) سانسکریت می‌داند.

اسی (Asii) مردمانی را می‌داند که در جنوب روسیه بنام اوسیتس (Ossetes) یا اس (As) یاد میشوند.

از جمله سترا بو این مساله بوضاحت کامل آشکار میگردد که فتح باختر چنان رویداد تاریخی بود که بموجب آن قبایل داخل باختر و قبایل همجوار آن شروع به مهاجرت نمودند.

از منابع کلاسیک برمیآید که اشغال باختر مرحله‌ای انتقالی بود که گاهی در دست یکی و گاهی بدست دیگری می‌افتاد که آنکه می‌تواند تا تن اول (مهر داد اول) آن را اشغال نموده و حکمرانان د هگرا از آن براند.

شناخت هویت تغاریان هم موضوع بحث است درین باره سیلوین لیولستی از منابع چینی چنین ابراز نظر میکند:

بك منبع چینهایی می گوید كه همزمان و در يك وقت هونانیان (Yanana) در شمال و هو - لا - پو (Po-La-Po) یعنی پهلوا پار تیان در غرب و چی - کیا (Che-Kia) = (Saka-Scythians) در جنوب و تین - چا - لو (Tein-cha-Lo) یعنی توکارهان در شرق حکومت میکردند.

همین مقایسه ای که ویپاشا (Vibhasha) و نانچو (Nanjoi) کرده اند این نظر را از آن مستفاد می‌گردد که هوچی و تیو - کهو - لی (Teou-Kiu-Le) با هم یکی اند. روابط تغاری ها با توکاری و تو هو - لو - Toue-Houo - Low چینی یا هوچی و تا هیا از طرف دانشمندان بررسی شده است.

ر ریکتوفن (Richtofen) که لیوی نیز با وی موافق است توکارهان را با هوچی یکی دانسته و مسکن شان را ختن می‌داند و

مارگوارت (Marguart) می گوید که تو کاری ها همان تاهیا می باشند که در يك کشور زندگی می داشتند که هیون- تسانگ (Hiuen- Tsang) آن را تو - هو - لو (Tou-hou-Lo) قدیم یا تخارستان می نامد که در وسط اکسوس و ۳۰۰ کیلومتری ختن واقعست .

فرانک (Frank) عقیده دارد که آن ها تاهیا بودندنی هم یوچی بلکه مردمانی بودند که یوچیهها آنها را در تو هولوی قدیم تابع خود کردند .

ستون کتو چیزی را در مورد رابطه ای یوچی ها و مهاجرت تو - هو لو نمیداند .

راست اینست که تخاریان در جهان غرب خیلی پیشتر حتی از زمان آسوری - ها شناخته شده بوده اند. زمانیکه یوچی ها را هیچ کس نمیشناخت . درین باره پوزین Poussain : «یولیو کرافتی جامعی را ارائه کرده است .

۱۵ - در کنگره تاریخی هند که در سال ۱۹۳۳ میلادی در علینگر تشکیل شد در لی ان بگچی (P.C.Begchi) در نطق افتتاحیه خویش در باره مساله بادیه نشینان آسیای مرکزی در هند صحبت نمود . از ذکر در باره تخاریان در منابع قدیمی هندی مانند پورا فادو و کتاب دیگر بودائی هم یاد کرد و بعضی ماخذ آن را نیز تذکر داد .

۱۶ - پلینی (Pliny) و بطلموس آن را به ترتیب بشکل تو کاری Thocari و Tochari ذکر کرده که در شمال (Caspiri) - کشمیر زندگی داشتند .

فصل دوم

کاد فیزس ها

دودمان سلطنتی کوشانی کاد فیزس ها که شامل دوفرا آنهم پدر و پسر میشوند ، بر يك دودمان سلطنتی دیگر کوشانی که موسس آن کانهشکا بوده است پیشی دارد .

نظریه فلیت و کینیدی (۱) که دودمان سلطنتی کانهشکا را قبل از دودمان کاد فیزس ها میپنداشت اکنون از نظر افتاده و ارزش خود را کاملاً از دست داده است .

استاد و هواهدیکه بر اثر کاوشهای باستان شناسان از مقام تا کمیلاً بدست آمده اند، در مورد اینکه کدام يك ازین دودمان ها پیش و پس بوده اند به اندازه کافی روشنی انداخته و جای شك و تردید را باقی نگذاشته است . (۲)

برای درك و تحقیق در باره دودمان اول کوشانی با یست به استاد و هواهد ذیل مراجعه شود :

هو - هان - هو یعنی سالنامه ها یا دفترچه های دودمان دوم
سلطنتی هان چین که واقعات و حالات بعد از سال ۲۰۵ میلادی را بازگو
میکنند . (۳) و سه کتیبه هخروشتی کاندو فرانس که در سال
۱۰۳ نگاشته شده اند (۴) و همچنین کتیبه سال ۱۲۲ هجری و کتیبه
ظرف نقره‌ئی سال ۱۳۶ تاگسلا .

علاوه بر اینها مطالعه و تحلیل همه جاذبه مسکوکات دودمان اول
کوشا نی یعنی کجولا کاد فیزس و پسرش ویما کاد فیزس از جاها تیکه
بدست آمده اند (۵) و چهره هائیکه بر آنها نقش بسته نیز درباره این
دودمان معلومات را ارائه میدهد .

و نیز خصوصیات و مطالب این مسکوکات با واقعاتیکه در آن دو
سند از آنها ذکر شده ، میتوانند در راه دریافت يك توائق بما
كمك كند .

تحلیل و تدقیق منابع و اسناد و معلوما تیکه از آنها بدست میآیند میتوانند
يك تصویرمکملی از زندگانی و کارنامه های فرمانروا کجولا کاد
فیزس و فاتح هند ویما کاد فیزس را در اختیار ما بگذارند .

چنین برمیآید که این هر دو فرمانروا هر کدام شان برای يك مدت
درازی سلطنت کرده اند .

ما اکنون درین جا مسایل آتی را مورد بحث قرار خواهیم داد :
سنوات این هر دو فرمانروا کارنامه ها و فتوحات کجولا کاد فیزس
و روابط او با هرمائیس (Hermaeus) و گاندوفرنس و سمت امپراتوری
او و بدینمنوال راجع به ویما کاد فیزس فتوحات او و گماشتن ساتراپها و

روابطه او باچین و روم و در ضمن معضله سوتر میگاس در اخیر فاصله
زمانی بین او و کانیشکاو رول جیها فیکا یا ز یو نیزس (Zeionises)
سخن خواهیم گفت .

منابع و مدارك :

این گزارش هو-هان - شوکه میگوید « بعد از جدائی صد ساله آن
پنج هی - هو (he-hou) یکی و یکجا شدند » چیز های زیاده را بما
می آموزاند .

هی - هو ی کوی شوانگ (Kuei-Shuang) بر چهار هی - هو ی دیگر
تاخت و خود را پادشاه اعلان نمود و سلطنت او بر اساس تقسیمات قبلی
واصلی (کوی شوانگ) نامیده شد .

هو-هان - شورا جمیع به سایر کارنامه ها و فتوحات درخشان او نیز
صحبت میکند و میگوید که او (کوی شوانگ) بران - سی (An-si)
تاخت و کساؤ - فو (Kao-Fu) - را بگرفت و علا و تا
برپو - تا (Po-ta) و کی - پن (Ki-Pin) (۴) نیز پیروز
گشت و آن سلطنت ها را تصاحب نمود . و بیش از (۸۰) سال داشت که
پدر و دحمیات گفت و بجا یش پسر او پن - کاو - چن (Yen-Kae-Chein) بر تخت
سلطنتی نشست و او تبین - چو (Tien-Chu) را بار دیگر گرفت و برای
اداره امور آنها یکی از جنرالهای خود را گماشت .

چون هو-هان شو - از عهد کین - وو (Kien-Wu) (۲۰۵-۲۰۰ م) و بعد
از او سخن میراند پس فتوحات کجولا کادفیزس نمیشود قبل از سال ۲۰۵ م
صورت گرفته باشد .

کتیبه ها هم که راجع باین دودمان کوشانی سخن میرانند عبارتند از همان سه کتیبه که ما قبلاً از آنها ذکر نموده ایم .

کتیبه اول که سنه گذاری آن در سال ۱۰۳ همان عصر صورت گرفته و سال ۲۴ (۷) سلطنت مهاراجا گودوهارا (Guduvhara) (گا ندو فرنس) و روز اول ماه وایسا کا (Vausakha) نیز از آن استنباط میشود در آن چنین نوشته شده : « تحفه های میرا (Mira) نجات دهنده و پسر و دختر او به افتخار شهزاده ارجیونا کاپشا (Erjhuna-Kapsha) و پدر و مادر او تقدیم شده است » از روی این عبارت چنین استنباط میشود که مقصد از شهزاده کاپشا عبارت از کجولا کا دیزس بود که درین وقت هنوز به سلطنت نرسیده و یک شهزاده بوده است .

مادر مورد روابط با گا ندو فرنس بعداً سخن خواهیم گفت .

کتیبه پنجم (۸) در دره های کوه های مترا بان که در سال ۱۲۲ همان عصر نوشته شده و در آن عبارت مهاریا سا - گوشانا سا (Mahayarasa Gushanasa) یعنی « فرمانروای بزرگ کوشانی » دیده میشود . و همچنین ۱۴ سال بعد تر کتیبه ظرف نقره ئی (۹) که سنه گذاری آن در سال ۱۳۳ صورت گرفته و در آن عبارت مهاریا سا - راجا سا - راجا دیواپوترا گوشانا سا « یعنی گوشانا شاه شاهان و پسر خدا » دیده میشود .

طوری که دیدیم درین اسناد در هیچکدام شان از نام خاص فرمانروا ذکری نرفته و تنها نام خانوادگی آنها (کوشانا) برده شده است . و بنا براین ما نمیتوانیم تصور کنیم که منظور آن کتیبه ها یک دودمان دیگر کانیسکای کوشانی بوده باشد . و طوری که از سنه گذاری کتیبه

بر میا هد که منظور از فرما نروای کوشانی عبارت از کجولا کا د فیزس است که در سال ۱۲۲ پادشاه بود.

و بعد از ۴۱ سال سلطنتی راهی ریزی کرده بود که تا به تاگسیلا رسعت داشت و از همین رهگذر او با چنین القاب پرتنطنه و بلند بالا یاد شده است.

مسکو کاتی را که کجولا کادفیزس گاهی همراه با هرماوس (Hermaeus) (۱۰) و گاهی هم بطور مستقل انتشار داده و بر روی آنها بعضاً چهره های از یگان امپراتور روم غا لبا آگوست (Augustus) گرچه آلن (Allan) (۱۱) آفرانزد یک به کلودئوس (Claudius) میداند نهی بسته ، در راه روشن شدن و نگارش تاریخ کجولا کاد فیزس کوشانی خصوصاً در قسمت فتح کابل (کاو-فو (Kae-Fu) در تاریخچه های چینائی) و بیرون ریختن قدرت و تسلط یونانی ها توسط او کمک قایل ملاحظه مینماید. منجماء مسکو کات در راه احیاء و نگارش تاریخ سیاسی آن دوره از اسناد خیلی مهم و غنی بشمار میرود.

سنه کجولا کاد فیزس و عهد قدیم ساکا :

سنه کجولا کاد فیزس را تنها میتوان در صورت تعیین سال نخستین دوره ساکا که در سه کتیبه خروشتی ذکر شده تعیین نمود. قبلاً اشاره شد که این اسناد تنها متعلق به خود اوست و سند آخرین به پسر او تپا بق میکنند نه بکدام فامیل دیگر.

اکنون بطور عموم پذیرفته شده تمام اسنادیکه برسم الخط خروشتی نگاشته شده تاریخ آن حدود سال ۸۵ ق م بوده است. (۱۷) و این تاریخ سنه کجولا کاد فیزس را در حدود سالهای بین ۵۴ م و ۷۸ م میدهد.

این سنوات با سنوات اسناد چینائی و دست آوردهای ارکیالوجیکی نیز توافق میکند. قبلاً آخاطرنشان شد که تاریخچه دودمان دوم هان (هو - هان - شو) واقعاتی را در بر میگیرد که در طی و بعد از دوره کین - وو (Kien-Wa ۲۵ - ۵۵ م) وقوع پیوسته اند. در مورد کا پشا Kapsha که در کتیبه بشقاب مسی سال ۱۰۳ تاگیلا ذکر شده بحیث کجولا کادفیزس پذیرفته شد، و همچنان کتیبه ۲۴ گدواها را (Guduvhara) (گاندو فرنس) نیز از لحاظ طرح و سنه گذاری با هم توافق میکنند. از روی این اسناد کجولا کادفیزس درین وقت تنها یک شهزاده یا کو مارا (Kumara) بوده اگرما اشتقاق ستین کتورا در مورد و کلمات ابرجونا ایللی سانای (Erijhuna alysan) پسانها ايسانای Eysanaai یعنی الزنای Alzanai ایزانای Ezanai که در زبان ساکی قدیم به کشور ختن بکار برده میشود بوی یریم (۱۸).

در ۱۲۷ عهد قدیم - ۳۴م کجولا کادفیزس بحیث سلطان (مهاراجا) قدم در سرزمین شمال غربی هند قدم میگذازد (+) و در طی مدت ۳۰ سال دهگرویی موقعیت خود را استحکام و قلمرو خود را توسعه میدهد. و این واقعت از کتیبه سال ۱۳۴ تاگیلا آشکار میشود که در طی آن کجولا کادفیزس القاب بزرگ و شاندار چون مهاراجا راجا تی

x منظور نویسنده سرزمین افغانستان بوده ولی از زکرفام آن خود داری میکند و اصطلاح انگلیس ما بانه (ولایت شمال غرب) را بکار میبرد.
(مترجم)

را جا دیو ابو ترارا برای خود بکار میبرد. هنوز نام خود او بنظر نمی خورد و همان لقب خاندانی او چون کوشانا یا خوشانا (Khushana) دیده میشود که در کتیبه های قبلی به ا لقب مهاراجا سا - کوشی ناسا راجی (۱۹) در آن ذکر شده است. آن عده از دانشمندان نیکه می انگارند که نیشکا موسس عهد ساکا در ۷۸ م بوده است این استاد را متعلق به ویماکا د فیزس میدانند که پیوسته بعد از کاشیکا بهمان آمده است.

باین ترتیب در طی مدت ۳۳ سال یعنی دین سالهای ۵۳ و ۷۸ م زندگانی کجولا کاد فیزس هشتاد ساله بحیث یک شهزاده و بحیث یک فاتح يك فرمانروا و همچنان عهد زمامداری پسرش و تمام واقعات شمول فتح هند (تین چین) (Tien-Chian) را در بر میگیرد البته ما بعد از جای خودش این معضله را مورد بحث مفصل و تحلیل قرار خواهیم داد. و تنها چیزیکه در اینجا باید خاطر نشان کنیم اینست که چنین سنه گذاری ناممکن نیست ولی نا بجا هست. کتیبه خلا تیس Khalates (۲۰) که باز ویماکا د فیزس سال ۱۸۷ بی ارتباط نیست اگر مطمع نظر قرار گیرد دوره زمامداری ویماکا د فیزس را تا به سال ۱۲۹ م میرساند و به عقیب آن کتیبه ظرف نقره ئی جیهو نی کا (Jihonika) تاگسیلا (۲۱) سال ۱۹۱ - ۱۳۳ م آنرا نا ئید میکند.

فتوحات کجولا کاد فیزس

در مورد فتوحات کجولا کاد فیزس تاریخچه دریمان بعدی هان (هو-هان-شو) مذکراتی دارد. و مسکوکات بدست آمده او و همچنان دو کتیبه خروشتی ۱۲۲ و ۱۳۶ و بطاین فرمانروا باهرما یوس بما کمک

میکنند بعد از آنکه کجولا کاد فیزس سایدی - هو - اوسارا تابع خود ساخت گفته میشود که بر آن - سی (An-Si) (نام مسروج برای پاریتا) حمله برد و به تعقیب آن سرزمین کاء - فورا بدست آورد و به سلطنت های پو تاو - کی - پن موفقانه تاخت و آنها را تصاحب نمود. آن سی بقرار نظریه ستین کنو (۲۲) باد و دمان پاریتها در شرق که گاندو فرنس از آنجمله است مطابقت میکند. قبلا تذکار داده شد که کجولا کاد فیزس در سال ۱۰۳ و در سال ۲۴ زمامداری گاندو فرنس يك شهزاده یا کومار از وی نام برده شده است. گاندو فرنس آخرین سلطان پاریتی نبود.

در مسکوکات ابداکا سیمس (Abdagases) که در عقب سکه او را به عنوان گودو و هارا بهر ادا پو ترا ماهورا جاسا او ادرگاسا (ترا داراسا) Guduvharabhradaputra Mahurajasa Avadaqasasa (Tradarasa) نام میبرد از جنوب غربی بدست آمده است (۲۳) بروی يك سکه دیگر سلطان القاب مهرا را جاسا را جاتی را جاسا Maharagasa Rajatiragasa ثبت شده است (۲۴) مسکوکات سلطان پاکورس (Pacores) از کند هار و از نواحی غربی بها کر (Bhakar) بدست آمده اند (۲۵) مسکوکات پاکورس و ویمما کاد فیزس کوشانی و بعضی از مسکو کاتیکه تصویر سمبول گاندو فرنس و رسم الخط یونانی و خروشتی داشت توسط مارشال از مقام سر کب (Sirkap) که در يك مرتجان کلی جای داده شده بود کشف گردید (۲۶) مطابق نظریه اپسن (Apsen) حتی در دوره زمامداری گاندو فرنس اطاعت والیهها از فرمانروای شان محض بنام بوده است.

وجود هیچ يك زمامدار مستقل پارتی بعد از گاندو فرانس در نواحی شمال غربی هند از روی مسکو کاتیکه تا کنون بدست آمده تا ئید نمی گردد.

از روی این وقایع برمی آید که کجولا کا د فیزس امپراتوری گاندو فرانس را سقوط داده و نواحی کا بیل (Kao-Fo) راجا ئیکه مسکو کات پا کور پس یا آبا داگا سیم از آنجا تا کنون بدست نیامده اشغال کرده است. این واقعات از روی کتیبه تخت با هی (Bahi) در سال ۳۳ م و از روی کتیبه پنجم در سال ۳۴ م بدست بوقوع پیوسته باشند.

گنجی را که مارشال از خرابه های سرکپ بیرون آورده دارای مسکو کات گاندو فرانس پا کوریم و کجولا کا د فیزس میباشد و از آن برمی آید که کجولا کا د فیزس ناحیه تا گسیلارا از جا نشین ضعیف پا کوریم گرفته است.

کتیبه طرمار نقره ای سال ۱۳۶-۷۸ م ناگسیلا کا القاب (مهاراجا راجا تی راجا دیوا پوتر اکوشانا) بران نگاشته شده است از آن بر می آید که مراد از آن کجولا کا د فیزس بوده است.

بنابراین می شود که کجولا کا د فیزس عملاً با اذو-پادیهتازور آزمایی کرده است.

نواحی غربی امپراتوری اذو-پادیهتای گاندو فرانس نخست توسط کجولا کا د فیزس اشغال شد و این غالباً قبل از سال ۱۲۲-۱۱۲ اتفاق افتاده است. ممکن است به جا نشینان گاندو فرانس يك کمی حق موجودیت مثلاً بحیث تئودار کجولا کا د فیزس داده شده باشد.

ولی وقتی ابداسیس با بکار بردن القاب شاینداری برای خود از قبیل (مهراجاراجا تی راجا) ابراز کمی استقلال نمود به از دست رفتن تاج و تخت او تمام شد و امپراتوری کوشانیها با این ترتیب تا به تاگسیلا توسعه یافت. این واقعات قبل از سال ۱۳۶-۷۸ م. به وقوع پیوسته اند.

مرحله دوم فتوحات کجولا کا دفیلس طوریکه در (هو-هان-تو) تذکارها فته یعنی غلبه او بر پو-تا (Pu-ta) و کی-پن (Ki-Pin) میرساند که او تاگسیلا و ناحی شرقی رود اذوس غالباً نواحی شمال شرقی را فتح کرده است.

و نسبت سمت (۲۸) که به سیلوین لیوی (Sylvain Levi) و ستین کنو حواله داده نظر به سابق خدرا که این نواحی را عبارت از کشمیر میدانست ترک داده و حالا آنرا عبارت از کندهارا بشمول تاگسیلا و تخت باهی میداند.

کجولا کا دفیلس و هرما یوس (Hermaeus):

روابط این دورا دانشمندان بطریقه های مختلفی ارزیابی و بررسی نموده اند.

چون نامهای هرما یوس و سلطان کوشانی کجولا کا دفیلس بروی یک عده سکه ها یکجا ذکر شده (۲۹) این موضوع در بین دانشمندان مورد جرو بحث طولانی قرار گرفته است.

همچون سکه و کات مشترکی که قبلا بدست آمده بوده از خلال مطالعه و تحلیل آنها پس چنین انگاشت که هرما یوس زماندار قبلی بوده که چهره نیم تنه و نام او برسم الخط یعنی فارسی بر روی اول سکه و

از کجولا کادفیزس یا یاووگای Yavuga کوشان برسم ا لخط خروشتی در عقب سکه نقش بسته و بعد از هر مایوس متصلا کجولا کادفیزس زمام امور را بدست گرفته است (۳۰)

از طرف دیگر توماس می انگارد که بین آن دو يك فاصله و يك خلای وجود دارد که توسط خود پهلواها که کابل رادربی این فاصله عملا در دست داشتند پر میشود (۳۱) که این نظر به پسانها مورد تأیید اسپن نیز قرار گرفته (۳۲) و مارشال (۳۳) و کتو (۳۴) و نارن (۳۵) نیز آنرا پذیرفته اند و تارن میگوید که کجولا کادفیزس از اخلای میوز Miaos یاووگای کوشانی (یا « هیروز » (Heraos) این نام حیثیت یقینی ندارد) که وی بروی مسکوکات خویش خود را کوشان نامیده است بشمار میرود (۳۶) وی (میوز) یکی از خویشاوندان هر مایوس را به عقد ازدواج خود در آورده است و قتی او پازو پا میزاد را مورد هجوم خود قرار داده یونانی ها اعلام داشت که وی منحهیت يك بیگانه برای فتوحات این سرزمین نیامده بلکه بحیث يك زمامدار مستحق و قانونی که این حق را بموجب خویشاوندی با هر مایوس آخرین سلطان یونانی به ارث برده آمده است . مسکوکاتی که چنین مطالب بر آن نقش بسته چیز دیگری نبود جز پروپاگند محض و دلجویی یونانیها که هنوز قدرت بزرگی در کابل بشمار میرفتند . (۳۷) این نظر به پیشین اسپن که سخن از روابط نزد يك هر مایوس با کجولا کادفیزس میزد و میگفت کجولا بلا فاصله و بلا وقفه جانشین هر مایوس گردیده است مورد تأیید و تأکید میرمن لیوو (Lohuizen-de-Leeuw) قرار

گرفته (۳۸) و میرمن مذکور کجولا کاد فیزس را به قرن اول ق م به عقب میبرد .

قبلا تذکار داده شد که کجولا کاد فیزس طوریکه تارن فکر میکنند از روی عرق و نژاد نبوده و نه هم چنین تصور شده میتواند که کجولا کاد فیزس متصلا جانشین هرما یوس بوده باشد . بیکهو فر (Bachhofer) می انگارد (۳۹) که هرما یوس شاید هنوز در دهه دوم قرن اول میلادی حکومت میکرده است . دانشمند مذکور این موضوع را که کجولا کاد فیزس را با ین - مو - فو (Yen-mo-fo) که در شن - هان - شو (Chien-Han-Shu) از آن ذکر شده یکی میدانند شواهدیکه جلوس او را قبل از ۸۴ ق م تثبیت میکنند مردود می شمارد . مطابق کروئو لوجی ایکه وی طرح کرده است کجولا کاد فیزس در دهه دوم جلوس خود نه تنها اینک و نیس (Vones) سهالا هورس (Spalahores) و سهالا گادامیس (Spalagadames) را بلکه سهالا یرا یزس (Spalirises) و از یس (Azes) دوم را نیز بیرون ریخته و قسمتی از مدت زمانداری هرما یوس را نیز در برگرفته است و مارشال براون لست نام از یلا یسیس (Aziliess) را که برازیس دوم محبت دارد می افزاید (۴۰)

کجولا کاد فیزس و جهان غرب :

فتح آن - سی (- پاریتا) و کاو - فو (کابل) این فرمانروای کوشانی را ضرو و بارو من ها و جهان غرب در تماس نزدیک قرار داده است . اگر او بر روی یک عده از مسکوکات خود مجسمه نیم تنه هرما یوس را باز بان و رسم الخط یونانی نقش بسته بروی یک عده مسکوکات مشهور دیگر خود (۴۱) مجسمه نیم تنه امپراتور

دوم را تقلید کرده است. شناخت این امهرا تور دوم نیز در این دانشمندان مورد جرو بحث های زیادی گردیده است. مشا جره بر سر این است که گفته میشود طرح این نوع مسکوکات کجولا کا د فیزس از مسکوکات اوگوست (Augustus) (۴۲ م) تقلید شده است. ان (Allan) به استناد شکلیات عقب سکه با این نظریه است که کجولا کا د فیزس از کلود یوس (Claudius) (۴۳ م) امهرا تور روم (جلوس در ۴۱ م) تقلید کرده است.

پرو فیسور با شام (Basham) اظهار نظر میکنند (۴۴ م) که مسکوکات کجولا کا د فیزس دقیقا با بعضی از دینارها ی (denarii) اوگوست شباهت زیادی دارد. گرچه پشت و روی مسکوکات کلو دیوس با پشت و روی مسکوکات کجولا در شباهت خود مقدمتر از دیگرانست ولی این به هیچ وجه ناممکن نیست که سکه ما زان کجولا در ضرب سکه ها از عناصر انواع مختلف سکه ها استفاده کرده اند. هر حال چیزیکه در اینجا بیشتر مورد علاقه ما قرار میگیرد همانا رابطه بین کوشانی ها و رومن ها است که غالبا در سطح تجارت و قیاس دلات برقرار گردیده بود.

مسکوکات رومن پول رایج و قانونی تجاران غربی بوده اند و این نیز در مورد تقلید معیار طلای سکه های اوگوست (۴۴ م) از طرف وها کا د فیزس بی تاثیر نبوده است.

کجولا کره کا د فیزس :

ما نامه ها و تاریخچه های دودمان آخرین هان برای کجولا کا د فیزس عمر درازی را نسبت میدهند. او تا به سن (۸۰) سالگی زندگی

کرد و بعد از مرگ از متصل پس-ترین کوچن (Yen-Kao-Chen) بجایش نشست و در این بدو پسر کدام شخص دیگری بهیث فرمانروا جود ندارد. ولی بکنوع جدید مسکوکات توسطه سر جان مار شال (۴۴) آشف گردیده که بروی آن مجسمه نیم تنه يك پادشاه که شباهت تام با ویما کاد فیزس دارد با رسم الخط فاسد شده یونانی نقش شده و در عقب مسکه يك نایک (Nike) را نشان میدهد و برسم الخط خروشتی القا بی از قبیل «مهاراجا ساراجا جاتی راجا شا که هوشا نا سا یا و وگا سا» Maharajasa rajatirajasa Khushanasa Yavugasa بران نگاشته شده است.

يك عده دیگری از مسکوکات (۴۷) بروی خود نقش يك زرگاو کوها ندارد و رسم الخط غیرخوانای یونانی و در عقب خود نقش دوا شتر با ختری دو کوها نه دارد و برسم الخط خروشتی کلماتی با کمی تغییر با یکدیگر بران نگاشته شده است از قبیل «مهاراجا ساراجا جاتی راجا سا کویولا کاپاسا» (Maharajasa rajatirajasa Kuyula Kupusa) و یا مهاراجا ساراجا ساراجا کوشانا کویولا کاپاسا (Maharajasa Mahatasa Kushana Kuyula Kaphasa) سارا جاراها سا د یوا پو ترا سا کویولا کرا کاپاسا Maharajasa Rajarayasa devaputras Kauraula Kara Kaphasasa و یا مهاراجا جاسا رایتی رایتی رایتی کرا کاپاسا Maharaja Rayatiyasa Kuyala Kara Kaphasa بر روی همچو مسکوکات (۴۸) از جمله نامهای متعدد و مکرر خصوصاً نامهای کویولا کاپاسا

Kuyulakara kapasa Kuyulu kara Kaphasa کا پاسا کو یو لا کرا کا پاسا
در بین دانشمندان در مورد اینکه آیا این هر دو نام متعلق بیک شخص
استو آیا به اشخاص جدا گانه تعلق میگیرد، ایجاد شک و تردید فراوانی
نموده است. (۹۴-)

ایمن آنها را اشخاص جدا گانه میداند و می انگارد که کجولا
کرا کاد فیزس و غوره نام شخصی است که جاس نشین زی-ونیزس
(Zeionises) ساتراپی در سلطنت پش کلاواتی (Pushkalavati) گردیده
و شاید که معاصروما کاد فیزس بوده باشد. ولی مارشال چنین پیشنهاد
(۵۰) که این مسکوکات از طرف ویم کاد فیزس انتشار یافته است.
ی کلمه کا (Kara) را با کلمه کلا Kala تعبیر و معنی میکند
و میگوید که این کلمه کلا پاسا آنها در ترکستان به معنی شهزاده
معمول شده بود و مسکوکا تیکه بروی خود شکل فرگا و کوهاندارسیوا
(Siva) و بر پشت خود یک اشتر با ختری دارند و کلمات مها را یا
سارایا را سا دیوا یو ترا سا کو یولا کرا کا پاسا سا .

Maharayasa rayaruy asa devuputrasa kuyula Kara Kaphasasa
و اشکال مختلف آن بر آن نقش بسته غا لسا از طری
ویم کاد فیزس که هنوز پدرش زنده و وی هنوز یک شهزاده و ولیعهد
او بود انتشار یافته است .

ستین کنو (۱۵) میگوید که بکار بردن القاب شاندار امپراتوری
این فکر را که انتشار دهنده همچو مسکوکات را زیر دست یک فرمانروا
میدارد میزداید و از این میبرد .

کلمه اضا فی کرا که معنی اش بسیار هم واضح نیست نمیتواند

مارا ازین باز دارد که چنین مسکوکات را از کاد فیزس اول ندانیم يك
 سکه از کاد فیزس اول که بر روی آن مجسمه نیم تنه هر مایوس نقش بسته
 با رسم الخط خروشتی کلمات جوتا کرادهار ماتى Juta Kara dharmati
 دیده میشود (۵۲) این نمیتواند بجز کجولا کاد فیزس شخص
 دیگری باشد بعضی اوقات همین کلمه کرا Kara در مسکوکات مورد
 بحث دیده نمیشود. (۵۳) ممکن است کسی با مارشال درین مورد
 موافقه کند که میگوید کجولا کاد فیزس شاید دست از فعالیت های
 جدی مملکت داری کشیده باشد و آفرای بعد از سال (۵۴ م) در سن
 شصت و یا هفتاد سالگی به پسر خود واگذار شد، باشد ولی این برای
 يك ولیعهد غیر معمول است که سکه ها را بنام خود انتشار دهد.
 مارشال خود میپندارد که در آن صورت سکه های دارای مجسمه های
 نیم تنه هر مایوس و هر قل Heracles و عبارات کجولا کرا د
 هار ماتى داسا Kajula Kara dharmatidasa بران شاپور از
 طرف ویما کاد فیزس نیز انتشار یافته باشد (۵۵)
 این شاهسته نیست که يك عده خاص سکه ها را محض بخاطر تعبیر
 کلمه کرا Kara که هنوز معنی اش روشن نشده است به ویما کاد
 فیزس نسبت دهیم و نه هم ما میتوانیم علمی الرغم تاریخچه های چینائی
 که تنها دو کاد فیزس فرمانروا را جدّاً تأیید میکنند وجود يك کاد فیزس
 دیگر را بپذیریم بنا بران ما در این مورد باستین کنوهمتوا میباشیم
 که او کجول کاد فیزس را با کجولا کرا کاد فیزس یکی وعین شخص
 میداند.

ویما کاد فیزس (Wima Kadphises)

کاد فیزس دوم بحیث یکک امپراتور، جانشین پدر هشتاد ساله خود گردید. تاریخچه های دودمان آخرین هان (هو-هان - شو) میگویند (۵۵) که وی هند را بار دیگر فتح نمود و برای اداره امور، جنرال را بر آن سر زمین تعیین و مقرر نمود.

میرمن لو هو یزن - دی - لیوو به استناد گنجینه ای که از مقام سرکپ کشف شده و شامل مسکوکات گاندو فرنس (پاکوایس پوکوارا (Pukura) و کجولا کاد فیزس میباشد می انگارد (۵۶) که سرزمین های مفتوحه هندی کجولادر شرق اندولس از دست رفته بود و پسان بدست ویما کاد فیزس بار دیگر اشغال گردید.

مطابق نظریه ستین کنو (۵۷) از آنجا تیکه در هو-هان - شوا ز اشغال قبلی این سر زمین (شرق اندولس) که پسان توسطین - کاو - چن - (Yen-Kao- Chen) ویما کاد فیزس (بار دیگر اشغال گردید - ذکر شده است. بنا بر این کلمات « اشغال دوباره » درین عبارت باید به « توسعه مزید » در دوران ویما کاد فیزس تعبیر و ترجمه شود.

راجع به فتوحاتیکه در تاریخچه های چینائی از آن ذکر شده و آنرا به ویما کاد فیزس نسبت میدهند طوی معلوم میشود که این فتوحات اشغال دوباره سرزمین های از دست رفته در شمال غرب نبوده و درین مورد شواهدی نیز موجود نیست بلکه یکک توسعه مزید بوده که ویما - کاد فیزس به قلمرو امپراتوری پدر خود افزوده است.

از توصیفی که در هو-هان - شوا زین سرزمین شده است برمیاید که این سر زمین عبارت بوده از حوزه اندولس و منظور از سلطنت

تین - شی (Tien-Chi) که شین - تو (Shen-tu) نیز نامیده شده است .
 همین سرزمین سند (Sindh) بوده که یک وقتی مرکز امپراتوری
 ساکا در هند نبود (۵۸) موضوع اشغال دوباره ناحیه اندولس
 که در کالاکا چاریاکا تاناکا (۹۵) (Kalakacharya Kathanaka)
 نیز از آن بحث شده اگر لفظ به لفظ ترجمه گردد از آن برسیاید که اشغال
 دوباره این ناحیه توسط ساکا صورت گرفته است . مطابق این منبع
 ساکاهای سرزمین اندولس کمی قبل از شروع عهد و یکراما (Vikrama)
 سوراشرترا (Surashtra) و ملاوا (Malava) را اشغال کردند اما کمی
 بعد از طرف ویکرامادیتیا (Vikramaditya) بترک این سرزمین مجبور
 ساخته شدند . ولی بعد از مرور مدت (۱۳۵) سال ساکاهای دیگری
 آمدند و حکمرانی ساکاها را درین سرزمین بار دیگر مستقر ساختند .
 اگر ماسنوات و روابط ویماکادفیز را با ساکاکشای تراپاهای
 (Ks hatrapas) هند غربی مطمح نظر قرار دهیم خواهیم دید که
 دوران مدت ۷۸ م از آن ویماکادفیز میباشند .
 در اینجا باید خاطر نشان نمود که اصطلاح ساکا (Saka) بطور غیر
 جدی بکار برده نشده است و ما قبلاً تذکار دادیم که کوشانیها
 شاید از اخلاف یکی از ساکاهای هرات و دوت از آن ذکر نموده باشند .
ویماکادفیز و جلوس او :

در مورد تاریخ جلوس ویماکادفیز متأسفانه هیچ سند معتبری
 تا هنوز بدست نیامده ، اگر چه بعضی از دانشمندان (۹۰) کتیبیه سال
 ۱۳۴ تا ۱۳۵ را باو نسبت میدهند . در حالیکه ستین کنومی انگارد

که کتیبه کلاتسی (Khalutse) که تاریخ آن سال ۱۸۷۰ بوده است از مهراجا یو ویماکاوتی سا- (Mahraja Uvima Kavthisa) یعنی ویماکا د فیزس میباشد.

اپس که خود این کتیبه را مطالعه کرده (۴۱) نظریه ستین کنورا بی بنیاد و یک حدسی که کدام نتیجه درستی بر آن مرتب نمیشود می پندارد، و نیز غیر محتمل پنداشته شده است، که کدام سندی از ویماکا د فیزس از ناحیه خلا تسی Khalatse که یک دهکده ایست در لداخ ۵۲ میل در پایان لیه (Leh) بر راه تجار تی یافت شود.

مرگ کجولا کاد فیزس و جلوس ویماکا د فیزس در سال ۱۳۶-۷۸ م پنداشته میشود. ولی آنانی که کانیشکارا موسس عهد سا کا می شمارند درین صورت هر دو کاد فیزس ها را این سالهای ۵۴ م و ۷۸ م جای میدهند و تنها مدت ۱۰ سال را به ویماکا د فیزس باقی میگذارند.

این دانشمندان چنین استنباط میکنند که فرما نروای کوشانی در کتیبه پنچتر کجولا کاد فیزس و در کتیبه تا کسیرا عبارت از ویماکا د فیزس میباشد که متصلا بعد از او کانیشکارا رویکار آمده است این نظریه مبنی بر این است که میگویند چون کجولا کاد فیزس بعمر هشتاد سالگی مرده است نمیشود که یک پسر و جانشین جوانی از خود باقی مانده باشد و از همین جاست که پسر او نیز سرد سالخورده بوده و البته که نمیتوانست برای مدت درازی زنده بماند. این شاید واقعیت داشته باشد و یا خیر ولی یک چیز یقینی است و آن یک فاصله مدت زمانی است بین ویماکا د فیزس و کانیشکارا. این موضوع را بعد تر موقعی مورد بحث مفصل قرار خواهیم داد که در باره معضله مربوط به سوتر میگاس

جیهونیکا (Jihonika) پپردازیم اگر کانشکا بتاریخ ۷۸۸ م جانشین ویماکاد فیزس شده باشد پس چنانچه است ویماکاد فیزس را در عوض کانشکا موسس عهد ساکا بشماریم و این امتیاز را با ویدیم و جلوس او را در آن سته بدانیم.

هو-هان- شوکه تنها واقعات سالهای بین ۲۵-و-۱۲۵ م را احتوا میکند در باره واقعات غرب معلومات ارزنده را ارائه میدهد و بصراحت تام راجع به دوره های سلطنت کجولا کاد فیزس و ویماکاد فیزس گپ میزند وای راجع به کانشکا مشهورترین فرمانروای کوشانی چیزی نمیگوید. (۴۲)

وقتی مافتوحات وسیع ویماکاد فیزس را در نظر بگیریم و به فراوانی و انتشار وسیع مسکوکات سوتر میگاس نگاه کنیم و مسکوکات کجولا کاد فیزس که بعد از فتح پنجاب هنوز برای چندین سال در چاش و دوران بوده باندیشیم تعداد سالها نیکه برای ویماکاد فیزس داده شده خیلی کم است و بگفته سر جان مارشال برای وی کدام جایی خالی باقی نمی ماند. (۴۳)

روابط با ساکا کشا ترا پاه-ا:

روابط ویماکاد فیزس را با دو خاندان ساکا کشا ترا یای هند غربی یعنی نهاپنه (Nahapana) و چشتنه (Chashtana) که اسناد آنها در عهد ساکا سته گذاری شده است میتوان در پرتو دوشمنج از قبیله هو-هان- شوو کلا کا چاریا کا تا نا کا (Kalakacharya Kathanaka) و نیز از اسناد خود کشا ترا پاها بطور یقینی دریافت نمود. قبلا خاطر نشان کرده که تاریخچه های چینائی از نتج تین-چی (Tien-chi) یاشین-تو

Shen-tu یعنی سند هو یا سند (Sindh) بدست ین - کو - چین
(-ویما کاد فیزس) گپ میزنند.

و این ممکن است طوریکه در کلا کاجاریا کا تا نا کا ذکر شده فتح
دوم سا کا بود، باشد که منجر به تاسیس عهد سا کا گردید.
انتقاد بزرگی که بر ضد ویما کاد فیزس بهیث موسس عهد سا کا
وارد میگردد عبارت است از بکار بردن عهد قدیم در اسناد خود او.
چنین استدلال چندان وارد بخاطر نمیرسد. مامتیقن نیستیم که فرما
نروای کوشانی که در اسناد تاگسیلا از آن ذکر شده ویما کاد فیزس
بوده باشد. وغالباً این فرمانروای کوشانی کجولا کاد فیزس است که
وی گندهارا را فتح نموده بود و گذارشات هو - هان - شو و کشف
مسکوکات و افر اواز تاگسیلا سوادین واقعیت است (م ۲) و در مرحله
دوم این يك امر طبیعی است که مهاراجای کیشانی کتیبه هنجتر بائیت
القاب شاننداری چون مهاراجا راجاتی را جاذیوا پو ترا) را بعد از
فتوحات وسیع در شرق اندولس برای خود بکار برد. مطابق يك
کتیبه دیگر موسوم به کهلا تسی (واقع در لواخ) بقول افسن
که یکی از طرفداران جدی نظر به ایست که کانیشکا را موسس عهد
سا کاسیداند خیلی ایجاد شك و تردید نموده است. بنابراین آن
استدلال ها به ناکامی رو بر و میشوند و جانب ویما کاد فیزس کمی
تقویه میگردد.

کتیبه ها راجع به دو خاندان هند غربی ای که عهد سا کارا در
اسناد خود بکار میبرند از قبیل نها پنه و چشتنه سخن میگویند.
اخلاف خاندان دوم یعنی چشتنه را چند واگو پتای دوم از سال (۳۸۸ م)

تحت تسلط خود درآورد و سرزمین شا ترا اشغال نمود .
 آخرین سا کا کشا ترا پای این خاندان عبارت بود از رود را
 سیمهای سوم (Rudrasimha III) که مسکوکات اودارای سنه ۳۱ -
 ۳۸۸ م میباشد . (۴۴) دودمان دیگر کشا ترا پای هند غربی شامل
 نها پنه و داماد او او شوا داتا (Ushavadata) که او خود راسا کانامیده
 بود (۴۷) و در مسکوکات و کتیبه های خود عهد سا کارا بکار برده
 است . شامل میگردد .

در اینجا سوالیکه وارد میگردد اینست که آیا اینها تابع يك
 فرمانروای مشترکی که موسس عهد سا کا پنداشته میشد بودند و یا
 یکی از آنها تابع آن دیگری بوده اند ؟
 اینکه یکی از آنها تابع آن دیگری بوده باشد وارد و منطقی نیست
 زیرا هر دو نها پنه و چشمتنه کشا ترا پای ها ای استند که بعداً و به مرور
 زمان بر تبه مها کشا ترا پا ارتقاء جسته اند و مادرین مورد در آینده
 به تفصیل سخن خواهیم راند .

نخست خاندان چشمتنه را مورد بحث قرار میدهیم ، مسکوکات
 او تاریخ گذاری ندارند و اسناد دیگر او نیز عاری از سنوات میباشد .
 مسکوکات او نخست او را کشا ترا پا و بعداً مها کشا ترا پا نشان
 میدهند (۴۸) پس او جایادامن (Jayadaman) که تنهایك کشا ترا پا
 بود (۴۹) معلوم میشود که پیش از پدر خود باید مرده باشد و شخص
 دیگر یکله همراه با او یاد گردیده عبارت است از فوامه او و د رادامن
 (Rudradaman) گذارش کتیبه اند هو (Andhau) (۷۰) و کتیبه جوناگر
 (Junagarh) (۷۱) که دارای سنه ۷۲ - ۱۵۰ م میباشد بر تاریخ سیاسی

این حکمروایان ویشنی قابل ملاحظه می‌اندازند. وود رادامن که
برفتوحات وسیع خود می‌بالد در مسکوکات و کتیبه‌ها به‌جای کاشا
تراها از او ذکر شده است. او این مقام را خود بدست آورده است.

ن‌ها پن‌ه (Nahapana) نیز مثل چشتنه در اول یک کاشا تراها بوده و پسان
به‌مها کاشا تراها ارتقا جسته است. اختیار کردن القاب شاهان در
طی زمان مهم و قابل اعتنا است. زیرا حاکی از آنست که یا خود
تمایل به استقلال کرده و یا از طریق فرمانروای بزرگ‌ها این مقام بلند تر
تر (مها کاشا تراها) سرافراز گردیده است. و درین هر دو صورت
فرمانروای بزرگ از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

وقتی ما کتیبه‌ها و مسکوکات متعلق به ن‌ها پن‌ه را مطالعه کنیم
بریکی از آنها دو کلمه بیشتر جلب توجه می‌کند از قبیل کوسا نامولا
(Kusanamula) و سوارنا (Suvarna) (۷۲).

سنارت (Senart) کلمه اول را در ارتقا با کتیبه‌ها کانه‌ری
(Kanheri) که بر آن چنین نگاشته شده. (۷۳) چه‌وا ره‌کا
سولاساکا وارا ساکا پادیکو چا ماسه اوتکالسی
(Chivarika Solasaka Varasaka Padiko Cha mase utkale)
چنین تعبیر می‌کند که مدد معاش ما هانه یک سلا برای شاه او در طی
یک زمان معین سال داده شده است.

د. ر. بھندر کار (Bhandarkar) (۷۴) کلمه کوسانا (Kusana)
را مثل پادیکو آرا یک سکه خاص میدانند او تکرار می‌کند که این نوع
سکه نقره‌ای متعلق به ن‌ها پن‌ه بوده است که خصوصاً تحت هدایت
کسی که ممکن است با نامیل کوسانا - کوشانا (Kushana) یکی

بوده، بضرب رسانیده است. این نیز درآزمند گزارش یافته که ۳۵ کارشا پانا (Karshapana) هاسکه نقره این معادل است. یک سووارنا (Suvarna) یا مسکول طلا که برای نخستین بار از طرف ویما کادامبوس انتشار یافته است (۷۵) تعیین ارزش و نرخ بین مسکه های طلائی و نقره ای در صورتی ممکن است که این هر دو نوع در یک وقت و همزمان و در یک ناحیه در جریان و چلش بوده باشند. بهمان اغلب که نهانها پنه یک تولیداری از فرمانروای کوشانی بوده که مسکه های طلائی او در قلمرو تحت حکومت نهانها در چلش و جریان بود و خود نیز آنقدر صلاحیت و قدرت داشت که بنا م خود مسکه های نقره انتشار دهد. اختصار کردن القاب مانند اروپر ططننه شایده که بمعنی ازدیاد قدرت حکمروا و یا تغییر در وضع سیاسی بوده باشد. درین جایک نکته قابل ملاحظه هم هست کتیبه ایکه از مقام ناسیک (Nasik) بدست آمده و متعلق به او شوا داتا است بر آن نوشته شده که او بر اثر امر فرمانروا بها تاراکا (Bhattaraka) (۷۶) ملاوا هارا فتح میکنند. استعمال این کلمه (فرمانروا) برای نهانها پنه بحیث یک لقب نمیتواند باشد. در صورتیکه از خود وی بنا م کثرترا یاد کرده است در اینجا منظور از فرمانروا طبعاً کسی است که بر نهانها از لحاظ مقام و منصب برتری دارد. بهایم بر سرچشتمه بنا بقول بهگوان لال اندراجی (۷۷) وی معاصر نهانها میباشد و تحت اثر نهانها نبوده است. نلیت (۷۸) معتقد است که وی در یوجین (Ujjain) مثلیکه بهوماکا (Bhamaka) و در کاپتاوار بود همراه با نهانها پنه یکجانشینان سلطنته بوده است.

اولد نبورگه (Oldenburg) (۷۹) و برگریس (Burgess) (۸۰) چشتمه را کشتا ترا یا ی گو تا سی هو تر اساتدا کتا ر نی (Gautami Putra Satakarni) میداند تا جانیکه بنظریه اند راجی تعلق می گیرد بر آن چیزی گفتنی نداریم برای اینکه در باره روا بط آن دو (نهاینه و چشتمه) اصلا چیزی نگفته است. و نظریه فلیت به هیچ وجه قانع کننده نیست. این از احتمال دور است که يك نا یب السلطنه عین القابی را خود بکار برد که سلطان و فرمانروای او آنرا بکار میبرد.

هر دو نهاینه و چشتمه در اول کشتا ترا پاها و بعد تر مها کشتا ترا پاها بوده اند. اینکه هر دو یکنوع القاب را برگزیده اند مشکل است یکی را بدیگری از لحاظ مقام و منزلت برتر بد انیم و تا جانیکه بنظریه سوم یعنی از اولد نبورگه و با گریس تعلق می گیرد، نوشته های یونانی و خروشتی چشتمه بر روی مسکوکات او نمایا نگر قلمرو حکمرانی او در نواحی شمال که چنین رسم الخط ها در انجسام معمول و مروج بوده میباشند.

اپسن (۸۱) و سمت (۸۲) خاطر نشان میکنند که او (چشتمه) يك کشتا ترا پای کدام سلطان کوشانی که از آن نام نمی برد بوده است. روابط بین چشتمه و نهاینه یعنی فرمانروای مشترک آنها غالباً ویماکاد فیلس رانیتوان تا به اسلاف آنها رسا نید.

یهوما کا پدر نهاینه القاب کشاها را تا کشتا ترا پا (۸۳) را بکار میبرد حال آنکه بر روی مسکوکات نهاینه به القاب راجان کشاها را تا و بر روی کتیبه سال ۲ به القاب (راجان کشاها را

تا کشا ترا پا) و در کتیبه سال ۴۳۴ (۸۴) به القاب را جان مها - کشا ترا پا سوامی (Svami) نامیده شده است. چنین استنباط می‌گردد که نه‌پنه نسبت به پدر خود بهومالی که وی شخصی نخستین از آن دودمان تا کنون شناخته شده کمی مستقل تر بوده است و از طرف دیگر چشتمه پسر یسا موتیکا (Ysamotika) می‌باشد کلمه یسا موریشه ساکی دارد و بمعنی زمین است. ستین کنو (۸۵) با سیلون یوی (۸۶) که روی یسا مرنیسکارا با بهوما کا یکی می‌داند همچو است چنین پنداشته می‌شود که یسا موتیکا بهوما کا نخستین کشا ترا پا است که بعد از فتح مجدد توسط ویما کاد فیزس گماشته شده است.

ما برین مورد با ستین کنو و سیلون یوی موافق نیستیم که آنها موتیکا را با بهوما کا یکی می‌دانند زیرا کتیبه بالاسری (Balasri) (۸۷) از سا کا یا وانا پهلوا Saka-Yavana-Pahlavac گپ می‌زند و کشاها را تا را چهار واحد جداگانه سیاسی می‌داند و غالباً چنین استنباط می‌گردد که چشتمه و نه‌پنه تحت اثر کدام فرمانروای کوشانی غالباً ویما کاد فیزس بوده باشد (۸۸) یک نکته دیگری هم هست که اینجا ب توضیح می‌رساند و می‌نماید اگر نه‌پنه و چشتمه که اسناد آنها بترتیب ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۵۲ تاریخ گذاری شده اند می‌تواند ویما کاد فیزس بوده اند آیا ما می‌توانیم که سال اول این اسناد را به تاریخ فتح سند (Shen—ten) توسط ویما کاد فیزس به عقب ببریم .

و نیز اگر کجولا کاد فیزس بعمر (۸۰) سالگی مرده باشد این غیر ممکن نیست که او پسر و جانشین خود را یعنی ویما کاد فیزس را یک

جوانی به عمر ۳۵ سالگی پشت سر گذاشته و او نیز در حدود کمی بیشتر از ۳۰ سال فرمانروائی کرده باشد .

قدرت و نفوذ فرما نروا روی به کاهش بود این واقعیت از این استنباط میشود که این مرد و کشا ترا پاها (نایب الحکومه ها) القاب شاننداری چون (راجان) را برای خود به کار برده اند . بگمان غالب چنین بوده که ویماکاد فیزس در ابتدا بر سرزمین های مفتوحه یکتفر نایب الحکومه و یا نایب السلطنه را گماشته بود چون پس از آنها سرزمین های وسیعتر و بیشتری در حیطه قدرت او درآمد و امپراتوری او خیلی وسیع گردید از این رهگذر ضرورت احساس شد که یک نایب دیگر و یا نایب السلطنه دیگری نیز گماشته شود . و در حقیقت نایب دیگر عبارت بود از همین سوتر - مهگاس که بعداً او را خواهیم شناخت .

امپراتوری ویماکاد فیزس و سوتر مهگاس :

چنین معلوم میشود که ویماکاد فیزس برای یک مدت درازی سلطنت کرده است آن را نشمنند انیکه کانیشکارا موسس عهد ساکا میدانند میکوشند ویماکاد فیزس را بین سالهای ۶۴ و ۷۸ م قرار دهند . ولی واقعیت امر اینست که حکومت وی از سال ۷۸ م آغاز و تا به سال ۱۲۵ م یعنی برای یک مدت کمی بیشتر از ۴۷ سال دوام نموده است . و نهاپنه وچشتنه البته بقدرت بیشتر بحیث نا بیان او در قلمرو جنوب غربی هند و سوتر مهگاس بحیث نایب او در قسمت های هند شمالی امپراتوری بوده اند .

توسعه امپراتوری ویماکاد فیزس تا به مدیا دها (Madhyadesa)

از مسکوکاتی پیدا است که به اندازه فراوان از نقاط بسار (Basarh) بهیتا (Bhita) و کاسیا (Kasia) (۸۹) کشف گردیده است .

مجسمه نشسته امپراتور کوشانی (کوشا ناپوترا) در ما تهورا (Mathura) که واما تا کشاما (Vamatakshama) نامیده شده بقرار نظریه جایا سوال (Jayaswal) (۹۰) متعلق به ویماکاد فیزس میباشد وی (جایا سوال) کلمه کوشا نا را رسم خاص برای سلطان اولی کوشانی (کجولا کاد فیزس) پنداشته است . گرچه شاید با نظر دانشمند نقید (جایا سوال) موافق نباشیم ولی توسعه امپراتوری ویماکاد فیزس را تا متهو را حتی تا به سرحدات می پندیریم با وجود اینکه مسکوکات از ناحیه بسار (Basarh) در مظفر پور هم کشف شده اند .

بگمان غالب او براین قسمتی از امپراتوری خود نا بی مقرر کرده است . نام این نایب در هیچ جایی ذکر نشده است و ممکن است سوتر میگاس بوده باشد که مسکوکات او به پیما نه وسیع از پنجاب و گند هارا و نواحی کابل و در شرق تا به ما تهورا پیدا شده است (۹۱) بقرار نظریه اسپن (۹۲) این مسکوکات یک سمپوای دارند که از خصوصیت های مسکوکات ویماکاد فیزس میباشد و بدون شك در يك وقتى اینها با هم ارتباط داشته اند .

وایت هید (Whitehead) (۹۳) نیز با این واقعیت متوجه شده است که میگوید این مسکوکات بتعداد خیلی زیاد و از يك ناحیه بی خیلی وسیع که از پشاور تا ما تهورا امتداد داشته بدست آمده اند و حاکی از يك دوره طولانی و پر قدرت فرمانروا بوده است . بقرار نظریه وایت هید طرح مسکوکات و آنهم تنها بر روی مس و نداشتهن شکل

چهار گوشه دلالت بدوران فتوحات کوشا می‌کند و سوتر می‌گاس را معاصر یکی از کاد فیزس‌های فرمانروا می‌سازد. دانشمند مذکور خاطر نشان می‌کند که این مسکوکات از طرف بیش از يك فرمانروا انتشار یافته و انواع مختلف آنها از نواحی مختلف نمایندگی می‌کنند. و شاید که چنین حکمر وایان تابع يك فرمانروای بزرگ بوده باشند. ستین کنو (۹۵) نظریه وایت‌هید را تأیید می‌کند و با کنگنگهم درین مورد که او حرف وی را برای بعضی مسکوکات حروف اولی نام حکمر وایان می‌داند موافق است و بنا برین حرف VI غالباً نمایانگر نام ویماکاد فیزس است. مارشال (۹۶) معتقد است آن مسکوکاتیکه حروف VI دارند دلالت بر این می‌کنند که در دوران فرمانروائی ویماکاد فیزس انتشار یافته اند.

روابط بین این کاد فیزس دوم امپراتور و آن حکمر وای بی نام از طرف دانشمندان (۹۷) براساس نزدیکی با همی مسکوکات آنها و از طبقه تیکه آنها بدست آمده اند پذیرفته شده است. خصوصیات مشترک بین هر دو نوع مسکوکات دیده می‌شود و آن عبارت از استعمال لقب بر روی سکه به یونانی.

در يك نمونه دیگر متعصب بر فرد که مورد توجه کنگنگهم قرار گرفته (۹۸) عبارت است از دوسر بر يك تنه با علائم مخصوص ویماکاد فیزس و پادشاه بی نام و از آن چنین برمی‌آید که آن دو نفر ضرور با هم معاصر هم‌دیگر بوده، باشند و به نحوی از انجا با یکدیگر روابط داشته اند. مثلاً یکی از آنها ممکن فرمانروا بوده و دیگری نایب

او ویا یکی از آنها ناتج و دیگری مغلوب بوده اند و همین شخصی مغلوب پس از آنها بحیث واسطه و مابین او قرار گرفته باشد در ارتباط با این موضوع دو کتیبه بر همین که از مقام متهورا بدست آمده قابل ملاحظه پنداشته میشود.

لو درز (Luders. H.) در يك مقاله خود بنام «عهد مهراجا و راجا تی راجا» که در د. ر. بهندرا کارطبع گردیده به دو کتیبه اشاره میکند که سنه آنها ۲۷۰ و ۲۹۲ یا ۲۹۹ تاریخ گذاری شده و اولی از مقام کردها رهپور (Girdharpur) و دومی از مقام کتکالی (Kankali Tila) بدست آمده اند.

مطابق نظریه همین پروفیسور فقید جرمنی (لو درز) در متهورا پارتها میزیستند و در عهد زمان ماری کشا تراپاها از آنجا مهاجرت کردند گرچه به مذهب جاینیزم (Jainism) گرائیدند ولی عنعنات وطن اصلی خود را حفظ کردند. این حکمرای بی نام او کتیبه متهورا معلوم میشود که جا نشین و پما کاد فیزس در يك وقتی شده باشد در حالیکه سوتر میکاس طوریکه از مسکوکات او برمیآید ممکن حتی بعد از پما کاد فیزس نیز زنده بوده است. بنا بر این مشکل خواهد بود که آن دو یعنی حکمرای کتیبه و از مسکوکات یکی پنداشته شود.

بگر بگمان غالب حکمرای دومی پسروجا نشین حکمرای اولی است که مطابق عنعنات فاهیلی بطوریکه ازدو سند خر و شتی برمیآید ناشناس مانده است موافقه کرده که به سلطان کوشانی بعد از فتوحات

او درهند شما لی مطیع وفرما نبرد ار بما ند .

سو ترمیکاس حکمروای بی نام برای اینککه مسکو کات انتشار دهد
از آزادی تابی بر خوردار بوده است .

وی د رطرح مسکو کات از مطاع خود پیر وی کرده و حرف vi که
در مسکو کات اودیده میشود حاکی از اینست که از ویما کا د فیزس
فرما نبرداری میکرد ده است . و این وضع تا به اخیر زندگی مطاع اودوام
کرد و بعد از مرگ او آهنگ استقلال تام نموده است . و این
واقعیت از یک عده مسکو کات او که عاری از حرف (وی - vi) اند
بر میاید . چنین معلوم میگردد که بین ویما کا د فیزس و کاتیشکا یک
خلای به ناصله چندین سال حتما وجود داشته است . که در طی آن حکمر
انان محلی در نقاط مختلف امپراتوری کوشانی آهنگ استقلال تام
نموده و غالباً که هر کدام آنها کوشیده است موقعیت و موقف خود را
در ناحیه ایکه قبلاً بر آن حکمروائی میکرد مضبوط و مستحکم نموده و در
پهلوی آن بر نو احی دیگر امپراتوری فرما نروای شان دست یابند
و قلمرو خود را توسعه دهند .

ویما کا د فیزس و روابطه او با چین و روم :

امپراتوری کوشانی در عهد ویما کا د فیزس خیلی وسیع بوده
و از بخارس در شرق تا به سرحدات پاریتا در غرب امتداد داشته و بنا
بقول ونستای سمیت (۱۰۰) تمام افغانستان ، ترکستان بخارا و قسمتی
از ترکستان روسی را دربر میگرفت . و بنا بر این یک امر طبیعی بود که
این فرمانروای کوشانی بایست با رومنی ها و چینائی ها روابط سیاسی

و تجارتی داشته باشد بقرار قول دیون کاسیوس (Dion Cassius) (۱۰۱) سفیران زیبا دی بدریا را گوشت (Augurtus) می آمدند و هندوها که قبلاً خواستار یک قرار داد دوستی و همبستگی شده بودند حالا توسط تحفه های خود که شامل پلنگک حیوانیکه رومنها برای نخستین بار به چشم سرمشاهده میکردند جامعه عمل پوشانیدند.

فلوروس (Florus) که در عهد ترا جان (Trojan ۹۸-۱۱۷ م) مینوشت در باره تعدادز یادسفیران بزرگیکه به روم وارد میشدند خصر صا از ورود سفارت هندوها صحبت میکند (۱۰۲) روابط تجارتی بر روابط سیاسی علاوه گردیده بود. ویماکا د فیزس نخستین فرمانروای کوشانی است که مسکوکات طلائی را بمنظور سهولت در درمبادلات تجارتی انتشار داده است. و وزن معیار رومی (اورس - AUREI که ۱۲ نخود میشد (۱۰۳) اتخاذ نموده بود پلینی (Pliny) (۱۰۴) نیز در طول سالهای متمادی از ریختن و سرازیر شدن مسکوکات رومی در هند صحبت میکند و در مورد روابط هند و روم بیشتر از بن چیزی نمیدانیم.

باچنین روابط ویماکا د فیزس چندان خوش آیند نبود هاست. تنها جم مؤفقانه جنرال پان-چاو (Pan-Chao) در آسیای مرکزی و موفقیت های ویماکا د فیزس در هند شمالی براشتیاق و خواسته های آنها افزود و احتمال تصادم بین کوشانیها و چینایها غالباً قویتر میشد جنرال پان-چاو لشکر خود را از یک جای دیگر

فاتحانه رهبری می‌کرد و بقول د و گلاس (Dogulas) (۱۰۵) بیرق کشور خود را تا بسو اهل کسپین پیش برد.

پادشاه ختن در سال (۷۳ م) مطیع ساخته شد و به تعقیب آن چندین شهزاده دیگر تسلیم گردیدند. وکنارهای جنوبی دشت را بر روی قوای نظامی و تجارتنی چین باز نمود و با اشغال کوچه (Kucha) و قره شهر (Karashahr) سرک شمالی افتتاح گردید. این طبعاً موجبات تشویش کاد فیزس فرمانروای کوشانی را که می‌خواست شهزاده خانم چینائی را به عقد نکاح خود در آورد و سرانجام از طرف جنرال پان-چاوسفیری که برای خواستگاری فرستاده شده بود بازداشت گردید فراهم می‌کرد.

فرمانروای کوشانی یک لشکر بزرگی را مرکب از هفتاد هزار سوار تحت رهبری سی (= Si) نایب السلطنه خود به ماوراء کوه های خوشونک لنگ (Tsung—Ling) یا هامیر تا شد و مباحث (Taghdumbash) برای حمله بر خاک چین فرستاده لشکر کوشانی در اثنای عبور از کوه های صعب العبور متحمل خسارات زیاد جانی و مالی شده و از هم متلاشی گردید و میدان نبرد را به نفع جنرال پان-چا و باخت و سرانجام فرمانروای کوشانی (ویما کاد فیزس) مجبور به پرداخت باج و خراج گردید. (۱۰۶)

تاریخچه های دودمان بعدی هان از وود هیات ها ئیکه برای تقدیم باج و خراج در آن عهد آمد بودند ثبت کرده است. این اهانته در حق فرمانروای کوشانی از طرف کاشیکاران

گرددند که او یکی از حکمرانان تحت اثر امپراتور چین را در آسیای مرکزی شکست داده و طو ریکه هیون تسنگ گزارش میدهد پسران او را بطور یر عمل گرفت و نزد خود نگهداشت (۱۰۷) شواهد یکه بر روابط هندو چین روشنی می اندازند گرچه یکجا نبه بوده ولی قابل تذکراست.

نوواردها در سلسله دودمان کوشا نیها :

مرگ و یماد کاد فیزس غالباً چیزی بیشتر و یا کمتر از سال ۱۲۵ م اتفاق افتاده است. اگر کتیبه کیلاتسی (درلداخ) با و نسبت داده شود پس او برای یم یا سال دیگر بزندگی خود ادامه داده است. وگمان نمی رود که او جانشینی از خود باقی گذاشته باشد. تحلیل کتیبه شناسی و سکه شناسی شواهد تاریخی و پیچیده های چینی را تأیید میکنند پروفیسور لو هو یزدی (۱۰۸) اظهار عقیده میکنند آن جهونیکا (بعضی مسکوکات او را زیو نیزس (Zeionises) نوشته اند که کتیبه سال ۱۹۱ و مسکوکات او را زتا کیلاتسی بدست آمده برادر زاده و جانشین او بود.

قسمت آخر بیان فوق شاید درست باشد ولی قسمت دیگران متکی به شواهد غیر قابل طعنه بوده که ما پسان در باره موقعیت جهونیکا بتفصیل سخن خواهیم گفت.

چنین معلوم میشود که مرگ ویماد کاد فیزس يك ا بلا غیه بود برای کشا تراپا هادر شمال و جنوب غربی و قسمت های مرکزی هند که استقلال خود را اعلان کنند در جنوب غرب همین کار شاید قبلاً انجام

کشا تراپا های ساکای هند وستان غربی مجبور بودند. که در
تصادم با اندهاراها (Andhras) بزور بازوی خود متکی باشند.
اینکه در کتیبه های اندهوا (Andhau) و جوناگر (Junagarh) از
کدام فرمانروای کوشانی ذکر نرفته و نیز اینکه را درادامان
(Rudradaman) بغور تمام میگوید که چگونه وی به زور بازوی خود بمقام
سهاکشا تراپا — Mahakshtrapa namana Svayam = adhigata رسیده
دال براینست که کوشانیها انضباط و نفوذ خود را در هند شمالی بعد
از ویماکاد فیزس و پیش از کانیشکا از دست داده بودند.

(Maharaja "Ka 111.0.12.12.12.12.51.11

این کتیبه که بر يك ظرف نقره ئی نقش بسته در سال ۷۱۶-۱۹۱۶ از طرف ما رشال در طی کاوشهای اواز مقام سر کپ Sirkop بدست آمده است. پروفیسو لو هوپز-دی-لیوو (۱۱۱) معتقد است که ظرف مذکور طوریکه از استعمال حالت اضافی در کتیبه بر مباد از طرف جهونیکا

بگدام حکمروا اهد گردیده است. و حکمروا عبارت از همان (مهاریا-
جارا جاتی راجا) بوده است و ستین کنوآن حکمروا را شخصی
میدانند که بعد از مرگ ویما کاد فیزس عرض وجود نمود هاست .
(۱۱۲) و مقام و موقعیت آن شبیه موقعیت کسی بود که بعد از مرگ
موگا (Moga) بمیان آمد و ولی کا میا بیهای زیاده نصیب او نشده
بود .

بقرار نظریه آپسن (۱۱۳) کجولا کره کاد فیزس معلوم میشود
که بعد از سا تراپ زیور نیزس در سلطنت پشکلا واتی (Pushkalavati)
یعنی پشاور جانشین او گردیده است. و آن حکمروا شاید که معاصر
ویما کاد فیزس بوده باشد .

وایت هید (۱۱۴) جهو نیکا را متعلق به دودمان گاند وفرنس
میبندارد و بنا بر این يك پاتی است میر من لوهو یزن-دی یو (۱۱۵)
جهو نیکارا پسر مانیکولا (Manigula) که برادر مهاریا راجا جاتی را
جا بود میداند و بدین نحو جهو نیکا وارث احتمالی ویما کاد فیزس
پنداشته میشود. میرمن مذکور میگوید که محمد قاسم فرشته در
مقدمه تاریخ خود (۱۱۶) و همچنان مجمع التواریخ نیز این موضوع
را تأیید نموده اند .

ولی ما متن کتیبه راخیلی مشکوک و مغشوش یافتیم و تنها چیزیکه
میتوانیم بگوئیم اینست که جهو نیکا بگدام دودمان سلطنتی ای
تعلق داشته است .

کلمه اول در (مهاریا) واضح است و این منطقی نخواهد بود که

ما بروی این اسناد یک‌ه ییش از یک هزار سال بعد به‌میان آمده‌اند نظریه
ایکه غیر قطعی است قایم نمائیم و باید بگوئیم که یک خلای
چندین ساله شاید یک دهه و یا بیشتر از آن وجود داشته که در طی
آن کدام حکمرای مقتدری که بر صحنه سیاسی هندرولی بازی کرده
باشد نبوده است .

عوامل تضعیف قدرت سیاسی به پیمانۀ وسیع دست‌اندرکار بوده
است . سائرا پهایکه یک وقت فرما نبرد ارویما کاد فیوز بودند بعد
از اومستقل گردیده بودند . زیوینز از تا کسسیلا غا لباً شیواسینا
(Sivasena) یابی سارا (Abhisara) (۱۱۸) و سوتر میگاس در ستر او
کشا تراپا های ساکا در هند غربی از فامیل‌های چشمنه ورودادامن
هر کدام به‌رای وراه خود می‌رفتند و چنین پنداشته می‌شود که
کوشانیها در تا کسسیلا منتظر ورود خویشاوندان خود از تر کستان به-
رهبری کانیشکا بوده‌اند . و بدین نحویک باردیگر تمایلات تجزیه
طلبانه و استقلال خواهانه در هند عرض وجود میکنند و آهنگ اوج
میگیرد و بنا برین مرحله اول از تاریخ کوشانیها چنین بسر
میرسد و فصل دیگر ما به تاسیس امپراتوری جدید کوشانیها به‌رهبری
کانیشکا وقف گردیده است .



یادداشت‌های این فصل

۱ - نظریات این هردو دانشمند در جوانان « رایل ایشیاتیک سوسیالیتی » (۱۹۱۳م) به‌شاهانه میرسد . فلیت طوریکه يك وقت کنگهم نیز معتقد بوده میگوید که کانشکا سلطنت خود را در (۵۸) . قم آغاز وعهدی بنام (ویکراما) را افتتاح کرده است (Ibid P. 914)

نظریه کنیدی که در اثر خود بنام « مطالعه هیلینیزم در شرق » ارائه نموده درین مورد که کانشکا بایست در قرن اول ق . م قرار داده شود موجب قناعت ما گردید . ماعموماً درین مورد که ویما کاد فیزس در حدود سالهای (۷۵۰-۷۰۰) در اوج قدرت خود بود . و بعد از فاصله سه صد ساله کانشکا ضرور باید روی کار آمده باشد موافق دیپاشم (۱۹۱۳۰۹۳۲ JRAS) .

نظریه سابق و فراموش شده که کانشکا را مؤسس عهد ویکراما - موات میدانست کنیدی و فلیت آنرا تأیید میکرد باردیگر آزادی محاسبه استرو نو میکی توسط موکر جی (D. N. Mukherji) احیا گردید . (I.C.I. 1935 p. 477) ما این نکته را در فصل دیگر تحت

هنوان گانیشکا بررسی خواهیم کرد.

۲- طبقه بندی آرکیالوژیکی در تا کسپلا نشان میدهد که کوشانیها متصلا جانشین دودمان گوداواراها (Gudavharas) شده اند و این يك واقعیتی است که کتیبه های خروشتی نیز با آنها همخوانی دارد و آنها را تأیید میکند. سهری شدن حکمروائی پهلواها در گندهارا ای شرقی نکشاسیلا (Takhsila) توسط ۲ سکه کوچک نقره‌ای که در يك مرتبان گلین جا داده شده بود و سرجان مارشال آنها از مقام سرکپ از توده های خاک بیرون آورده خوبتر درك شده میتواند سکه ها به چهار دسته بی از هم متمایز تقسیم میشود که روی آن به عهد پکاروس و ویماکا دلفیزس تعلق میگیرد (C.H.T. Vol. I p. ۵۸۰). سرجان مارشال نتایج تمام مسکوکات یافت شده را فهرست وار میدهد (ASI An. 1928 P. 64).

۳- هو-هان - شو یا تار یخچه های هانهای بعدی توسط فان-بی (Fan-Ye) (وفات ۵۱۳ م) نوشته شده است او میگوید «نوتها یکه بان که (Pan-ku) بر طرز و ترکیب مما لك مختلفه غربی نگاشته در کتاب هان های قدیم خیلی مفصل است حالان چیزى را که انتخاب نموده ام واقعا نیست که در عهد کین-وو (Kien-wu) (۲۱۵-۲۰۵ م) و یا بعد تر بوقوع پیوسته اند و با آنچه که قبلا گفته شده فرق دارد و من فصلها یکه بر سمالك غربی نوشته شده اند و با تمام واقعیت ها یکه در اخیر عهد امپراطوری نگام (Nagam) از طرف بان ینگک (Pan-Yung) (۱۰۷ - ۱۰۵ م) نقل گردیده مقايسه

کرده ام.»

این تاریخچه ها و یا سالنامه ها توسط چاوا ینس (M. Chavaunes)

ترجمه شده اند.

(Tourg — Pao. 11, Viii, pp. 187 ff. quoted
from carpus Vol. II (1) P. L.r).

۳- کتیبه (نخت باهن) که در سال ۱۰۳۰ تا ریخ گذاری شده است
از ایر جهونا کا پا (Erijhunakapa) ذکر میکند (p ۶۷۰ ۱۱ c)
بقرار نظریه اسپن هر سیلاب این نوشته ایجاب سوالی راه میکند و در
چنین حالات این مشکل است که شهزاده کا پا را يك موجود خیالی
ندانیم. بدین نحو درین سند گندو فرنس در مورد کجولا کا دفیزس
هر نوع اشاره ازین میرود (JRAS. Jan. 1935 p. 195) اسناد دیگر
عبارت اند از کتیبه پنجر (CII pp. 67 ff) و کتیبه طومار نقره ئی
تا کسیلا (Ibid. pp. 70 ff) که بترتیب سال ۱۲۲ و ۱۳۶ تا ریخ
گذاری شده اند.

بنیاد اندیشه

۵- وایت هید (کتلاک مسکوکات درموزیم پنجاب) جلد اول و

گار انر «کتلاک سلاطین یونانی و سیتی در برتیش موزیم»

۶- بقرار نظریه هرت (Hirth) (ان-سی) از نقطه نظر فیلا-

لوجی درست است اگر با انتی اوش Antioch یعنی درو یکی پنداشته
شود.

(An. Si) (Dikshit, ABORI. XXVIII P. 134) اینکه نام آن-سی (An. Si)

انتیوش بود یا ار سوك Arsok خیلی مورد بحث قرار گرفته است.

بقرار نظریه تارن تمام مالک درین راپور عبارت از نام مردمانی

بوده است و کدام دایلی وجود ندارد که فرض شود در یک مورد نام یک پادشاه استعمال شده است خصوصا که راپوز راجع به ارستوکرسی پارتیه‌ها چیزی نمیداند.

در نزد پان-کوان = سی اصلا عبارت بود از انتی اوس = مرو و پارتین معنی ایست که آزان منشاء گرفته است و این توسط مرو تا ئید میشود. لو Mou—Lou در هو-هان شوان-سی کوچک پنداشته شده. (Tarn P. 281, Chavannes, Tounng Pao, VIII P. 177) پوتا pu-ta به شکل پوک-دات Puk-d-at تلفظ شده است. در عهد تا نگ Tang نوتهای کارلگرن Karlgren ۹۶۰-۷۶۰ تا هنوز شناخته نشده است. تا جایکه به کی-پن تعلق میگیرد افسن میگوید این اصطلاح جغرافیائی از طرف نویسندگان چینایی به مفاهیم مختلف بکار برده شده است (Chip p. 565) لیوی خیلی پیش چنین نتیجه‌ی را استنباط نموده است JA 1915, P. 162 که چینائی هادرکی-پن خودشان کاپیسا و کشمیر را با هم خلط کرده اند. تارن اظهار عقیده میکند که شامل کاپیسا و کشمیر میشد ولی چینائی‌ها این کلمه را خیلی پیشتر از دوره کوشانی میشناخته اند و برای خود پان-کو (کی-پن) به معنی قلمرو ساکا در هند بوده است. مراجعه شود به «ساکتان» از هرزفیلد Herzfeld صفحه ۳۲

پان-کوانام کی-پن کابل زمین را به سلطنت ساکا Saca انتقال داده و برای کابل نام کاو-فو Kao—fu, Kau—Phou, Ko—ha را بکار برده و به غلط این ناحیه را یکی از قلمروها یا به فوهای پنجگانه

یوچیه‌ها پنداشته است هو هان- شو با این اشتباه او اماره کرده است

(Tarn. Op. cit p. 473 n)

۷- تعلق کهه Kapa یا کجولا کا د فیژس با گاندو و فرنس پر همین سند است که بیانات آن طوریکه قبلا بان اشاره شد مورد سوال قرار گرفته است (Rapson—JRAS (1932, pp. 188—190

بقرار قول س-ک-د کشت (S. K. Dikshit) دو کتیبه سالهای ۱۰۳ و ۱۲۲ (چون هردو از مها را یا (Maharaya) ذکر میکنند این را ممکن میسازد که کودوها را (Guduvhara) و کوشا نا (Gushana) متعلق بیکو به همان دو دمان پنداشته شود (۱۲۸ ABORI. xxxiii P. 128) این نظریه جانشین های گاندو فرنس را طوریکه از تاریخچه های چونا ئی هم بر میآید نادیده میگیرد. بنا بر آن این مشکل است که حضور کجولا کا د فیژس در د ر بار کا ندو فرنس تشریح و توضیح گردد.

اگرما تعبیر کلمه ای اهر جونا کهه (Erjhuna Kapa) را از زبان کنوپذیر فته باشیم.

سال ۲۴ شاید که سال سلطنت مها راجا کودو وها را یا بعضی از دوره های شناخته نشده بوده باشد.

۸- (CIL. P. 67) این کتیبه برای نخستین بار از طرف کنتگهم بهاب

رسید (JASB. XXiii, 1854, P. 705) - بار دیگر از طرف داسن (Dowson)

نشر شد و مورد بحث و مطالعه قرار گرفت. ۲۴-۲۳ (JRAS. XX 1868 PP.)

و از طرف تو ماس E. Thomas مورد توجه قرار گرفته و ارائه شده

است (JRAS, new series, IX, 1877. P. 9)

و نیز این کتیبه طبری مراجه سمت و سمتا رت (Senart)
و بوهار (Buhler) و با نرجی و فلیت و هولسین (Holseim)
و کنو رقرار گرفته است.

کلمه «کوشا ناسا» را بهیئت‌ها لت اضافی مفرد کوشا نا پنداشتن
خیلی دلچسپ است. این کلمه در سنگ نوشته مانیکیا را سال ۸۱۸ها
راجا کانیشکا نیز تذکار یافته است.

داندانا یا کالالا (Dandanayaka Lala) به کوشا نا و
موادها کا (Gushanvusas mvardhaka) «ازد یاد پششا پندها
خاندان کوشا نا با کوشان» تعبیر شده است و (لالا) غالباً کدیک
شاخه بی‌از نژاد کوشا نیها بوده باشد.

هم‌طوری رنقره‌ای که این کتیبه خروشتی را در بردارد بر اثر کا و
شهای مارشال در تاکیسیلا، ته‌چیر (Chir) متعلق به یکی از دهل‌های
غر بی‌ستوبه بی‌دها رمار جیکا (Dharmarajika) کشف شده است.
این کتیبه از طرف مارشال بهاب رسیده است. و از طرف توماس - فلیت
بهندر کاروولنر (Woolner) چند ادب (Deb) اهن و اوواتعبرهای
مختلفی از آن شده است.

موقعیت جائیکه این کتیبه از آنجا پیدا شده و تاریخ گذاری
ایک‌ه بر آن نقش بسته اینک‌ه به حکمروا کا د فیژس ها لپا کجولا نسبت
داده شده بطور قطع پذیرفته شده است گرچه بعضی‌ها آنرا به ویماکاد

فیزس نسبت داده اند.

۱- يك مطا اعه جاسعی از مسكو كات هرمايوس - كجولا كاد فیزس ها كه خیلی به سويه پائین بوده بدو حصه طبقه بندی میشود . دسته اول برای خود مجسمه نیم تنه هرمايوس و تاج شاهان دارد و با خطوط یونانی که اکثر امخشوش گردیده کلمات بازیلیوس سوتیروس هرمايوس (Basileos Soteros Hermaeus) نگاشته شده است .

و عقب سکه دارای چهره هر کویس بوده که در دقا بلش گرز و پوست شیر قرار دارد و خط خروشتی كجولا كاسا سا كوشانا يا ووگا سا (Kujula Kasasa Kushana Yavugasa) نوشته شده است . این دسته از مسكو كات شكل چهار گوشه دارند . . .

دسته دوم بروی خود مجسمه نیم تنه هرمايوس و تاج شاهان دارد و کلمات كجولا - كاد فیزس كوشان (Kujula Kadphises Kushan) با رسم الخط یونانی معمولاً از هم گسیخته و قطع شده و غیر خوانا بر آن نوشته شده است و در عقب این دسته از مسكو كات عین آن چیزی نوشته شده که در دسته اول مسكو كات دیده میشود و دسته سوم شامل مسكو كات مسی عجیب و غریب دیگر دد . این نوع مسكو كات برای خود مجسمه نیم تنه هرمايوس را با خطوط یونانی دارد و شبیه دسته اول میباشد و بر عقب آن نایك (Nike) با حلقه گل در دست او و خط خروشتی کلمات مهارا جاسا راجا راجا سا مها تا سا - هرما يا سا (Maharajas Rajarajasa Mahatasa Hermayasa) نقش بسته است .

مسکوکات هر مایوس که از مقام سرکپ بدست آمده
 مارشال آنرا به سه دسته تقسیم میکنند از قبیل:
 (۱) ۲۸ عدد آن از نوعیست که مجسمه نیم تنه پادشاه
 و زیوس (Zeus) بر تخت نشسته دارد.
 (۲) دو عدد آن تقلید خشنی است از نوع قبلی.
 (۳) ۲۶۳ عدد آن از نوعیست که مجسمه نیم تنه پادشاه
 و نایک را دارد.

مارشال میگوید که دسته اول بدون شک از طرف خود
 هر مایوس انتشار یافته اند. دسته دوم شاید که از طرف کدام
 تقلب کاری ساخته شده باشد. و تا جائیکه به دسته سوم ارتباط
 میگیرد تارن آنرا به کجولا کاد فیز نسبت میدهد و آنها را از
 نوعی مسکوکات پرو پاگندی میپندارد.
 بچهو (Bachhofer) میگوید که این نوع متعلق به روز
 های آخر هر مایوس بوده که وی را به شکل یک مرد سالخورده
 نشان میدهند (JAOS. Dec. 1941) قرار نظر به مارشال هیچ
 کدام از این نظریات درست نیست. زیرا طرح و ساختمان و نقاط
 دریا فت و متعلقات این مسکوکات همه نما یا نگرایست که آنها
 از طرف زمامدار یکدیگر یا ساکنان ویا پارتی بوده و در پاروپانیزاد
 از هر مایوس رو یکار آمده انتشار یافته است.

(JRAS April, 1947, P. 25)

Cambridge Shorter History of India, 1934, P. 47.

(The Scythian Period PP.FF)

۱۲ - برابلم های دوره ها در قالی و بطور مفصل مورد بحث قرار گرفته است و ما قبلاً آن اشاره کرده ایم و اکنون بطور عمومی پذیرفته شده که اسناد خروشتی در سده (۸ ه.ق.م) تا ریخ گذاری شده و بنام عهد ویکرا ما شناخته شده است.

Tarn Op. cit P. 348

Konow JRAS. 1932, PP.1950—2;

JIH. Xii, 1933th, pp. IFF.

ما و شال واپسن معتقد اند که این عهد عبارت است از عهد از یس (Azes) (CII. PP. 70—1)

۱۳ - این مفکوره نخست از بایر (Boyer) طرح و مورد بحث و مداقه قرار گرفته است و از طرف بهند در کار تعقیب شده .

The Aya months. JBORS, Vol. 23, 1937, PP. 261 FF. ۱۴

۱۵ - (CII. P. Xi) درباره تعبیرهای مختلف به ایسا (Ayasa) حالت اضافی از یس (Azes) مارشال مراجعه شود .

ASIAR. 1912—13 PP. 23ff

JRAS 1914. PP. 973FF

ر.پ، چندا (R.P. Chanda) وستون کنوهر دو نظریه مارشال را پذیرفته اند .

و فلپت این کلمه را به آسیا (Asya) معنی میکند .

قبلاً او اظهار نموده بود که آیسا سا یک شکلی از اشا دها (Ashadha) که نام یک ماه است میباشد دیو (Deo) اظهار عقیده میکند که این کلمه عبارت است از ادانتا (Amanta) (IHQ. XIV P.411 FF)

۱۶- (Op. Cit. P. 50) خانم او هو یزن معتقد است، عهدیکه در کتیبه های قبیل از کا نیشکا در شمال غربی هند کار برده شده در آنها فتح با ختر ثبت گردیده است.

۱۷- (Re. No. 12)

۱۸- تعبیر آن که از طرف ستین کنو صورت گرانته از طرف اسپن

بود سوان واقع شده است (OP. Cit. ref. 7).

۱۹- سنگ نوشته ما نیکیا لا کلمه لالا (Lala) و عبارت از گوشا نا

و اساسا ورد ها کا (Gushana Vasa Samvardhaka) دید اند

(CII P. 145 FF)

۲۰- CII, 79FF تعبیر و تفسیر کنوا زین سند نیز از طرف اسپن

دور سوال قرار گرانته است یگانچه چیزیکه فعلا با ی گفته شود این

است که تعبیر و تفسیر و استنباط پروفیسور کنوا ز یقین خیلی دور بود،

و اینکه او این مهارا جا را عبارت از ویما کا د نیزس دید اند از واقعیت

خیلی فاصله دارد (JRAS. Jan. 1930, P. 191).

۲۱- (CLL PP. 81 FF)

۲۲- مراجعه کنید به نوت نمبر (۶).

۲۳- گاردنر (BMC. P. XIV (Gardner)

۲۴- وایت هیل (CPMP. 154 (Whitehead)

۲۵- کنگهم (Cunningham)

۲۶- (Asi. An. Rep. 1912-13 P.144)

۲۷- بقرار نظریه هر زایلند نام اراو من Phraotes

کلمه اپراتی ها تا (Apratihata) بوده باشد که بروی مسکوکات گاندوفرنس آمده است و عاقبت الادرئراونس که در اردان فیلاستراتوس (Philostratus) ذکر شده عبارت از همان گاندوفرنس است.

تارن درین مورد با هرزفیلد هم عقیده است. . . حال آنکه خانم لوهویزن از نگاه زبان شناسی آن را مورد سوال قرار داده و اظهار عقیده میکند که نام فراونس یکی از همان نام های کثیر الاستعمال پارتی است.

(EHI P. 267) - ۲۸

(Ref. note, 150) - ۲۹

۳۰ - اسن (Indian Coins, P. 16)

در بین موارد مشترک شمال بهمتراز هم عبارت اند از ازیس (Azes) و ازیلیسس Azilises و ازیس دوم. چندین حکمران در مسکوکات خود از حکمرانان خیلی پیشین تقلید کرده اند. بطور مثال مسکوکات دیمتریوس (Demetrius) توسط دیوس (Maues) و از ایوکراتید (Eucratid) توسط ایلی کوسولاکا (Liaka Kusulaka) و زستراتوس (Stratos) توسط رانجیوولا (Ranjuvula).

(JRAS, 1966, P. 1948) - ۳۱

(CHI P. 561-2) - ۳۲

(Tanila P. 52) - ۳۳

(JIH P. 29) - ۳۴

(OP vit. P. 338) - ۳۵

۳۶ - تارن به افسانه ین - مو - فو (Yen-mo-fu) که در چین - هان شو

Chien-Han-Shu آمده به کمال وجود و خوشی اشاره میکند

که این باطرح وی کاملاً سازگاری دارد. او (تارن) فکر میکند که هرمایوس تحت اثر وین-چونگ (Wen Chung) بود که ساکا های کابل را به کمک میاوس (Miaos) رئیس کوشا نازجا بیجا کرده است. و همین هرمایوس به کوشانیها یکی از خویشتاران غا لباً خواهر نه دختر خود را نیز بعقد ازدواج ایدر آورد و هرمایوس بدین ترتیب در حالیکه تحت انرچینا ئی ها بوده که پان خرد را مستقل ساخت تمام پاروپامیزاد را تصاحب نمود حکمرانای کوشانی کادفیزس اول خلف میاوس Miaos که بحیث وارث خردنی هرمایوس برپاروپامیزادادها را فتح کرد. (Op.. cit P. 343)

ناراین فکر میکند که غا لباً هرمایوس در سالهای اول سلطنت خود سرزمین شمال هندوکش را بمنفع یوچیها شاید به یکی از اجداد کجولا کا د فیزس و شاید هم هراوس (Heraus) از دست داده باشد. و قتیکه کجولا وادی کابل را از دست پهلواها گرفت از مسکو کاتی مانند تپ مسکو کات هرا کلس (Hercles) را که قبلاً از طرف پادشاهان پهلوا تقلید و اقتباس شده بود تقلید و ضرب زد است.

بکهورفر (Bachhofer) معتقد است که کجولا آن مسکو کاتی را تقلید نموده که خیلی رایج و مشهور بوده و بنا براین بزودی سکه های را انتشار داد که بر آن کلمه اگوست (Augustus) نقش بسته بود (JAOS, 1941, P. 240)

(Tarn Op. Cit. P. 507) - ۳۷

(op. Cit P. 364) - ۳۸

۳۹- (JAOS, 1941, P.34)

۴۰- (JRAS, April, 1947, P. 24)

۴۱- (Whitehead PMC Pl. XVII 24)

۴۲- Whitehead op. cit. نظریه کرشمن تبادللات مونسو نی در عهد او گریست کشف گردید. (Begram, P. 123) بن نظریه مونسو سوال پ- ری فیسری خانم لوهویزن قرار گرفته است. او به حواله تیل (Thiel) میگوید که کشفیات مهم يك قرن بیشتر صورت گرفته است (Op. cit. P. 366 note 155)

۴۳- (Whitehead, PMC Pl. XVII 24, ref. No 11)

نظریه ۱ ان (Allan) که میگوید تاجائیکه به نوع سکه ارتباط دارد مدیون يك سکه از کلود یوس میباشد (op. cit. P. 160 note 7)

۴۴- BSOAS, 1953, XVI, P. 89

۴۵- عیار طلای ویمما که د فیزس و پادشاهان بعد از اوازاریوس (aureus) رومی که از طرف او گوست تعیین و مقرر شد، بود تقلید گردیده است.

کنیدی قبلا تردید داشت که اگر عیار طلای مسکو کات هندی واقعاً از او گوست بوده باشد (JRAS, 1912. pp 665 ff) خدا ندم لوهویزن میگوید که این يك امر واضح است. انگیزه ای که در دوره فرمانروایی ویمما که د فیزس مسکو کات طلایی را بوجود آورده ازدیاد و وفرت مسکو کات طلایی رومن بوده که این سالهای ه. ق. م تا به ۸۴ م سر ازیر شده است (غالباً از عهد او گوست به بعد بشمول نیرو (Nero)

يك سكه مسی كهجولا كادفیوس با نمایش يك كلاه از پادشاه بروی
آن نشان میدهد كه در عهد همین پادشاه جریان طلای رومن سرا زیر
شده بود (Seythian Period, pp. 365—66)

۴۶ - (ASI, An. Rep. 1912—43)

۴۷ - (Whitehead PMC. P. 180 No 5. 16. 23)

۴۸ - (CII P. IXV)

۴۹ - (CHI P. 582; Indian Coins, P 17 of Gardner BMC, P.XLIX)

(JRAS. April, 1947, P. 48) - ۵۰

(CII P. LXV) - ۵۱

(ASIAN Rep. 1912—13 P. 52, No 49) - ۵۲

(Cunningham N. C. 3rd Series Xii) - ۵۳

(OP. cit P. 28) - ۵۴

(Hou—han—shu, chap. 118, Chavannes) - ۵۵

(OP. cit P. 375—6) - ۵۶

op. cit. p Lxvii - ۵۷

۵۸ - تلفظ تا نگ (Tang) سین - دوک (Sien—duuk)

(Karlgam No. 864, 645) تعریفی که از این ناحیه (کشور) در هو -

هان شود داده شده چنین است :

سلطنت تین - چو (Tien—Chu) بنام شین - تو (Shen—tu) نامیده

میشود .

این سلطنت در کنار يك رودخانه بزرگ واقع است . باشندگان

آن در هنگام جنگ بر فیلها سوار میشوند. آنها نسبت به یوچی ها ضعیف تراند. آنها مذهب بودا را میپرسند. این عادت آنها گردید، که چیزی را نکشند و به جنگ دست نیازند. کسی اگر از کاو - فو (Kao—Fu) که متعلق به یوچیهها است عزیمت کند و بطرف جنوب غرب دور بخورد به بحیرة غرب و اگر بطرف شرق برود به سلطنت پان - کی (Pan—Ki) میرسد.

تمام آن سرزمین ها قسمتین از شین - تو را تشکیل میدهند. شین تو چندین صد شهر ها و قصبات دیگری هم دارد. (به غیر از پایتخت) در هر شهر يك والی گماشته شده است در آنجا ده ها سلطنت دیگر نیز قرار دارند. (بغیر از سلطنت اصلی) و در هر سلطنت يك پادشاه حکم میراند. گرچه تفاوت های جزئی در بین آن سلطنت ها وجود دارد ولی با آنها اینهمه بنام شین - تو نامیده میشود. در آن زمان (غالباً زمانیکه پان - هنگک ((Pan—Young)) مینوشته است و یا در حدود سال ۱۲۵ م) اینها همه متعلق به یوچیهها بودند. یوچی پادشاه را بکشت و برای اداره مردم يك جنرال گماشت (Konow; op cit. P. LXVII).

Jacobi-Das Kalakacharya—Kathanakam. - ۵۹

ZDMG, 34, PP 247 ff; Bhaudaji; The inroad of the Scythians into India and the story of the Kalakacharya, JBBORS, IX 1872, pp. 139 ff; Jayaswal: JBORS, XVI, 1930

PP. 233 FF; Raychaudhari Vikrama Volumn, Ujjain, 1948, pp. 483 ff.

CHI p. 481; Comprehensive History of India - ۶۰

(Co. Hl. P. 231)

- ۶۱ - (JRAS, Jan. 1930, p. 198)
- ۶۲ - (Konow: op. cit. P. LXXV.) قرار نظریه ستین کنو که میگوید
این يك امر مسلم است که از کیشکا در مناج تاریخی چنین ذکر
نشده است. آنکه چینائی ها از واقعات و حالات تا به سنه ۱۲۵ م
خبر می دهند ولی نه بعد از آن.
- (Chavannes: Toung—Pao. II. Viii P. 150 ff)
- ۶۳ - JRAS. April, 1947 p. 30)
- ۶۴ - (ASI: An Rep. 1912—13 pp. 42, 44, 52; 1914—15 pp. 22
27 etc. 1915 -16, p. 20-34 Ancient India, No 4. p. 83)
- قرار نظریه مارشان که میگوید مسکوکات کجولا کا دیزس که از
مقام سرکپ به اندازه خیلی زیاد بدست آمده (بیش از ۴۰۰۰) عدد
بشمول (۱۲۲) از سلسله نادر (دیزس) این يك امر طبیعی است که
گوییم او گندها را و نا کسیرا را بر سایر فتوحات خود افزوده است.
- (JRAS, April, 1947, p. 27)
- ۶۵ - (Flect: Corpus Iscription um. Indicarum. Vol. III pp.
65 ff).
- ۶۶ - (Catalogue of Coins of the Western Kshatrapas) P. 192
- ۶۷ - (EI. VII. P. 86)
- ۶۸ - (Rapson, op. cit. pp. 65, 72 73; Luder's No. 1099, 1131
1134, 1174).
- جاییکه از آنها به بحث می آید تراپا ذکر شده است.
- (Rajan mahkhatapa) Sami (Svami) Nahapana Ibid.
Nos. 963. 965. 967

وچشتمه نیز بهیث يك مها کشا تراها ذکر یافته است.
 ودر کتیبه اُند هو (Andhau) از او تنها بنام را جان ذکر شده
 است .

۶۹ - (E.I Xvi, pp. 10 ff)

۷۰ - (Rapson—Catalogue, op cit P. 76 Luder's List Nos. 963,

964, 966, 967)

۷۱ - (E.I. Vol. VIII, P. 36 ff. Luder's List Nos 965).

۷۲ - (E. I. Viii, P. 82) .

۷۳ - (A.S.W.I. iv, P. 79).

۷۴ - (A 1918 P. 69) بهندر کار اظهار نظر میکنند که کلمه

کوسانا (Kusana) شاید با کلمه کھوشاناسا (Khushanasa) که در

کتیبه طومار نقره‌ای تا کسیلا آمده یکی باشد و نه تنها نخست نائب السلطنه

کجولا کادفیزس و بعدتر از ویما کادفیزس بوده است . این مشکل

است اگر کجولا کادفیزس را در اینجا بهذیریم زیرا که امپرانوی

او هیچگاه با بنظر گسترش نیافته است . در اینجا يك نکته دیگری

هم هست و آن اینکه اسناد نهانده در عهد ساکا تاریخ گذاری شده و

بعد از او بهوما (Bhumoka) رویکار آمده است. هردوی آنها بهیث

کشاهارا تا (Kshaharata) کشا تراپ (Kshatrap) ذکر شده اند و

چنین برمیآید که هردو تحت اثر و تابع ویما کادفیزس بوده اند

بنابر نظریه ستین کنوساندانس (Sandanes) متعلق به مقام پیری

پلسی (Periplus) طو. یکله لیوی پنداشته ممکن است با چین تان

(Chen-tan) یکی بوده باشد این را او میباید بداند ولی سنگک - چا و
(Seng—Chao) شاگرد کوما راجیوا (Kumarajiva) او را با وانگ
(Wang) پادشاه یوچی یا شهزاده ایکه عبارت از ویما کا د فیزس بوده
تعویض میکنند (CIHQ. Xiv P. 150) .

۷۵ - (Whitehead: PMC p. 183) .

۷۶ - او شاو ادا تا (Ushavadata) واما درنها پنه هیچگاه اصطلاح
بها تارکا (Bhatarka) را برای خسر خود بکار نبرده است و این
مخالف روا بط خویشاوندی میشد. ساختمان اجتماع - مذهبی و سلسله
مراتب برهمی ها که او به آن خیلی اعتنا میکرد و اوقات بهزیادی را برای
شان بوجود آورد واما بصورت یقین مقام و منزلت محترمی داشت و
گفت که بکار بردن این اصطلاح به فرمانروایی خسرش قابل قبول
است .

بنیاد اندیشه

Bombay Gazetteer, I, p. 32 - ۷۷

JRAS, 1913, P. 993, Notei - ۷۸

I. A. X, P. 226 - ۷۹

ASWI; iv P. 37, ny - ۸۰

Catalogue—P. cvi - ۸۱

EHL. P. 222 - ۸۲

Rapson: Catalogue, P. 96 - ۸۳

Ref. 68 - ۸۴

CII P. IXXX; EL, xvi ff. 19ff - ۸۵

- ۸۶ - JAXi. V. 1915, P. 191
- ۸۷ - El, Vol Vill, pp. 60ff, Luder's List o 1123
- ۸۸ - در طی يك مقا له خیلی د لچسپ در با ره نها پنه ، چشتمه
وكانيشكا توماس اظهار عقيد، ميکنند که چیزی وجود ندارد که ویم
کادفیزس را با هند شرقی ویا با دوره ساکا ارتباط دهد. بقرار نظریه
اومسکوکات دودمان نها پنه در شکل (S) نمایانگر سه مرحله نکاملی
خود میباشد و مدت زمان طولانی را در بر میگیرد. مرحله نخستین کم
و بیش معاصر و نوین (Vonones) و ازیس (Azes) میباشد .
- اومسگر به که هوما کا و نها پنه اول متعلق به همان عهدی میباشد که
سا ترا بهای تا کسیلا متهورا بان تعلق میگیرد (Neo India AnNtiguary
(NIA, Vol Nos 5 and 6pp 85—86) مادرین مورد با پروفیسور فقید
که بر اساس خطوط عتیقه شناسی نها پنه را بیش از يك نفر میداند و يك
دوره طولانی زمامداری را بر ي انها قایل است و بالاخره با انکار ازا
معاصر بودن گوگامی پوترا سا تا کارنی با نها پنه همخوانی میباشیم .
- درین مورد کتیبه های بالاسری (Balasri) ناسک (Nasik)
بسیار قاطع است .
- ۸۹ - Cunningham, ASR, 11. P. P. 186—
- ۹۰ - JBORS, Vi, PP. 12ff
- ۹۱ - Cunningham, NC. X. 1890 ff 115 ff
- ۹۲ - Indian Coins, pp. 16 ff
- ۹۳ - PMC. P. 160ff

- ۹۴ Ibid
- ۹۵ CII, P.Lxix
- ۹۶ ASI. An. Rep. 1912-13P.8
- ۹۷- بقرار نظریه 'ی پکهور فرسکه ها یککه از یک سو ترمیکاس واقع
ذکر میکنند در عهد زمانداری ویم کاد فیزس بضرب رسیده اند. وی
سو ترمیکاس را با خود ویم کاد فیزس یکی میداند.
- (OZ IV 1927-28 P. 21.ff) لو هو یزسا - دی - لیوو با ستین کنو
(SII P. Ixix) درین مورد که سو ترمیکاس قرار یککه در (هو - هان
شو) تذکار یافته و ایسر ای ویم کاد فیزس در هند بوده موافق است
(OPCIP. P. 375)
- ۹۸- سکه منحصر به فردی که از طرف کنگهم تشریح شده
(NC. 1892 P. 77 pl. xv, Fig.14) یک مجسمه نیم تنه را بادوروی
نشان میدهد که روی چپ دارای پیش و در مقابل آن سمبول ویم کاد
فیزس بوده در حالی که روی راست بی موی و لشم و در مقابل سمبول یک
پادشاه بی نام قرار داده شده و صورت قاطع و واضح حاکی ازین است
که دوشهزاده معاصر همایگر خود بوده اند. کنگهم مواردی را که با
هم دیگر موافق اند تعیین نموده است (Smith. JRAS. Jan 1903.p13)
- ۹۹ P. 288 لو هو یزن دی نیو و - د - ۲۹۱ طو یقین ۱۹ میداند خانم نامبرده
مهاراجا را جانی این کتیبه را یا ویم کاد فیزس یکی و جا نشین
او میداند. (op. C.t. P. 373)
- ۱۰۰- (JRAS. Jan, 1903 P. 13) کاو شهای اخیر باستان شناسان روسی
این را که کوشانیها برتر کستان چینی حکم میراندند روشن ساخته است.

۱۰۱ - (Mc. Crindle. Ancient India P. 212) دیون کا سیوس
(Dion Cassius) در حدود سال ۱۵۵ م از مقام نیکاسا (Nicasa)
در بیتلی نیا (Bithynia) با بعصره ای وجود گذاشته است هنوز در حدود
۲۵ سال داشت که بروم آمد دو مراتب به مقام کنسولگری نایل شد.
بزرگترین اثر او (تاریخ روم) است که شامل ۸ جلد بوده و تمام
تاریخ را به سال ۲۲۹ م در برمیگیرد.

Ibid P. 213.

۱۰۲

۱۰۳ - برای اوزان و عیارگیری مسکوکات کوشا نیهاه مراجعه
کنید به کنگهم (Coins of Medieval India P.16)
و اسپن : (Indian Coins. P. 14,69, 123) و سمت از صفحه
۲۷ به بعد.

برای مطالعه مسکوکات یافت شده از هند به سی ویل (Sewell)
مراجعه کنید . (JRAS. 1904 P. 591)

بیاد آیدیشه

((Hist. Not XII.C. 10 (14) MC. Crindle, op. cit. P. 125.
and Cunningham, "Cains of Ancien India " P. 50))

اگرین را بهندیریم که ویما کادفیزس بعد از ۷۸ م سلطنت کرده
است دیگرین مشکل نیست که این واقعیت را دریا یم که مسکوکات
طلائی او از لحاظ وزن عیناً با (Araura) امپراطوری پیشین روم مطابقت
داشته است . که بقراو کذاش پلینی (Plyni) و شواهدی دی
که بدست آمده تعداد زیادی از آنها برای یک مدت زمان طولانی در
خاک هند سرا زهر شده است .

Smith, TRAS, Jan. 1903 P. 34

۱۰۰ - (China Story of Nations, p.18) به قرار نظر به لیوی

شکر هان- چاو تا به سرحدات امپراتوری روم رسیده بود-

(JA. IX 1897, P. 50 Smith. EHI PP. 268—89)

۱۰۶ - اینکه در راهور یان - یونگ گفته شده که ویما کاد فیزس
شاید که تا به سال ۱۲۷ م زنده بوده است و همچنان که میگویند
مهاجم یوچی ترکستان چینی که در سال ۹۰ م از طرف هان - چاو
شکست داده شده عبارت بود از ویما کاد فیزس - توماس آنرا غیر ممکن
میداند و میگوید چظو - تاریخچه ها و دودمان قبلی هان میتواند در ارجاع
به کجولا کاد فیزس و ویما کاد فیزس و هجور - سال ۹۰ م بدون اینکه به
یکی از آنها نسبت داده شود گزارش دهند .

NIA. August—spt. 1944, P.100)

(Beali "Buddhist Records" I P. 57

۱۰۷ - بعد از مرگ هان - جاکا نیشکا هند و کشمیر را به اطمنان
و در کمال امنیت بدست آورده و بخاطر آسوده و موقعیت مستحکم با
دشوارها غالب آمد و توانست لشکری را به ماوراء تاغد و مباحش -
(Taghdumbash) و پامیر سوق دهد در نتیجه اسلاف او در انجام آن
ناکام ماندند و تنها اینکه خود را از پرداخت باج و خراج به چین
آزاد و مستقل سازد بلکه از شهزادگان امپراتوری چین و تحمل هم گرفت

(Smith. EHI P. 278)

(Op. Cit. P. 379)

-۱۰۸

(Whitehead, PMC, P. 95)

-۱۰۹

- (CII, P. 81 FF) - ۱۱۰
- (Op. Cit. P. 377) - ۱۱۱
- (CII, P. 82) - ۱۱۲
- (CHI, P. 582) - ۱۱۳
- (PMC. P. 95) - ۱۱۴
- (OP. Cit P. 379) - ۱۱۵
- Eliot: The History of India, I, PP. 106—110 - ۱۱۶
- و به جای سوال نیز مراجعه کنید. (JBORS, XVIII, 1932, PP7—16)
- ۱۱۷ - بقرار نظریه مارشال دوره فرمانروایی ویما کادفیزس شاید که تا به سال‌های نخست قرن دوم میلادی دوام کرد، باشد که بعد از ویک وقفه تقریباً برای مدت دودھ تا اینکه کانیسکا روی کار می‌آید دیده میشود. در طی این وقفه چنین بر می‌آید که قدرت کوشانیها ضعیف و تجزیه رخته کرده ولی این یقینی است که یک و یا بیشتر نایب السلطنه‌های بنام سو ترمیگاس بوده‌اند که در غیاب فرمانروای کیشانی پنجاب و شمال غرب هند را اداره میکردند گذشته از سایر ملاحظات تغییر در رسم الخط و زبان و تغییر در طرح مسکوکات فرمانروا (ویما و کانیسکا) در بین شان دلالت بر یک وقفه میکند (JRAS, April, 1974, P.32)
- ۱۱۸ - نام کشا ترا سیوانسینا (Sivansena) در خط یک مهر انگشتی مسی که از طرف بیلان (Baylal) از پنجاب بدست آمده تذکارات یافته و از طرف کنگهم نیز تشریح شده است. ولی بعد از آن تا کنون اثری از آن در دست نیست و مفقود الاثر گردیده است. (CII. No, XXXVIII. P.103)

فصل سوم

کانیشکا و جانشینان او

با آمدن کانیشکا به مرحله دیگری در تاریخ کوشانیها آغاز یافت. او و جانشینان او که نامهایشان با آهنگ کلمات شکا (Shka) — Eshka — ishka انجام میابد متعلق به قوم کوشانیها بوده و اینها نیز چون اسلاف خود لقب دیوایی ترارا بکار برده اند (۱)

۱ - در فصل گذشته توضیح گردید که بین ویماکادفیزس و کانیشکا یک فاصله زمانی وجود داشته است. و این یک جانشین محض نبوده طو. بلکه طرفداران نظریه کانیشکا و عهد ساکامی هستند.

(۲) آمدن این دسته از فرمانروایان کوشانی توسط یک سلسله ممیزات و مشخصات جدیدی تشخیص و تمیز میگردد. مثلاً کتیبه ها از شروع عهدی تاریخ گذاری شد، که سال اول آن از (ز) (؟) ها ۳ آغاز گردیده ازین اسناد توسعه فرمانروای آنها نمودار میگردد.

ضرب مسکوکات طلائی تازه آغاز و با صورت خدایان مختلف یکجا
مستقوش گردیده و رسم الخط خروشتی و هونانی بطور قابل ملاحظه تقلیل
یافته است. مشابیهت خیلی نزدیکی که از لحاظ چهره و لباس در بین
و هما کاد فیزس و کانیشکا دیده میشود همخوانی و همبستگی
آنها را ثابت میسازد. متأسفانه تاریخچه های چینی و قتی سخن از
و هما کاد فیزس میزنند در باره کانیشکا چیزی نمیگویند و لی شواهد بعدی
از منابع ثبت و چین که بعضی از آنها مبنی بر عنعنات قدیمه بوده
و قرینها بعد ثبت گردیده اند در مورد قدامت کانیشکا و روابط او با
حکمرانان معاصر ختن و سایر نقاط در آسیای مرکزی و بالاخره در باره
فتوحات او در هند شمالی چیزی از آنها استنباط شده میتواند.

کانیشکا بهیث يك یوچی خورد:

مطابق يك منبع تبتی بنام لی - یول - کی (li-yul-gye) لورگیاس
پا (lo-rgyas-pa) دختر پادشاه گا - هجای (Ga-hjay) که ملکه
و هجایا سمها (Vijayasimha) پادشاه ختن بود در انتشار
بود یزدم در شو لیک (Shu-lik) یعنی کاشغر سهم قابل ملاحظه داشت.
منابع تبتی راجع به و هجایا کرتی (Vijayakirti) پسر و هجایا اسمها
میگویند که در جمله برهند او با کانیکا (Kanika) پادشاه و پادشاه
گوزان (Gozan) پیوست و ازین گیرودار شهر ساکید (Soked) ساکیتا
(Saketa) سقوط نمود.

م - از ترجمه چینی کالپناماندیتیکا (Kalpanamanditika) اثر
کومارالتا که بعد از دوره فرما نرواهی کانیشکا تالیف شد، در يك

عبارت چنین خوانده میشود . (درخاندان کیوشا (Kiu-sha) يك پادشاهی بود که چین تان کیانی چا (Chen-tan-kia-ni-cha) نامیده میشد وی تونگک-تن-چو (Tung-Tien-chu) بقول هو بر (Huber) و لیوی (Levi) هند شرقی را گشود و کشور را مطیع و تابع خود ساخت . قدرت او ترس و خوف را بدلهای اذیت و او تمام خوشبخت و خوشاقبال بود . او برای بازگشت به - سلطنت خود رهسپار گردید . راه از يك سرزمین فراخ و هموار میگذاشت . بقرار نظریه هری چین تان عبارت است :

از چاندا نا (chandana) بنا بقول (sedas) (۶) گفته میشود که این يك تسمیه قدیم بود برای ختن چین - تان (chin-ghan) اصلی شاید که کاشگریه (Kashgaria) و چین تان کیانی (chen-tan-kia-ni-cha) ممکن کاشیکاشکا پادشاه ختن بوده باشد .

ستین کنو باقلیت همنا است که (۷) کاشیکاشکا متعلق به يك تیره و قبیلله و یا يك خاندان حکمرانی جداگانه از قوم کوشانیها بوده که راه خود را از ختن به کشمیر و بعد از آن به هند باز نموده است .

(۸) - وی (کنو) پیش میرود و میگوید اگرمانند هریم که کاشیکاشکا از ختن آمده در آنصورت لازم است نظریه - هولستین (holstein) (Baron. H. de stuel) را که میگوید کاشیکاشکا به بخش بزرگ یوچی (تایوچی) متعلق نیست بلکه به بخش کوچک سیایوچی (siao) یوچی متعلق میباشد نیز بپذیریم .

و این واقعیت از مامنگک-هیرما - چون (Ma-ming-pu-sa-chuan)

۱ - که يك تاریخچه است از حیات اسوا گوشا (Asvaghosha) و

قبل از سال ۱۲۰۰م بزرگان چینائی ترجمه شده بخوبی آشکار میگردد در آنجا گفته شده که کانشیکا حامی و ولی نعمت اسوا کهوشا يك پادشاهی بوده از یوچی های کوچک سیاهوچی (siao-yach-chi) در باره تشریح سلطنت یوچیهای كوچك در وقت وزمان خود وی شو (Wei-shu) اطلاع میدهد که پایتخت آن پوروשאپورا (Purhapura) یعنی پیشاور بوده و بهمین سبب آنها بنام یوچیهای كوچك نامیده شده اند. بقرار نظریه ستین کنو (۱۱) که میگوید وی بطور یقین کانشیکا بوده که نخست پیشاور را پایتخت امپراتوری یوچی قرار داد و در این مورد گزارشی وی شونزه این نظریه را که کانشیکا متعلق به یوچیهای كوچك بوده است تأیید و تقویه مینماید.

ازمنابع تبتی وچینائی درموردختن آشکار میگردد که کانشیکا برای حمله خود بر هند شما لی از وهجایا کیرتی پسر وهجایاسیمها کمک خواسته و بعد از مدت نموده است.

و بهوگرافی رسوا کوشا او را پادشاه یوچیهای كوچك وانمود میکنند.

در برابر این مشاجره با گچی (P.C Bagchi) اظهار نظر میکند و میگوید ۱۲ دلیل وجود ندارد که بموجب آن کانشیکا را از یوچیهای كوچك بدانیم یوچیهای كوچك هویت خود را در میان بربرهان جنوب شرقی چین از دست دادند همانطوریکه یوچیهای بزرگ هویت خود را در بین تخارها از دست دادند. بوددها علاوه بر اینها یوچیهای كوچك تهها (Ta-hia) (تخارها) و نه با کوشوانگ (کوشانیها) کدام تعلق وارتباطی دارند.

۱۳- ولی باید گفت که این يك امر مشکل است که کانیشکا را یکی از تاجوچی ها یا سبای ویر چها بشماریم .

رواق طوریکه ما قبلا بان اشاره کرده‌یم کوشا نیها (کوی شوانگک) و یوچی هادر هر کدام شان نمایندگی از يك قبیله نژاد دای مختلف می کنند اولی یعنی کوشا نیها از آریا های ساکی و دومی یعنی یوچی ها از نژاد متگولی شمار میروند . تمام این معضله بدور تعبیر و تفسیر لفظی دور میخورد که در نارنجیجی های چینائی ثبت شده است چنین بر می آید که کوا بار (Kuwabara) درین مورد بخطا نرفته است .

۱۴- و ما قبلا آنرا نذ کار داده و تأیید نموده ایم .

تعلقات کانیشکا با ختم قدرت های معاصر او قبل از کشودن هند شمالی و رواب بعدی او را نباید از چشم دور داشت از روی اسناد و شواهد موجود فعلا یگانه چیزی را که میتوان گفت اینست که کانیشکا به همان نژادی متعلق است که کاد فیزس ها بودند و او از فرصت مساعدی که از مرگ ویما کاد فیزس تا به اخیر زمانداری مشخص مابین (سوتر میگاس) بوجود آمد استفاده عظمی کرد .

فتح هند شمالی او تا به پوتالی بر تواد ر طی يك زمان کوتاه و معدودی صورت گرفت زیرا درین وقت کدام قدرت نیرومندی و نه هم بهر خود از کدام وارثی برای امپراتوری کوشانی در مقابل او وجود داشت .

طرح ها برای فتوحات :

فتوحات کانیشکا يك واقعه پیوسته و پلان شده یکنواخت نبوده است کتیبه ها نیکه از نقاط مختلف بدست آمده و در سال های متفاوت

تاریخ گذاری شده اند مثلاً در سال ۲ کتیبه کوسام (Kosam)
 ۱۵ - دراله آباد در سال ۳ کتیبه سرنات (sarnath) از سال ۳ به
 بعد کتیبه های ما تورا (۱۷) در سال ۱۱ کتیبه های سووهار (Suivihar)
 (۱۸) بهاولپور و (زهدا) (zeda) (und) ۱۹ و در سال ۱۸ کتیبه مانیکیلا
 (Manikiala) راولپندی (۲۰) این همه گواه بر اینست که فتوحات
 کانیشکا در شرق و تا به وارا ناسی (varanasi) بنارس در جنوب غربی
 تا به بهاولپور رسیده بود.

منابع ادبی راجا ترانگینی (Rajatrangini) (۲۱) و کلپناماندیتیکا
 (Kalpanamandi-tika) (۲۲) و تاریخچه های دودمان هندی هان (۲۳)
 مؤید و گواه بر این اند که کانیشکای کوشانی بر سر زمین های ختن
 و کشمیر (تونگک-لی (Tung-Li) و پان-چی (Pan-chi) که بر او نظریه
 توماس بقا طی بودند در نواحی مرکزی و جنوب غرب هند فرمانروایی
 میکردند است

بنیاد اندیشه

۲۴ - ساندانس (Sandanes) بخشی از پیری پلیس (Periplus) حاکی
 برانست که کنشکا بر جنوب غرب هند فرمانروایی داشته است.
 فرمانروایی کانیشکا بر جنوب غربی هند مبتنی بر شواهدیست که از
 شناسائی و هویت ساندانيس (Sandanes) از نا هیسه نی پیری پلیس
 (Periplus) بر می آید.

۲۵ پهلوهایی مختلف فتوحات کانیشکا را بحسب بحث و مطالعه
 جداگانه را میکنند و همچنان تسلط کانیشکا بر بهار که غالباً از مسکوکات
 کشف شده است، منبسط میشود و نیز صفحه بوده گاه (Badh-Gaya) هوو نیشکا

از پستانه و گزافش در سری دها رما - پی تا کانیسی داسوترا (Sridharma—Pitaknidanasutra) (که دوسال ۷۲۲ م بزرگان چینائی ترجمه شده) مبنی بر شکست پادشاه پوتالی پوترا بدست کازهل و تقاضای (Chen- Tan- Kia- ni- Cha) کانشیکا از وی خواستار غرامت گردید و او حاضر شد در عوض این غرامت کاسه قربانی بودا (کجکول بودا) را باشواگوسا که یک راهب بزرگ بودائی و در هین زمان طبیعتاً یک رهبر دلسوز بود قبول نمود.

۴۲ و پنجم بر فتوحات کانشیکا درین نقاط روشنی میافزاند. معاشرت اسواگوشا با کانشیکا یک واقعیت آشکار و شناخته شده است این فتوحات کانشیکا که در طی یک زمان طولانی شاید در حدود ۲۰ سال صورت گرفته مرحله به مرحله انجام شده است.

مرحله نخست عبارت است از کشودن هند و بر تخت نشستن او بهیث یک فرمانروای قانونی کوشانی و این واقعه تاسیس یک دوره که بنام خود اوشهرت یا فته و از طرف جانشینان او ادامه یافته از لحاظ زمانی با هم دیگر توافقی و تطابق میبکند.

فتح هند مرکزی یا ماد هیما دیسا (Madhyadesa) معلوم میشود که در اولین دم صورت گرفته است.

از مرحله دوم فتوحات امپراتوری کانشیکا معلوم میشود که بطرف پنجاب جنوبی و سند توسعه یافته در حالیکه مرحله سوم منحصر میشد به فتح کشمیر و ختن آخرین نشان میدهد که به تمامیت و استحكام قدرت او به آسیای مرکزی که قبلاً چند آن مستحکم نبود آنجا میرسد.

او برای فتح هند شاید از همکاری يك یا بیشتر چنان قدرتهاى استفاده کرده که منابع تبتى از آنها سخت گفته و ما نیز قبلا از آن تذکر داده ایم .

این واقعه يك طرح مشا به چندین قرن گذشته نى چند را گو یست- سورن را به یاد میدهد که بر وایت مدرا را الشاسا (Mudrarakshasa) وی از پارا واتا کا (Paravataka) برای فتوحات خود کمک گرفت و سرانجام متحدان و کمک دهندگان نیز جان سلامت نبردند . این مراحل فتوحات کاشیک را بعد از آنکه معضله پیچیده تعیین آغاز سال عهد کاشیک را بررسی کردیم مورد بحث قرار خواهم داد

عهد کاشیک :

تعیین سنه آغاز فرمانروایی کاشیک و تاسیس عهد يکه بنام خود او شهرت یافته موضوعیست که برای مدت سه ربع يك قرن در بین دانشمندان مورد بحث و مشاجره قرار گرفته است . در پیچ و خم گیج کننده حدسیات و گمان ها و امکانات احتمالات جائی که يك نقطه مستحکم برای اتکا وجود نداشته انسان در اندیشه میماند . خصوصا وقتی دیده میشود که به عوض اینکه این فرضیات معدود گردد دامنه پیدا میکند نظریات متعددی یکی بعد از یکی بر خاطر حمایت از فرضیات سایرین ارائه میگردد - تلاش بخرج داده میشود تا مثلا به کرونو لوژی که بر کتیبه شناسی استوار است و به شواهد يکه از مسکوکات و گنجینه های یافت شده مبتنی بوده و همچنین به برداشت

های که از انواع و تیپ‌های گوناگون صورت گرفته و یا به (پالیو-گرافی) نقاط کاوش شده و آثار از خاک بیرون آورده شده هندو ماورای هند - منابع چینائی روایات و عنعنات شان با لآخره اطلاعات نجوم و هیئت و بسا مطالب و مدارك مشا به مراجعه و استفسار میگردند لازم می‌آید تا تمام این منابع و مآخذ را بدون اینکه قبلاً چیزی را به ارتباط آن در کدام مورد خاص در ذهن خود پذیرفته باشیم بصورت بیطرفانه سرازینو همه را مورد تجدید نظر و ارزیابی قرار دهیم

مدارك كرو و نولو جیكی و کتیبه شناسی :

مدارك ایپی گرافیک توسط اسنادیکه مربوط و مراجع به این فرمانروایی کوشانی و جانیستان او یند تدارك و تهیه گردیده است .
تاریخ گذاری این کتیبه ها در عهدی نشده که بنام خود کانیسکا شهرت دارد .

نکته ای که قابل ملاحظه است اینست که ماه ها و سنوات شکل همگون دارند تقسیم سال بر اساس موسم ها و همچنان سنوات به نصف روشن و یا تاریک ماه نسبت داده نشده بلکه در حالات تمدن و استقامت میباشند که این خیلی حایز اهمیت است .

۲۷- طرفداران نظریه عهد ساکا در حالیکه ادعای مبنی بر کانیسکا بهیث موسم يك دوره را می پذیرند نظریه میدهند که این همان عهد مشهور سال ۷۸ م بوده است به تاسی از آن نظریه خود آنها فرمانروایی کوشانیها ئیکه در کتیبه سال ۱۳۶ مشهور - تا کیسیلازان ذکر شده با کانیسکا یکی میداند . ناحیه یک که این کتیبه از آنجا بدست آمده

و طرح سکه گذاری آن خصوصاً قابل ملاحظه است .

طومار نقره ای که دارای کتیبه خروشتی است از طرف مارشال دریکی از دهلیزهای سمت غربی ستوپه Dharmarajika زته چهار دست آمده است - بر روی آن طرف (کتیبه طومار نقره ای) سمبولی بنظر میخورد که بروی مسکوکات - کجولا کره کا د فیژس وهما کا د فیژس وزهونیژوس Zeionises دیده شده اند .

۲۸- سکه گذاری این کتیبه در عهد قدیم صورت گرفته و اگر کانیسکا مؤسس یک عهدی باشد که از سال یکم تخت نشینی او آغاز یافته پس دایلی وجود ندارد که کتیبه تا کیسلا و چندین اسناد دیگر یکه بعد از کتیبه سال ۱۶۸ در موزیم پشاور وجود آمده اند چون در (۲۹) کتیبه ثی سال ۱۸۷ (؟) خلا تیس (Khalatse) (۳۰) کتیبه ظری نقره ثی سال ۱۹۱ تا کیسلا (۳۱) و کتیبه ثی سال ۲۰۰ دیوای Dewai (۳۲) از عهد قدیم بشمار می آیند و در اینها بر عکس اسناد و کتیبه ها نمیکه به کانیسکا و خاندان او تعلق میگیرند نامهای هر ماه بصورت جداگانه داده شده است . هیچ سندی که در عهد قدیم سکه گذاری شده باشد بین سال ۲۰۰ کتیبه دیوای و سال ۳۱۸ کتیبه لوریان تنگی Lorian—Tangai بدست نیامده است و بقرار نظریه خانم لوهو - یزن ووی - لیو (۳۳) این دوره بود که کتیبه های عهد کانیسکا و جانشینان او رادو بر میگرفت .

این شاید قابل قبول باشد ولی در باره اینکه این عهد قدیم باست با عهد مشهور ۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴-۱۵۳۵-۱۵۳۶-۱۵۳۷-۱۵۳۸-۱۵۳۹-۱۵۴۰-۱۵۴۱-۱۵۴۲-۱۵۴۳-۱۵۴۴-۱۵۴۵-۱۵۴۶-۱۵۴۷-۱۵۴۸-۱۵۴۹-۱۵۵۰-۱۵۵۱-۱۵۵۲-۱۵۵۳-۱۵۵۴-۱۵۵۵-۱۵۵۶-۱۵۵۷-۱۵۵۸-۱۵۵۹-۱۵۶۰-۱۵۶۱-۱۵۶۲-۱۵۶۳-۱۵۶۴-۱۵۶۵-۱۵۶۶-۱۵۶۷-۱۵۶۸-۱۵۶۹-۱۵۷۰-۱۵۷۱-۱۵۷۲-۱۵۷

Krita شهرت یافت توافقی کنندگان دشمنان هم‌نواپی دارند .
 اگرما فرما نروایی کوشانی کتیبه طوماری تا کسیرا را با کانیسکا
 یکی وعده او را با عهد ۷۸ میلادی ساکا یکی بدانیم مشکلات کرو نولو-
 جیکی به حدی خواهد رسید که از ارائه آن غیر ممکن خواهد شد کتیبه
 مورخه ۹۱ (۳۵) ۱۳۳ جیهونیکا Jihanika که از تا کسیرا بدست آمده
 بذات خود درباره اینکه او یک فرما نروای مستقل و پر قدرت بوده
 و با لقب راجان از او نام برده شد و سکو کاتی را بنام انتشار داد
 تمام حمایت و تأیید میکند - بنا بر این این سوالیکه او (کانیسکا)
 بر تا کسیرا و نواحی دور و بر آن حکومت رانده تمام احل گردیده است .
 از طرف دیگر کتیبه مورخه سال ۱۰۵ هوویشکا (۳۶) از وردک دال
 بر اینست که این فرما نروای کوشانی حتی تا به (۳۰) میلی غرب کابل
 نیز حکومت کرده است و اگر این را بتاريخ ۷۸ م عهد ساکا بدانیم پس
 امپراتوری هوویشکا در سال ۱۲۹ تا به انغا نستان توسعه یافته بود
 بنا بر این جیهونیکا بحیث ما دون کوشا نیها حکومت میکرد
 و قسمت های غربی امپراتوری کوشا نیها را خود تصاحب کرده بود .
 متأسفانه هیچ یکی از این دو احتمالات قابل قبول نیست از
 عهد کانیسکا و جانشینان او ما چندین نفر کشا تراها
 و مها کشا تراهای کوشانی را میشناسیم
 که نامهای آنها عبارت اند از خراپالانا (Khrapallana)
 و اناشپارا (Vanash para) از کتیبه سرنات (Sarnoth) ۳۷ لیکا
 (Liaka) در کتیبه زیلا (Zade) (۳۸) و پسپاسی

(Vespasi) در کتیبه مانیکیالا (Manikiala) (۲۳۹) کشا تراپای کاپیسا (۳۰) پسر کشا تراپاواناوپا کا (G (r) anavhryaka) که نام او در کتیبه‌های صندوقچه برنجی زیورات مانیکیالا ذکر شده است. اینها هیچکدام سکه انتشار داده‌اند گرچه در دو دور نام فرمانروا نیز ذکر شده است.

علاوه بر این مسکوکات زینوس (Zeionises) (۱۱) که بدست مانیکیالا رسیده موقعیت او را بعد از ویما کادفیزس پیش از کانیشکا قرار میدهند. و برای اینکه از سرهم افتادین ها (تیرویر) جلوگیری شده باشد کانیشکا را بایست در قرن دوم میلادی جای دهیم يك مثال از سرهم افتادهای کرونو اوچیکنی (زمانی) از آنجا نشئت گرفته است که کانیشکا را در حالیکه در قرن دوم میلادی جای داده‌اند آنرا معاصرو درادمان (Rudradaman) هم دانسته‌اند. کتیبه بزرگ که از مقام جرنار (Girnar) بدست آمده (۲۴۱) و در سال (۷۲) (۱۵۰) تاریخ گذاری شده در آنجا به نامی از کدام حکمران مافوق برده شده و نه عهدی را که بکار برده به قرن دوم تقابل میکند بلکه به عهد ساکا در ۷۸ م.

گرچه لقب راجان مهاکشا تراپا را که او خود این مقام را بدست آورده بود بکار نمیرد. ساوایام ادهی گاتادها کشا تراپا نامنا (Svayam—adhigata Mahakshatrapanamna) ولی اوتحت اثر و یا تیولدار کدام فرمانروای بزرگ دیگر نبوده بلکه خود يك پادشاه کاملاً مستقل و خیلی مقتدر بود. او نیز ادعا میکند که بریهو دیها

(Yahudheyes) که بر سواحل جنوب، رودستلج می زیستند و این ناحیه تقریباً در مرکز قلمرو وسیع کا نیشکا موقعیت داشت پیروز گشته است علا و نا در سال ۲۸ عهد کا نیشکا و اسیشکا (Vasishka) در یک کتیبه ذکر از مقام سانچی (Sanchi) ۳۳ بدست آمده بحیث یک امپراتور ازو ذکر شده است. درین صورت برای بدست آوردن یوجن (Ujjain) ضرورتی با ساکاها صورت گرفته است .

برای اینکه مشکلات را از سر راه برطرف کرده باشیم با دست بندگانیم که کا نیشکا بعد از روادادن آمده است کتیبه سوی ویهار (Sui—Vihar) در سال یازدهم عهد سلطنت او تاریخ گذاری شاه است. اگر بخت نشینی کا نیشکا را در سال ۳۳ ام بدانیم گمان غالب او باید ناحیه بها وهور را در وقتیکه رود را دامن زده نبوده و جانشینان او یارای مقاومت را در برابر او نداشته اند کشوده باشد. عین مسئله را میتوان در تصرف سانچی بدست و اسیشکا درست پنداشت گرچه، با اعتقادیم که او و جیشکا و Vajheshka پدر کا نیشکای کتیبه آرا بدودمان کوشانیهای بعدی تعلق یگیرد. گزارش کتیبه سانچی سال ۲۲ در باره اسکوشا نا Vaskushana (۳۳) که او یک راجان و نیز قابل ملاحظه است مادر باره این مشکل بعد از جای خود در صحبت خواهیم کرد

شواهد سکه شناسی :

این شواهد اکثر آمنه محصور است به گنجینه مسکوات حکمرایان کوشانی که بدست آمده اند (۵۳) و نیز یک عده مسکوات تیکه

سنوات آنها یا روشن و یا نزدیک به روشن شدن است. تیپ طرح سکه‌ها، نمکه از طرف حکمران یا انتشار یافته و تقلیدهایی که در آن صورت گرفته و ارزش و وزن آنها که تا کدام اندازه در تجارت و تبادلات رول داشته و استعمال خط شکسته یونانی در سکه‌ها و کات این همه مهم قابل ملاحظه است.

گنجینه‌ای که استوپه آهن پوش Ahinposh (۶م) بدست آمده گرچه آنقدر بزرگ نیست ولی در مورد تعیین سنوات دوره کانیسکا کمک شایانی می‌نماید. این سکه‌ها شامل ۴ عدد ازویماکادفیزس (۱۵) عدد از کانیسکا و یک عدد از هوویشکا می‌گردد که وضع خیلی‌ها خوب دارند و ۳۴ عدد سکه‌های رومن که یک یک آن باین سه نفر ۱۰۰ اتور از قبیل دومیتین Domitian (۹۶-۸۱) م ترا جان Trajan (۱۱۷-۹۸) و سابینا Sabina (۱۳۸-۱۳۷) تعلق می‌گردد نیز قابل ذکراند.

بنیاد اندیشه

این سکه‌ها غالباً توسط تجاران با اینجا آورده شده‌اند و چنین پنداشته می‌شود که بعد از سال ۳۷ م در زمان هوویشکا دفن شده باشند. این مسکه‌ها و کات قبل از آنکه دفن گردند برای یک مدت زمانی شایع بین ۲۵ و ۵۰ سال و یا کمتر از آن را در بر گرفته که تا با اینجا رسیده‌اند. این موضوع کانیسکا پدر و سلف هوویشکارا در قرن دوم میلادی چیزی بعد از سال ۱۲۰ قرار می‌دهد و از طرف دیگر کنیدی می‌پندارد (۷م) که این یک تضاد محض است که هوویشکا درستوپه آهن پوش دیده می‌شود این مسکه‌ها و کات مانند مسکه‌ها و کات رومن‌ها یا جواهرات

یادگارها و سایر اشیای قیمتی و يك مجموعه از تحفه ها در ستوپه جای داده شده اند. این استدلال کنیدی از طرف توماس (۸/۴) چنین تعبیر شد که او خواسته است واقعیات روشن را در ابهام و تاریکی بگذارد وجود سه عدد سه رومن با سکه های هوویشکا و اسلاف اودر ستوپه آهن پوش خواه بطور تحفه و یا غیر از آن بوده این را یقینی میسازد که ستوپه مذکور یاد در وقت حیات و یا بعد از مرگ هوویشکا تعمیر گردیده است.

عوامل دیگر یکه از مطالبه مسکوکات کانیسکا و جانشینان او استنباط کرده اند عبارت اند از القا بیکه بر سم الخط یونانی نگاشته شده اند وزن مسکوکات و نفوذ خارجی بر آنها این عوامل از طرف کسانیکه از تیوری عهد ساکا و ویکراما جا پداری میکنند به تفصیل مورد ملاحظه قرار گرفته است وزن مسکوکات طلایی گروپ کانیسکا به معیاری تطابق میکنند که در روم پذیرفته نشده بود در مسکوکات هوویشکا که حرف (H) دیده نمیشود گرچه در دیگر مسکوکات او وجود دارد هر دو نوع آن تحت تاثیر رومن ها قرار گرفته اند.

۹- استعمال خط والقبای یونانی از طرف کانیسکا و اخلاف او بر روی مسکوکات نیز از طرف این عده از دانشمندان مورد توجه و ملاحظه قرار گرفته است.

۱۰- برای تعیین سنوات کانیسکا به استدلال مبنی بر مطالبه مسکوکات آندوره اکنون کهنه شده و از مورد اثبات است. از

لحاظ سکه شناسی درین مورد نکات دیگری وجود دارد که با یست به آن اعتناء گردد مثلاً تقلید مسکوکات کوشانیها از طرف ساسانیها و از حکمرانیان گوپتا های پیشین و از طرف دیگر میتوانیم فرض کنیم که فاصله زمان بین کوشانیها و گوپتاها آنقدر وسیع نبوده طوریکه آنده از مورخانیکه فکر میکنند که آن دوره یک دوره تاریکی از تاریخ قدیم هند بوده است .

در مورد شواهد سکه شناسی لازم است به تفصیل سخن گویم جی. بوتایلا G. Botaila در یکی از مقالاتی که در شماره ۲ (۵) دوره مسکوکات واسو دیوارا در حدود ۴۲۰ م میهندا رد (۵۳) و علاوه میکند که این سهل است گفته شود که این مسکوکات واسو دیوارا و ساسانیها تفاوت زیادی و بود ندارد و در نتیجه مشکل است که این دو نوع مسکوکات را به دو گروه تقسیم کنیم . فرق این آنها در خصوصیات عمومی است شاه طرف راست و شیوا Siva در عقب سکه قرار دارند و موهای مجعد از تیپ ایرانی ریش و موهای دراز سر افتاده برگردن و شاه با خود و یا تاج ساسانی بر سر نهاده است .

و تمام مسکوکات واسو دیوارا و شیوارا نشان میدهد که ویش دارند و بر پشت سر خود موی انبوه و افتاده ندارند .

مؤلف خاطر نشان میکند که سلسله مسکوکات واسو دیوارا همگونی خود را با مسکوکات کانیسکا و هویشکا حفظ کرده اند . او یک سکه را مورد توجه قرار میدهد که به مشکل فرق میکند با سکه های واسو دیوارا خیلی با هم شبیه است به استثنای رسم الخطی که نشان میدهد باید از

هورمز دای اول، بوده باشد که قبل از ۳۷۲ یعنی قبل از تاریخ جلوس او بر تخت ساسانی پادشاه خراسان بوده است. و این خراسان در اوایل سال ۲۳۰ بدست اردشیر انتح گردیده بود. سلطانانی را که اردشیر مغلوب ساخت آخرین سلطان این کشور بوده که اردشیر در مسکوکات خود چهره واسودی وارا بطور آشکارا تقلید کرده است. هرزفیلد (Herzfeld) که مسکوکات اند و ساسانی را خصوصاً بدقت مطالعه کرده است مینویسد که شهزاده گان اقب (کوشانا - شاهنشاه) را از تاریخ ۲۳۰ تا به ۳۸۳ م در مسکوکات خود بکار برده اند (۳۵) نایب السلطنه های ساسانی در خراسان که مسکوکات کوشانی را تقلید و کاپی نموده اند شامل پرویز برادرشا بهور اول دیگر دد که او مسکوکات نقره ای و برنجی نوع ساسانی را ضرب نموده در بعضی از آنها چهره ودارا نقش بسته است.

از سال ۳۵۳ تا به حدود سال ۳۷۳ هر دوازده نوع مختلف المرات سکه ضرب زده که قسمتی از آنها مخصوص نوع ساسانی و قسمت دیگر آنها از مسکوکات نوع کوشانیهای محلی بشمار میروند. ضرب چهره های کوشانیها بر مسکوکات بعد از ۳۷۳ توسط وهران (Varharan) اول دوم و سوم دوام نمود (۳۵) بقرار قول گرشن (Ghrishman) مسکوکات واسودیوا آخرین مسکوکاتی بود که از بگرام بدست آمد، اند (۳۶) این شهر را شاه بهور اول بین سالهای ۳۷۰ و ۳۸۰ بار دیگر بدست آورد.

گرشن منیگوه که اگرواسودیوا بین سالهای ۳۷۷ و ۳۸۰ حکومت کرده تا ۳۸۳ - عهد کا نیشکا در حد و د سال ۳۸۳ م واقع شده است

۱ و ادعا میکند که منابع تاریخی بکمال دقت و سهولت واقعیت های سکه شناسی و باستان شناسی را ناآید میکنند. یک متن چینائی سان-کود تی-چی (San-kouo-teche) از یک پادشاهی بنام پوتیو (Po-tio) ذکر میکند که شاید واسود یوا بوده باشد که او در سال ۳۰۰ سفیری را به چین فرستاد و اقبال لقب (پادشاه یوچیهای بزرگ) رادریافت گاهی این پوتیو تصور میشود که با وهسا دان (Vehsadjon) یا ویهاد جن (Vehsadjan) یکی بوده باشد که وی بکا نقرانس خسروی اول ارمنی در مقابل اردشیر که برار با تان Arbatan پیروز گشته بود پیوسته است. این مبحث رادری صحبت از کاوشهای باستان شناسی گرشمن در بگرام دنبال خواهیم کرد شواهد سکه شناسی تاجا نیکه به هندارتباط میگیرند اکثر مبنی بر مسکوکات حکمرانان دودمان گوپتا میباشد که آنها در مسکوکات معماری خود از نوع سکه های کوشانی تقلید کرده اند. بقرار نظریه سمت (ve) مسکوکات طلایی پادشاهان اولین گوپتا مبنی بر مسکوکات کوشانیها و سرانجام مبنی بر پول رومن ها بوده است.

آنها به پیروی کوشانیها در وزن و معیار سکه های خود از Aurei رومن ها تقلید کرده اند.

این تقلید از شکل نمایان شاه که در يك قربانگاه هدیه تقدیم میکنند و بالاپوش و شلوار چسپ و دراز دربردارد طوریکه در مسکوکات کوشانیها دیده میشود کله شاه با هاله احاطه شده و بطرف چپ هلال بنظر میخورد تعقیب و درك شده میتواند نام بشکل راست و

عمودی نوشته شده و در دست چپ شاه بیرقی قرار دارد که بایک فیت و نوار طوری که در مسکوکات کوشانی دیده میشود بسته شده است و در عقب مسکوکات معیاری تقلید روشنی از نوع مسکوکات اردو کسو (Ardoxo) بنظر میخورد. (۵۸) پس اگر حکمروایان گوپتا در وزن و نوع سکه های خود از کوشانیها تقلید کرده باشند طبعاً خلافاً صلبه زمانانی بین حکمروایان آخرین دودمان پیشین و موسس دودمان بعدی بایست بسیار طولانی نباشد.

مانند نمونه های داریم که حکمر وایان جانشین بعدی حتی نام خود را بر مسکوکات سلف خود و یا بر مسکوکات کدام دودمان سلطنتی دیگر نقش بسته اند بطور مثال گو تامی پوترا سانا کانی (Gautamiputra Satakarni) که نام خود را بر مسکوکات آنها پنهان گاشته و درین صورت از احتمال بعید نیست که کسی از مسکوکات دودمان قدیم و کهنه تقلید کند که (۱۰۰) سال قبل حکومت میکردند است ما معتقدیم که شواهد سکه شناسی بکوشانیها و گوپتاها را طوری که تا کنون تصور میشد برعکس آنها با هم نزدیک میسازند.

سمودرا گوپتا (Samudragupta) اشاره میکند به دایوپوترا شاهها نو شاهی (۵۹) Daivaputra shahani shahi یک لقبی که حکمروایان کوشانی خصوصاً بقایای کوشانیها آنرا برای خود بکار بردند. ولی ما نمیتوانیم بگوئیم که دودمان سلطنتی بدون نام و نشانی برای مدت ۱۰۰ سال وجود داشته است.

بنا بر این خیلی محتمل است که خاندان کانیسکا از میان قرن

دوم تا میان قرن سوم میلادی حکومت کرده باشند و به تعقیب آن کوشا نیهای بعدی که آنها نیز در حدود ۷۰ سال حکمرانی نمود، اند و همچنین معاصر بودن حکمر وایان کوشانی با سودرا گوپتا صرف نظر از اینکه سلطنت آنها چقدر خرد نیز بود تأیید میگردد.

باستان شناسی هندی و هنر گندهارا:

باستان شناسی هندی خصوصاً کاوشهای مارشال در تا کسیلا (۴۰) عاقبت الامر مشاجره ای را که بر سر قدمت کاشیکای بر خاندان کاشیکای فیزس ها نخست از طرف کاشیکای و بعد از کاشیکای و فلیت بر اه انداخته شده بود و آنها کاشیکای را در سال ۸۰۰ ق م قرار میداد حل و فصل گردانید. گزارش سرجان مارشال شایستگی آنرا دارم و اعتبار قرار گیر دو منحصیث یک ایصله آخرین شناخته شود. سرجان مارشال میگوید مواد اولیه و عمده ای که در تعمیر ستوپه پیشوا و متعلق به کاشیکای بکار برده شده همانند تا کسیلا میباشد. در هر صورت در عهد سا کاشیکای پهلوانا آشنا بوده ولی در تعمیرات قرن دوم میلادی آنجا نمونه های همگون آن دیده میشود و علاوه بر این میکند در مانیکیا لاستوپه بزرگی که در عصر هو و شیکای بنا گردیده از هر لحاظ بان شباهت دارد.

ستون های چهار گوشه قد کوتاه و سرستونهای فاسد شده کورنتین corinthion و طبق هموار گچی در زیر ستونها و خشتهای دندانها دار هندی و امثالهم که از تعمیرات قرن دوم و سوم میلادی در تا کسیلا نمایان میشوند (۴۱) مارشال میگوید که طبقه بندی

و نوع مصالح تعمیراتی گواه بر اینست که این ستوپه ها را متعلق به قرن دوم میلادی بهنداریم. روابط و تعلقات کانیسکا با هنرگندها را (۴۲) نیز میتوان در تاریخ گذاری کانیسکا بما کمک قابل ملاحظه برساند.

قرار نظریه اشال یکبار دیگر جعبه جواهری با یک کتیبه از کانیسکا که از طرف کنو (۴۳) در سال یک تاریخ گذاری شده گرچه یقینی است ولی بایست به زوال و یاحتی بدوره اخیر هنرگندها را ارتباط داد، شود.

ما ر شال باین عقیده است که هنرگندها را تحت امپراتوری کوشانیانکشاف و توسعه نکرد. است بارنت (Barnett) معتقد است که کانیسکا با شروع هنرگندها را پیوستگی دارد.

در حالیکه سمت (۴۵) میگوید که هنرگندها را در عهد کانیسکا به

اوج کمال خود سید بنیاد اندیشه

سپوئر (spooner) و وگل (Vogel) می انگارند که دوران شگوانی این هنر پیش از اینکه کانیسکا روی کار میاید سپری شده بود فوچر (Foucher) (۴۴) میگوید که کانیسکا در میان دوره این هنر قرار داشت حال آنکه وادل (Waddel) (۴۷) بر آن متیقن نیست و برای این شک دارد که اگر طرح نا پخته داشت و کار خام کار یگر سکه ها و جعبه و جواهرات کانیسکا قرار یکه سمت دریا فته در نظر گرفته شود.

ما نمیتوانیم پایه ستون هشت نفرو پایه ستون لوریان

(Loriyan) و مجسمه هریتی (Hariti) را در شکر دره که این همه کتیبه های دارند که بترتیب در سالهای ۳۱۸-۳۸۳ و ۳۹۹ عهد قدیم تاریخ گذاری شده در نظر بگیریم اینها همه در طرح و سبک خود خوب اند. ما میتوانیم فرض کنیم که براساس جواهرات یکبار از لحاظ هنر در سطح خیلی پائین قرار دارد و مسکوکات کوشانی که نسبت به دودمان های حاکمه یونانی و پارتی قبلی شمال غربی بدترانه این هنر در حال انحطاط و بعد از کوشانیها بار دیگر احیا گردیده است. این مشکل است که سنه کانیشکا و تعلق او را با هنر گندها را بطور یقینی و صریح تعیین کنیم نمیتوانیم که راجع به جعبه ای جوهرات یکبار از اشیای مختلف ساخته شده قضایات نماییم. چنین برمی آید که کانیشکا در دوران شگوفانی هنر گندها را قرار داشته نه در دوران زوال و انحطاط آن

کاوشها در بگرام و سایر نقاط:

کاوشها در بگرام (۶۸) کا پیسای قدیم در افغانستان در سال های ۱۹۳۷-۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ م توسط هاکن Hackin آغاز گردید و پسان در سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۲ حقایقیکد در نتیجه کاوشهای گرشن ghirshman بدست آمده برای تعیین سنه کانیشکا ارزش زیادی دارد. این دانشمند فرانسوی از سه طبقه گزارش میدهد. طبقه اول یا قدیمترین متعلق به دوره ای قبل از کوشانیها میگردد زیرا مسکوکاتیکه درین مرحله بدست آمده شامل مسکوکات فرمانروایان شاخه سها لیریزس spalirises گریکو باختری دیگر دداز قبیل

یوکرآتید (Eucratides) و منا ندر (Menander) هلیو کلس (Heliocls) اپوآودوئس (Apollodotus) و هرما یوس (Hermaeus) .

و نیز شاه مل مسکوکات شاهان از گروه پستی پارتی Scytho—Parthion ازبس (Azes) گاندو فرنس و ابادگاسیس (Abadagasis) میشود و همچنین مسکوکات دوفرمانروای اول کوشان کجولاکاند آیزس و ویما کاندیزس را نیز در بر میگیرد .

طبقه دوم حاوی مسکوکات کانیسکا هویشکار و اسود یو امیا شد . مسکوکات فرمانروای آخر این مرحله با فتوحات شاهپور که کتیبه او بر دیوار کعبه زردشت یا مقبره زردشت نزدیک پرسپولیس در نقش رستم نقر شده همزمان میباشد .

این کتیبه بقرار نظریه مؤلف اجازه میدهد که بدون شمه پایان شهر دوم - کانیسا بگرام دودمان دوم کوشانی تعیین گردد . شاهپور اول سلطنت کوشانیها را فتح کرد و شهر پشاور و همچنین قلمرو کوشانیها را در گند و غیره اشغال نمود .

گرشمن دینویسد که بدون شبه و بطور یقین استنباط شده میتواند که شهر دوم بگرام در این گیرودار تخریب گردیده و سته آنرا میتوان بین سال جلوس شاهپور اول (۲۴۱ م) - جنگ دوم بر ضد رومن ها در (۲۵۲-۲۵۱ م) پناشته رشته سوم و آخرین مرحله مسکوکات که از شهر دوم بگرام بدست آمده اند متعلق به واسود یو آخرین فرمانروای خاندان کانیسکا میباشد .

بقرار نظریه ساوانت (Sarvant) فرانسوی (۹۶) این موضوع را یک

متن چینائی بنام سان-کوتو-چی San-kouo-teche نیز ناآید میکند که نای از یک سلطانی بنام پو-تیاو، Po-tiao میبرد که چینائی شناسان او را با واسودیوا-که در سال ۲۳۰ سفیری به چین فرستاده بود یکی میدانند و این همان شخصی است که از طرف موسس Moses ارمنی بنام ریهدادجان Vehsadjan سلطان کوشانیها ذکر شده است. و درین جای شك و شبهه نمی ماند که نام این همه سه منبع از یک نفر یعنی از واسودیوا گپ میزنند بنا بر این انجام و پایان کار این خاندان کوشانی که نیشکارا میتوان بین ۲۴۰ و ۲۵۰ میلادی قرار داد. چون سند آخرین واسودیوادر سال ۹۸ سنه گذاری شاه پس جلوس کاشکارا میتوان بین سالهای ۱۰۲ و ۱۰۴ م دانست. در یک مقاله بعدی خود گرشمن درین مورد کمی به صراحت گپ میزند (۷۰) و میگوید که جلوس کاشکارا سال ۲۰۱ عهده قدیم که از ۷۰۴ م) آغاز یافت با یست شمرد. و اگر اینطور شود پس این سنه به سال ۱۰۴ م تصادف و انطباق میکند.

گرشمن اظهار نظر میکند (۷۱) که اگر کسی از پاروپامیزاد به باختر و ناسغدیانه بر دازشش نقطه مهم تاریخی عبور میکند که بلا شك از لحاظ باستانی و سکه شناسی يك وحدتی بین آنها محسوس خواهد کرد آن نقاط ازین قبیل اند.

بگرام سرخ کوتل قلع، مرگی و بد kai-kobeed (کابلای کی قباد) ایرتام و ترمز (Airtam-termez) و تالی و زو (Tali-Barzoo) نزد يك سمرقند در هر یکی ازین نقاط تاریخی شهر (یا معبد) کوشانیهای بزرگ

با تخریب گردیده و یا در زیر توپ‌های خاکستر مرده و نا پدید گشته اند. ولی بعد از شهری شدن مدت زمان کوتاهی شهر با ر د یگر احیا گردیده و شهر دیگری برخوابه های آن (بجز درایر تام تره که در عهد دود ما نسوم و یا آخرین کوشانی ترک داد شد) سر برافراشته اند اگر شکست و ریخت و سقوط و بعد سرخ کو تل و گرد و نواح آن در نتیجه فتوحات ارد شیر اول پنداشته شود تخریب نقاد یگرد ر جنوب هندو کش چون بگرام و در شمال (اکسوس - در سغدیا نا) با یست از درک واقعیات تاریخی ای که در کتیبه کعبه زردشت شاهپور اول داده شده استنباط نمود.

ادهراتوری کوشا نیها برا اثر فشا رسا سا نیها که در دور ان ارد شیر اول آغا زود ر زمان شاهپور اول پایانیافت یعنی در مدت (۲۰) سال سقوط نمود را جع به سقوط ادهراتوری کوشا نیها و نوسه نفوذ سا سا نیها معلومات دنا بع کتیبه شناسی ایران نیز از طرف اسنادار کیا او جیکی در تمام ساحات نا ئید می گردد. بعضی از دانشمندان برگزارش گرشمن که میگوید بگرام از طرف شاهپور گشوده شده است انتقاد میکنند و می گوید که او شاهپور نبوده بلکه ارد شیر بوده است (۷۲) و دوم اینکه پوتیو (Po-tiao) سال ۲۳ م تا بع چینی شاید که با واسود یوای دوم از خاندان کوشانی های بعدی یکی بوده باشد.

اینها دو نکته مهم می باشد جره است بین دانشمندان اگر نظریه گرشمن پذیرفته شود پس کاشیکام تا ر یخ سال ۱۴۱۴ م بر تخت جلوس کرده است.

ما قبل از کرده ایم ۷۳ برای آنکه از يك تصا دم بین کا نیشکا ورو درادامن جلو گیری کرده با شیم ورو درادامن که سال ۷۴ عهد ما کا ۱۵۰ میجا شد یعنی بوده و درینصورت کا نیشکا بعد تر در پنج دوم قرن دوم میلادی قرار میگردد.

و موقعیت واسمشکا (Vasishka) که ما او را متعلق به خاندان بعدی کوشا نیها میدانیم نیز واضح خواهد شد بدون اینکه تصا دم او با حکمر و ایان ما کا بر سر نواحی ملو امکن پنداشته شبود. این نکته را ما بعدا بتفصیل مورد بحث قرار خواهیم داد و برای فعلا باید بگویم که دانشمندان غربی توافق نظر دارند که کا نیشکا را در قرن دوم میلادی قرار دهند حالا نکه مورخان هندی بطور عموم درین مورد از احتیاط زیاد کار میگیرند. مشکل است کسی بتواند باصو رشک متکی و پابرجا باشد. ولی پهلوی هم قرار دادن حقایق و شواهد و ارزیابی آنها ممکن است انسان را درین مورد به حقایق برساند و یا نه و یا نه سازد. ما هنوز معلوم است نجومی دانشمندان را درین مورد و همچنان عنعنات چینیائی و تذکرات منابع بعدی راجع به کا نیشکا را قابل اعتنا و ملاحظه میننداریم.

اطلاعات نجومی:

اطلاعات نجومی از بعضی از اسناد زمان کا نیشکا از طرف بعضی از دانشمندان چه هندی و چه غربی مورد مذاقه قرار گرفته است (۷۴) ولی بدون اینکه بکدام نتیجه برسند.

سن گوپتا P.C. Sengupta. هزس خود را باین محاسبات وقف نمود

بقرار نظریه او عهد کانیسکا (۷۵) از ۲۵ دسامبر سال ۷۹۰ و یا از سال دوم عهد ساکا آغاز گردیده که این نظریه تمام شرایط و حالا تمکه از اطلاعات کتیبه های خروشتی گروپ بی ستون کتو بیر و ن آمده قانع کننده میباشد.

او علاوه میکند که کانیسکا در آغاز عهد ساکا میزیست رامیه وارست که تمام مؤرخان خوب آنرا تأیید خواهند کرد. همان اطلاعات قبلا از طرف موکرجی D. N. Mukharjee (۷۶) نیز بکار رفته و با این نتیجه رسیده بود که عهد کوشانی با کانیسکا آغاز یافته با است با سال ۷۰ ق م عهد ویکراما یکی پنداشته شود. طوریکه میبینیم این هر دو عین اطلاعات را بکار برده اند و درین صورت چگونگی میتوانیم این دو نظریه متفاوت و متضاد را با هم آشتی دهیم این شایسته نیست که کسی یک نظریه را بر روی اطلاعات محض نجومی ارائه دهد و همچنین این حادثه عجیب بعد از چندین سال دوزدن باردیگر بوقوع پیوسته است.

درین مورد بد نیست چندی از شوترا های Sutras پانینی را از اشتادهای Ashtadhyayi در اینجا نقل کنیم.

شوترا اول چنین میگویی: «سامین پورتا ماسی ایتی ۲ - ۲ - ۳ Sasmin Purnamasiti این جمله چنین شرح میدهد که ماه پوشا Pousha آنست که در آن پوشیا نا کشا ترا Pushya Nakshtra برما کامل حتما می افتد این حادثه هر سال بوقوع می پیوندد. نام گذاری ماه براساس تا کشا ترای بالای ماه کاهل نیز در مورد چیترا Chaitra

کاملاً صدق میکند ولی بهر حال اطلاعات نجومی به سختی میتوان یافت
درین مورد اندک کمکی برساند.

ستین کنو به همکاری وان - وچک Vanwijk به حسابات نجومی
پرداخت و کوشید که سال اول عهد قدیم ساکا را تعیین کند ولی
نتیجه قانع کننده نگرفت و این کار در مورد تعیین سال اول
کانیشکا بر اساس اطلاعات نجومی اسناد عهد کانیشکا نیز خیلی
دشواری بی نتیجه است زیرا شواهد غیر قابل اعتماداند.

منابع چینائی :

دربار کانیشکاستر لیوی M. Levi اطلاعات ارزشمندی را از متون
چینائی جمع آوری کرده است (۷۷) کالپاناما ندیتی کا Kalpanama nditika
کومارا لاتا (Kumara lata) در ترجمه چینائی آن که محتملاً بعد از فرما
نروا بی کانیشکا تالیف شده باشد درخا ندان کیوشا (Kiu-sha) اشاره
میکند به چن تان نی چا (Chen-tan-ni-cha) که او تونگ تین چو
(Tung-Tien-cho) را فتح کرده و مملکت را مطیع خود ساخته و
بقرار نظریه هو بر (Huber) ولیوی این کشور عبارت بود از هندو شرقی
شهرت فرمانروا به پیمانده وسیع بهر طرف یعنی بود و عاقبت الامر او را
را هیکه از سرزمین وسیع و هموار میگذشت به کشور خود مراجعت نمود.
ما قبلاً راجع به یکی بودن چین تان (chen-tan) با چا ندانا
(chandana) که یک نام قدیمی است برای ختن بر اساس
نظریات سارات چنداناس (sarat chand das) صحبت کردیم.
ستین کنو این گزارش را با گزارش مهاراجا کاننی کانلی کا

کوشانی عبارت بوده از کانیشکا و تمام این واقعات در سال ۹۰ م
بوقوع پیوسته اند.

(۸۲) ولی ما این پهلوی از روابط کوشانی چینائی را به و بها
کادلیزس نسبت داده ایم و این باره از شواهدی بر سنوات کانیشکا
روشنی می‌اندازد و نه اها نئی به امپراتور کوشانی از آن استنباط
میشود اینکه می‌شنویم (۸۳) که کانیشکا تمام ولایات همسایه خود
را تحت قیادت خود در آورد و مردمان ممالک دور را به اطاعت خود
و داشت و از نقاطیکه او بر اثر توجه استثنائی و مهربانی و دلجوئی
خود آنها را بخود جلب کرده بود از آنها تحفه‌ها و بر غمل‌ها
بدر بارش می‌رسید اینهمه عکس آگزارشایست که قبلاً شنیده بودیم
کز اوشهای هیرون تسنگ Hiven—Tsang در مورد قدرت و وسعت امپراتوری
کانیشکا نسبتاً معتبر پنداشته میشود.

ولی حتی او هم نمیتواند در باره تعیین سنه کانیشکا بصراحت
چیزی بگوید و لوی از يك منبع چینائی بنام (Fa-tsang-yinyuan-chuan)
نقل قول میکند که در آن يك روایتی گزارش یافته که میگردد
کانیشکا در ضمن يك لشکر کشی بطرف شمال بقتل رسید.

۸۴ - پروفیسور لوهو یزن - دی - لیوو (۸۵) می‌پندارد که این لشکر
کشی همان است که از طرف پان - جاوگزاوش داده شده و چنین يك
السانه از طرف هیون تسانگ نیز گزارش یافته است.

اچ سی گهوش (H.C.ghesh) توجه ما را به يك گزارش معطوف میدارد
که در متون دوازده گانه چینائی ثبت شده و توسط ماسپرو (Maspero)
ترجمه گردیده است در این گزارش گفته میشود که امپراتور مینگ

(Ming) بود او در خواست بدو و متعاقبا سفیری به هند فرستاد که این واقعه ضرور باید بین سالهای ۱۴ و ۷۵ رخ داده باشد. کانشیکا درین متون بنظر نمیخورد بقرار نظریه او منظور از پادشاهی تا - یوچی (Ta-yueh-Chi) یقینا کانشیکا نیست :

متون بودائی هیچگاه این فرصت را از دست نداده بود که نام امپراتور بزرگ را در مورد ورود رسمی بودیزم در چین ذکر نکند یعنی آن متون حتما نام آن امپراتور بزرگ را ثبت میکرد اشاره آخرین در سان - کو - چی (san-kuo-chih) بخش وی - چی (wei-chi) فصل سوم صفحه سوم راجع به پوتیو (Fo-tiao) است که او سفیری را در سال ۲۳ به امپراتور چین فرستاد و در قبایل آن لقب پادشاه تا - یوچی را دریافت بقرار نظریه چاوئیس (۸۷) پو - تیاو و بوجه احسن به واسود هوا - تعبیر شده میتواند و اگر چنین باشد این ممکن خواهد شد که شروع سنده همد کانشیکا در حدود سالهای ۱۳۰ و ۱۷۰ م یقین شود (۸۸) گرشن این پاره از شواهد را در تعیین همد کانشیکا در سال ۱۴۱ م خیلی معتبر میشمارد (۸۹) آنها يك کانشیکا را با عهد ساکا در سال ۷۸ م مربوط میدانند این حکمروا را عبارت از واسود هوا دوم از خاندان بعدی کوشانی می پندارند .

۹ - با نکای این نکته ممکن است قدرت و شجاعت و وسعت امپراتوری کوشانیهای بعدی تا ئید گردد .

به استثنائی تا ئید همد مسکوکات موجودیت این حکمروا مورد شك و تردید قرار نمیگیرد . بقرار نظریه گرشن آخرین سکه ها ئیکه

از بگرام بدست آمده متعلق به واسو دیوای اول میباشد ۹۱ ما معتقد هستیم که این حکمروا از سلسله حکمروایان کوشانی خاندان کانیشکا شخص سوم بوده که این ۹۷ و ۹۸ حکومت کرده است.

۹۲- اودرین منبع چیمائی بنام تافه یوجی ذکر شده زیرا تمام قبایل بشمول کوی شوانگ که خود از نژاد یوجی محسوب نمیگردید بعد از آنکه با اقوام تایوجی بطرف غرب شبیه همدیگر گردیدند باین اسم نامید، میشدند.

يك مرور مختصر :

ما اطلاعاتی را که به کوشانیها و خصوصا بدسته کانیشکا ارتباط میگرفت از تمام منابع در دست داشته مورد بحث و توجه قرار دادیم دانشمندان نتوانستند براین نکته بکدام توافقی برسند. متاسفانه چیزی نازه بدست نیامد و این تنها يك ارزیابی و آزمایش مجددی بود که از منابع معلوم کردیم دانشمندان غربی به استثنای بعضی ها متماایل اند که کانیشکا را در قرن دوم میلادی قرار دهند.

و اکثر دانشمندان هندی البته به استثنای چند نفر، متماایل اند که درین مورد محتاط باشند و با (کانیشکا) که مدت بدهند بدین مفهوم که عهد ۷۸ م را او تاسیس نموده است.

استدلال مهم آنها حاکی بر اینست که مادر قرن دوم میلادی کدام عهدی را سراغ نداریم و هکنذا تصادم کانیشکا با رودرادا من کدکتهیه جونا گاه (Junagah) ثبت شده يك حقیقتی بود که از آن چشم پوشید، شودت

هرگاه چنین پنداشته شود که هر دوی شان کم و بیش معاصر هم دیگر بوده اند. وویما کاد فیزس که جا نیشن پدر هشتاد ساله خود شده ممکن نیست برای يك مدت درازی حکمروایی کرد، اشد و يك دوره بین سالهای ۷۸۹۶ م برای او کافیت و کانیشکا متصلان نشین او گردیده است (تا جا نیکه به - پو - تیا و Po-Tiao) ارتباط میگیرد توضیح داده شده که او از واسو دیوای دوم يك حکمروای بعدی کوشانی میباید شد.

از طرف دیگر بخوبی فرض شده میتواند که عهد کانیشکا شاید که تنها يك عهد سلطنتی بوده است و غالباً در صورت وجود صد ساله و این که از طرف حکمروایان بعدی کوشانی ادامه یافته است. ما کدام گزارشی از اسناد کانیشکا و جانشینان او درین سده رقم نیافتیم علاوه تا یک دوره ۱ سال برای وویما کاد فیزس خیلی ناچیز است. در حقیقت به گزارش غیر مستقیم کتیبه سال ۳۳ تا کسیرا شواهد دیگری در دست نیست. که به موجب آن حکمروای کوشانی را با القاب مهاراجا - راجا - تی راجا - دیوا پوترا تنها عبارت از وویما بدانیم نه پدر او که جولان گذشته از آن این غیر ممکن نیست که پسر این مرد هشتاد ساله يك مرد جوانی بین سنین ۳۰ و ۳۵ بوده باشد که او نیز مانند پدر خود مدت درازی عمر کرده است.

تصادف کانیشکا بارودرا دامن ضرور نیست يك واقعیت باشد اگر کانیشکا در حدود سال ۳۴۱ م قرار داده شود، در آن صورت از سنند علیا رایج از مرکز حکمروای ما کانی فتح نموده است.

تسلط کوشانیها بر مالوا خصوصاً در پرتو کتیبه سال ۲۸۸ سانشچی
 متعلق به واسیشکا شاید يك واقعه باشد مربوط به کوشانیهای بعدی در
 منابع چینائی اشاره به پوتیا و باواسود یوای اول که مسکوکات
 اواز بگرام بدست آمده تطابق میکند حکمرانان بعدی کوشانی نه
 آنقدر مهم بودند و هم امپراتوری شان آنقدر وسیع بود که ارجاب
 يك اتحاد را به وي (Wei) کند. مادر موقعیت مصئونى قرار داریم
 که کانیشکا و خاندان او را از میانه قرن دوم میلادی به میانه قرن
 سوم میلادی قرار می دهیم که به تعقیب آنها کوشانیهای بعدی که
 با گوپتاهاى نخستین معاصر بودند و یکبار می آیند. طوریکه از کتیبه
 ستون اله آباد متعلق به سمود را گوپتا از کلمات دیواپوترا - شاهی -
 شاهانو شاهی Daivaputra shahi Shanushahi که در آن یکبار گرفته
 پیدا است و این اسکا نات وجود يك دوره تاریک را بین کوشانیها و گوپتاها
 از بین خواهد برد.

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲

کانیشکا و هند شرقی :

چنین برمی آید که امپراتوری کانیشکا تا به شرق سرنات (۳۹۰)
 جاییکه از آن کتیبه ها می بدست آمده که در آن از هدایا می
 فریر بلا (Friar Bala) گزارش داده شده توسعه یافته بود اشاره ای که
 به کشا تراپاواناسپاره Vanaspara و مها کشاتراپا کهراپالانا
 Kharapallana بعمل آمده از آن چنین استنباط میشود که سرنات -

نوت - شماره ۳۹ در اصل متن وجود ندارد.

و از اناسی با بیست مرکز ولایتی دول شرقی امپراتوری او بوده باشد و این طبیعی است که این مرکز اداری با بیست درمحل قرار میداشت تا به کنج و کنار امپراتوری او رسیدگی کرده می توانست امپراتوری کوشانی تحت اثر کانشیکا تا به بهار توسعه یافته بود و این واقعیت از مسکوکات مختلفی که ازین فرمانروا و جانشینان او درین ناحیه بدست آمد، آشکار میگردد. (۹۵) ما قبلا به ترجمه چینائی سری دهسار ما پیتا کائیداناسوتا Sridharmapitatanidanasuta که در سال ۷۲۷م صورت گرفته اشاره کردیم. (۹۶) که چین تان کیانسی چا (Chen—t'an—Kia—ni—Ch'a) پادشاه پوتالی پوترا را شکست میدهد و از او تقاضای غرامت کلانی را میکند ولی موافقه کرده که در بدل غرامت اسوا گرشا و کاسه خیرات بودا و خروسی را بپذیرد و اظهار نظر کردید که فتوحات شرق در زندگانی کانشیکا يك نقطه عطف بود که توسط صاحب خود اسوا گوشا در بودیزم فرو رفت و آنرا نقویه و گسترش بیشتری بخشید. تسلط کوشانیها بر بهار که از طرف کانشیکا آغاز گردید از روی مسکوکاتی که بدست آمده تأیید میگردد. سپو نسر (Spooner) در ضمن کاوشهای خود در پوتالی پوترا مسکوکات زیادی را دریافت نمود. (۹۷) که اصل مبداء آنها تا به اسورا Asura در ناحیه رانچی Ranchi گسترش یافته است. دوسکه از يك زمین زراعتی درحالی بدست آمد که زمین قلعه و شخم زده میشد (۹۸) سه عدد سکه کوشانی در بنگال نیز پیدا شده بود (۹۹) درحالیکه سکه های طلائی کانشیکا از تملوک Tamluk و مهاستانا Mahastana که نواحی این در تامرا لیپتی (Tamralipti) و پیوند راوار دهانسه

(Pundravardhana) قدیم بدست آمد طوریکه از صفحه بودهگاها (Budhgaya) برمیآید تسلط کوشانیها بر بهار تاعهد و ویشکا ادامه داشته است. (۱۰۰)

اینکه پیش از تسلط کوشانیها کدام سلطان و یا کدام قوم بر این سرزمین حکم میراند بطلموس (Ptolemy) به یک قومی اشاره میکند (۱۰۱) که ماروندای (Maroundai) نامیده میشد که بطرف چپ رود گنگا در ناحیه جنوبی گرا و در قسمت بالایی دلتا زندگی میکردند. سیلوین لوی این مردم را با مورونداها (Murundas) که آنها با مردمان سیقی و یا کوشانی بوده اند که چنانچه آنها را مولون Maolun میگویند یکی میداند.

بقرار نظریه آلن (Allen) (۱۰۳) که میگوید ما شواهد زیادی در دست داریم که نشان میدهند در قرون اولی همد مسیح سلطنت موروندا خیلی بر قدرت بود و قسمت بزرگ وادی گنگا را احتوا میکرد و دودمان سلطنتی آن خارجی بود مورونداها شاهان خارجی بوده اند که وادی گنگا را احتوا میکرد ولی این مشکل است که حکمروای آنها را بشناسیم در کتیبه زدها (Zeda) لقب مرو داسا مارجهاکاسا (Murodasa MarjhaKasa) برای کانیشکا بکار برده شده است.

درین صورت ممکن است گفته شود که کانیشکا این لقب را بعد از شکست دادن مورونداها و گشودن بهار بکار برده است این فرضیه یقینی و مطلق نخواهد بود ولی فتح بهار یک امر واقعی است، این مشکل

است که وسعت امپراتوری کوشا نیاها را در شرق و جنوب شرق تعیین و تشخیص نمود. بوس (Bose) در يك مقاله خود تحت عنوان مسكوكات كوشا نیا ای پوری (Puri) مینویسد (م. ۱۰۰) این مسكوكات از طرف آن قبایلی از شعبات كوشانی مروند انتشار یافته که قبلاً حکمرانان بهار بوده اند ولی در نتیجه ای توسعه حکمرانی کویتا مجبور شدند که به چوتانا گپور (Chota Nagpur) و دیگر نواحی جنگلی مانند مانهوم (Mandhum) و اسورا (Asura) و غیره جاها نیکه این مسكوكات از آنجا بدست آمده اند پناهنده شوند. یکی وعین چیز پنداشتن مرونداها با کوشا نیاها مورد سوال واقع میگردد. ولی اینکه مرونداها بر اثر توسعه حکمرانی کویتا به مهاجرت از وطن اصلی خود مجبور ساخته شده باشند شاید راست باشد. و احتمال دارد تاثير كوشا نیاها بر مسكوكات معلی در نتیجه نفوذ حکومت كوشا نیاها در آن نقاط بوده باشد.

کانشکا و آسیای مرکزی:

ما قبلاً نقشه فتوحات کانشکا را بر اساس اسنادیکه سنه گذاری شده و بدست آمده به آگاهی رساندیم متین کتوا ظهار عقیده میکنند (۱۰۵) که کانشکا نخست سرزمین وادی گنگا رگت و بعد در راه بازگشت بوطن اصلی خود غالباً ختن جایکه او و جانشین وی بهیثری بهیث فرماقروا بر تمام امپراتوری بر سمیت شفاخته شده بود بطرف غرب خط میر اولی خود را تعقیب نموده بقرار گزارش هیون تسانگ (۱۰۶) کانشکا توسط لشکر بزرگ خود بر یک سرزمین وسیعی حتی تا به نواحی شرقی کوههای غونگک لینگ (Tsung Ling) حکمرانان

میکرد او (هیون تسانگ) از شهزادگان آسیای مرکزی امپراتور کوشانی آنها را بحیث پرغمل نزد خود نگهداشته بود نیز سخن میگوید درین مورد پروفیسر بیلن (Bailey) روشنی تازه انداخته است و یک کتیبه ختن را بررسی نموده و در باره یک پادشاهی بنام چند را کانیشکا از سلطنت بهلاکا (Bahlaka) موادقا بل ملاحظه بدست آورده است.

او گزارش میدهد که در آن وقت و در آن سلطنت در تخارستان درخاندان فرمانروایان امپراتوری یک پادشاه دلاور و مستوده و هوشیاری از جمیع دودها (Jambudvipa) بنام چند را کانیشکا با بعرضه وجود گذاشت (۱۰۷) گرچه مشکل است که براساس شواهد همنام بودن یک نظریه قطعی قایل گردیم ولی اینکه امپراتوری کانیشکا تا به بلخ و ختن وسعت داشت جای برای شک و تردید باقی نمیگذارد (۱۰۸) گزارش دربار یک مالک الرقاب و خان و کهراسالیرا (Kharasalera) در عهد هوویکشا که از ماتهورا (Mathora) دیدن میکنند و وفودهای دایمی را در آنجا تأسیس میکنند دال بر اینست که کوشانیها در آن ناحیه مسلط بودند را جمع به فتوحات هوویکشا معلوماتی در دست نیست گرچه اسناد اواز وردک (۳ میل بطرف غرب کانل) یافت شده و راجا ترا نیگینی (Rajatrangini) (۱۰۹) نیز تسلط او را بر کشمیر ذکر میکنند. و این نواحی را شاید که او بحیث وارث پدر تصاحب کرده باشد.

دکتر مجومدار (Dr. Majumdar) چنتان کانیشکا (Chentar Kanishka) را با چندار که در کتیبه ستوی مهرولی Mehrauli از آن ذکر شده یکی

وعین شخصی میدادند (۱۱۰) لیکن زیادوار نیست، ما براساس شواهد در دست داشته میخوانیم ادعا کنیم که چطور ممکن است که کانیشکا بعد از فتح کشمیر پس به سلطنت اصلی خودختن عودت نموده باشد و یا آن ناحیه حتی ما وراء آنرا طوریکه هیون تسنگ فرض کرده فتح کرده باشد.

کانیشکا و هند غربی :

فتوحات کانیشکا در هند غربی بشمول قسمت های سند، از روی کتیبه سووینها را در سال ۱۱ این عهد مشهود است. کوزه های شکسته سفالی که از مقام توردر (Tordher) واقع در وادی تل و ناحیه لورلایی در بلوچستان بدست آمده بر روی آنها نوشته های از کانیشکا دیده میشود به استناد آن ستین کنواظها را علانیه میکند که قدرت کوشانیها تحت تسلط کانیشکا و یابکی از جانشینان او بر این سرزمین گسترش یافته است و خطوط قدیمه کتیبه ها انسان را و میدارد که یولامیرا (Yolamira) که درین سنه از آن نام برده شده شاید که یک والی و یا رئیس محلی غالباً در تحت فرمانروایی کوشانیها بوده است. (۱۱۱).

اگر کانیشکا در قرن دوم میلادی در اوج قدرت خود بود چطور ممکن است که درنواحی سفلی اندوس همزمان با تسلط رودا دامن مسلط بوده باشد بعلاوه چنین یک معضله مشابیه راجع به اکارا (Akara) (دومالوای شرقی) نیز عرض وجود میکند که این منطقه از طرف هر دو رود را دامن و حکمرانای کوشانی و کانیشکا اداره میشد (۱۱۲).

در حالیکه یک عده زیادی اردانشمندان با این عقیده اند که امپراتوری کوشانی فرمایکشی تراها هاستد غربی بوده اند. (۱۱۳) هستند عده ای دیگری از دانشمندان که از انکار میورزند (۱۱۴) عبارت کتیبه جو ناگر (Junagarh) موافقت رود را دامن را بهیث یک سلطان مطلق

و مستقل باز گو میکنند. (Mahakshatrapanamana— Svayam— admigata) این مطلب راحتی آن عده از دانشمندانیکه او را با کاشیکا معاصر میدانند برافته اند (۱۱۵) آنها میگویند که وی یکمال غرور ازین حرف میزند که مقامها کشتا تراها را خود بدست آورده است درین جا سوالی عرض و جو د میکند که از طرف چه کسی میتوان یکمال اطمینان خاطر توضیح نمود که او بر سمیت شناختن خود را از طرف کوشانی های بزرگ غافلها کاشیکا دریا فته است ؟ !

معاصر بودن کاشیکا با رود را دامن و اینکه رود را دامن از استقلال مطلق بر خوردار بوده سوالی را به میان میآورد که چطور ممکن است قلمروهای هردوی آنها در نقاط غربی و سبند با هم دیگر متداخل بوده باشند بقرار نظریه رای چودری H. C. Raychaudhary (۱۱۶) تسلط رود را دامن بر سبند هندو ساووها (Sauvira) بصورت واضح آشتی ناپذیر است با تسلط همزمان کاشیکا بران منطقه سویوههارا این منطقه ضرور باید تحت کنترل رود را دامن بوده باشد اگر تسلط او را بر سبند هووما رو (Maru) و تصادم او را با یادهیا های وار (Yaudheyas of Johiyawar) هر نظر گرفته شود.

در حالیکه رای چودری این واقعیت را بعیت يك شاهد قوی بر ضد قرار دادن کاشیکاکا در قرن دوم ق م و معاصر رود را دا من میآورد این يك واقعیت آشکار است که تسلط کاشیکاکا بر سودها را تا به سده در زمانیکه رود را دا من نبود گسترش یافته بود این مسئله در همین زمان مسئله مربوط به تسلط و اشیکاکا را بر سال نهی در سال ۲۸ قلمروی رود را دا من را در اکارا Akara (در مالوای شرقی) نیز حل و فصل میکند.

صرف نظر از این گسترش امپراتوری کوشان در جنوب غربی به استناد بعضی منابع که مورد توجه سلوینی سیوی قرار گرفته، تأیید و توجیه میگردد (۱۱۷) او شواهدی را در باره توسعه نفوذ کوشانیها در جنوب اقامه میکند و تونگه لی Tung-li تاریخی بعدی چینائی را که مولف ازان در سال ۱۱۸۰ م نام برده ولی واقعات قبل از ۱۷۰ و اثبات نموده با سرزمین اورا ویدینها Oravidian یکی میداند بقرار نظریه توماس (۱۱۸) در زمینه تشخیص و تعیین سرزمین تونگه لی اسناد و شواهدی در دست نیست این منطقه در جنوب هند واقع بوده و تعیین شده اشغال آن توسط کوشانیها نیز بطور یقینی ممکن نیست.

تاجائیکه بروابط کاشانیها با کونامی پوترا و رود را دا من (که بدون شك با کوشانیها معاصر بوده) تعلق میگیرد، اسناد و شواهد کافی در دست نیست ولی گفته میشود کونامی پوترا خود و خود یعنی کشا تراها را با پمال نمود او که ساکاها یا واناها و پهلواها را به تباهی کشید او که خاندان خاها را تا Khaharata

را از بنیاد بر کند، از او که عظمت و دبد به نژاد ساتاواها نا Satavahana را برای شان برگردانید هیچگاه از کوشانیها و با تغارها خبری نداشت بنا بر این ماسیتوانیم فرض کنیم که گو تامی پوترا از لحاظ نژادی بین کوشانیها و ساتاواها که او تنها بانها در حال زدو خورد بود تمیز و تفاوتی را قایل نبود در باره رودرادامن میتوان يك توضیح متمایزی را ارائه نمود برای او بحیث يك حکمران هندو شده خوش آیند نبود که راجع به آنها به اندازه ای که ترفیع خود را بمقام مها کشا ترا پالازم میدانست بوضاحت چیزی بگوید.

جانشینان او که سرزمین تسلط شان کوشانیها و قدرتهای دکن را از همدا یگر جدا میساخت و حائل تصادم آنها میگردید شاید که از طرف کوشانیها آنقدر تحت فشار نیامده، و از مداخلات کوشانیها تجربه بیانی نه اندوخته بودند.

بی علاقمنند بودن مداوم مردم هند غربی و جنوبی در مورد آنچه که در شمال رخ میداد ممکن است سبب اصلی کمبود ویا نبودن شواهد راجع به کوشانیها بوده باشد (۱۱۹) ما اظهار عقیده میکنیم که کانیشکا شاید معاصرو رودرادامن که قلمرو او تا به سندھ و ماویرا منی رسید نبوده است و این تنها بعد از مرگ او بود که امپراتور کوشانی ناحیه سوویهار Suivihar را ضمیمه نموده و قلمرو خود را بطرف جنوب گسترش داده است.

بگمان غالب یولامیرا (Yola—Mira) مذکور در کتیبه توژد هیرای Tordherai شاید که بحیث ساتراپ تحت اثر امپراتور

کوشانی بوده باشد طوریکه ستین کنواظهار عقیده کرده است . بنا بر این سوال تصادم کانیشکا با رودرادامن بر سر سند هوسو ویرا در میان نمی آید . چنین استنباط میشود که انتخاب لقب مهاکشا تراپا نشانده ایست که او حیثیت یک سلطان مطلق و مستقل داشته که این حیثیت را مردم از هر گروه برای او داده بودند ، واو وده کرده بود که آنرا حفظ کند .

اعطای این قیومیت از طرف مردم این احتمال را از بین میبرد که او (رود را دامن) تحت اثر کانیشکا بوده باشد . تعیین و تشخیص حدود قسمت های غربی و جنوب غربی امپراتوری کانیشکا مشکل است ولی این بکلی واضح است که او (کانیشکا) یک قسمت قابل ملاحظه ای از قلمرو سلطنت رود را دامن را در شمال غرب بعد از مرگ او تصاحب کرده باشد . این مسئله با چوکات کرو نولوجیکی ما نیز تطابق میکند که جلوس کانیشکا را در حدود سال ۱۴۱۱ م قرار میدهند .

کانیشکا و کشاتراپاهای او:

اسناد کتیبه شناسی بر طرز اداره امپراتوری وسیع کانیشکا روشنی قابل ملاحظه می اندازد . در باره سیستم اداری ولایتی و محلی کوشانیها در یک فصل دیگر بطور مفصل صحبت خواهیم کرد و در اینجا ما تنها از آن روسای ولایات صحبت می کنیم که در اسناد کوشانیها به بحث کشاتراپاها و مهاکشا تراپاها شناخته شده اند . کتیبه سرن (۱۲۰) که از اهداو و وقف فریه بالا (Friar Bala) گزارش میدهد از وانا ساپارا (Vanasapara) به بحث کشاتراپا و از خراپا لانا

(Kharapallana) بحیث مها کشا تراپا ذکر میکند که هر دو دوسر نت بودند. این مشکل است که در يك واحد اداری قدرت هر دو را تشخیص و تعریف و توضیح کنیم چون در آنجا راجع به مها کشا تراپا کدام مأخذ دیگری وجود ندارد ممکن است پیدا شده شود که خرپالانا (Kharapallana) متصدی اداره قلمروی شرقی امپراتوری کوشانی کانیشکا غالباً نایب اودرما تهورا بوده است. او خود شا هد به آنجا رفته با شد و یا هد به دهته تر جیح داده است که نام از را نیز ذکر کند. در کتیبه های کوشانی عهد کانیشکا از نامهای چندین کشا تراپاها ذکر گرفته است.

مثلاً کتیبه زیدا (Zeda) (۱۲۱) از لیاکا (Liaka) و کتیبه مانیکیالا (Manikiala) (۱۲۲) از وِساپاسی (Vesapasi) و کتیبه جعبه ای جواهرات مانیکیالا (۱۲۳) از نام کشا تراپای کاپیسا نام میبرد. کشا تراپای کاپیسا پسر کشا تراپا گرانافا و هراسا کاسا (Granavhryaka) بود چنین برمیآید که تقریباً بر اساس حق مژروئی بوده است نقاطیکه این کتیبه ها و اسناد از آنجا بدست آمده نشان میدهد که کانیشکا و الیان خود را در مانیکیالا و اولهندی تحت اداره افغانستان و در کاپیسا و بگرام مستقر نموده است و این بدان معنی نیست که این نقاط به گانه واحد های اداری امپراتوری کانیشکا بوده اند و شاید چندین نقاط دیگر بحیث واحد های اداری نیز وجود داشته اند. و غالباً یکی هم در وادی اندوس دیگری در کشمیر بوده که در امپراتوری کوشانی داخل بودند.

کانیشکا و بودیزم:

گرچه کانیشکا شخصی بود که از هرجا عقیده خوبی بنظرش رسید اختیار کرد و این از تصویر خداوندان مختلف بر مسکوکات او پیداست و لی او شخصاً يك بودایی بود. او وعهد سلطنت او يك دوره شاندار است در تاریخ بودیزم بوداییان شما لی خاطر او را مثل آشوکا گرامی میداشتند در بین آنها شایع بود که این سلطان در ابتدا حامی و طرفدار مذهب شان نبود ولی سودا رسانی (Sudarsana) روحانی وسیله شد که او را به بودیزم برگرداند (۱۲۳) تنها يك تعداد بسیار کمی از مسکوکات کانیشکا دارای تصویر بوده اند و اکثریت مسکوکات او تصویر معبودان دیگری دارند.

در باره سکه هینی گرائیدن او به بودیزم شواهدی در دست نیست. ستوپه بزرگ پشاور که مورد توجه و ستایش خاص هیون تسانگ زائر مشهور چینی قرار گرفته غایباً بدست کانیشکا بنیان گذاری شده است این ستوپه در مقامی بنام (شاهجی کی دهری) که نام دو تپه بزرگ است موقعیت دارد. موقعیت آنرا کتننگهم و فوشر (Foucher) تشخیص نموده و کاوشهای سپونر در سال ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ (۱۲۵) تأیید کرده است. از یکی از اتاق های این ستوپه کلان يك جعبه زهورات بدست آمد که با سه تصویر بودای نشسته منقش گردیده و بفواصل تصویرهای از نیایش گران بران دیده میشود. تصویر دسته ای بزرگی از نیایش گران کانیشکا را نشان میدهد که بین آفتاب و مهتاب ایستاده اند در مسکوکات کانیشکا کلمات

ماو (Mao) بمعنی ماه و میرو (Miuro) بمعنی آفتاب بکار برده شده نام کانیسکا دو مرتبه ذکر شده است. و غالباً نخست با مورخه (۱۲۶) و دوم با نام ویهارای (Vihara) کتیبه از هده به سرواستیوادین ها (Sarvastivadins) گزارش میدهد این بهیمنی نیست که کانیسکا به این مدرسه تیراودین ها (Theravadins) تعلق داشته است سلوین سوی به یک روایتی متوجه شده که در آن از ارتباط کانیسکا با ملاحای بودایی همزمان خود مطالبی دارد (۱۲۷) تماس او با اسواگوشا یک امر خیلی واضح است و قبلاً به آن اشاره کرده ایم پارامارتا Paramartha یکی از اهتماهای برجسته قدیمی مذهبی بودایی وخت خود به یک (کونسل) شورای مذهبی اشاره میکند (۱۲۸) وای از کانیسکا نام نمی برد (۱۲۹) راجع به ذکر نام کانیسکا در سیرهتون بودایی قبلاً اشاره کرده ایم. مکتوب ما تری چیتا (Matrichita) به کانیکا (Kanika) یا دشا که در متون مذهبی تبتی نگهداری شده (۱۳۰) و سوترا لا مکارای (Sutra—Lamkara) اسواگوشا که قطعات اصلی سا نسکریت آن توسط مودرز بچا پرسیده و کلها ما ند هتیکای (Kalpanamanditika)

کومارالا تا (Kumaralata) و دریشتا نتا یا نکى Drishtantapankti

اسواگوشا و دوگز ارشد دیگر که در (Notes Surles) ترجمه شده.

کانیسکارا برای ما می نما یا ند (۱۳۱) ما در نظر نداریم که در

اینجا راجع به شورای چهارم مذهبی بودایی که در عهد کا نیشکا در کووانای (Kuvana) جلندروا در کندالانا (Kundalavana) کشمیر دایر گردیده بود و از رول آن در انکشاف و توسعه افکار و ادیان مذهبی بودایی سخن بگویم این کار را بعدا خواهیم کرد.

پایان فرما نروایی کا نیشکا و جانشینان او

بطور عمومی پنداشته شده است که کا نیشکا تا به سال ۲۳۳ عهده خودش حکومت کرده و بعد از وی پسر بزرگش واسیشکا بر تخت نشسته که برای چهار سال یعنی از ۲۳ تا ۲۸ (۱۳۲) حکم رانده و بعد از او هوویشکا بر جایش نشسته. بدبختانه تا کنون هیچ سکه از هوویشکا بدست نیامده ولی موجودیت او بحیث یک فرما نروای کوشانی یک حقیقت مسلم است. کا نیشا ی متذکره بی کتیبه ای سال ۱۳۱ را (Ara) (۱۳۳) که پدر او و اجیشکا (Vajeshka) بود در عهد فرما نروایی هوویشکا قرار میگیرد و این موضوع معضله کرونولوجی کوشانیها را بیش از پیش پیچیده تر میسازد.

شواهد کافی در دست نیست که بموجب آن پنداشته شود که امپراتوری کا نیشکا بین واسیشکا و هوویشکا تقسیم شده طوریکه لودورزی پندارد و قسم آستین کنو آنرا تأیید کرده است.

۲۰ سال پیشتر ما اظهار نظر کرده بودیم (۱۳۳) که چنین معلوم نمیشود که واسیشکا متصلا بعد از کا نیشکار وی کار آمده باشد

بلکه اوازخاندان کوشانیهای بعدی بشمار میرود و به کانیشکای
متذکره کتیبه آرا که پدر اوست تعلق میگیرد و او نیز با یست با
واسکوشانا (Vaskushana) متذکره کتیبه ساچی سال ۲/۲ یکی پنداشته
شود. این غیر ممکن خواهد بود که يك شهزاده جوان در حیات
پدر خود حیثیت شاهانه را به خود اتخاذ نماید.

ما گفتیم که کانیشکا غالباً تا به سال ۲۸ عهد خود حکومت
کرده (۱۳۵) و بعداً هوویشکا پسرش جانشین او گردیده است.
بعضی از روایات که از طرف سیلوان سوی جمع آوری شده در
آنها از حادثاتی سخن گفته میشود مبنی بر اینکه . هوویشکا بدست
مردم خود ازین رفته است (۱۳۶) ولی ما ضرورت نداریم که به
چنین منابع از لحاظ تاریخی خیلی ارزش بدیم.

هوویشکا (Huvishka)

دوره هوویشکا غالباً از درخشا نترین دوره های تاریخ
کوشانیها محسوب میگردد. کتیبه های سال ۲۸-۳۰ که بدست آمده
و مسکوکات او که از کاپیسا تا بهار پیدا شده اند دال بر آنست که او
يك امپراتوری خیلی وسیع را از پدر به ارث برده بود و یقیناً آنرا
به کمال تمامیت و درستی حفظ کرده توانسته بود مسکوکات مختلف
طلائی و مسی اونیز گواه بر اینست که دوران امپراتوری او از
صلاح و امنیت و شکوفائی اقتصادی برخوردار بوده است. قدیم ترین
کتیبه ای که نام این حکمران را ثبت کرده است (۱۳۷) همان
کتیبه مشهور ما تهورا بوده که تاریخ آن سال ۲۸ و روز اول ماه

گور پیا (Gurppiya) ثبت گردیده است. (این نام ماه مقدونی Gorpiaios بوده که با ماه پرورش تا پادا (Proshtapada) هندی مطابقت میکند) و این یگانگی مثال شناسایی شده است که در یک کتیبه خروشتی از نام یک ماه مقدونی ذکر میشود. اهمیت این سند از یک جهت دیگر نیز آشکار است مثلاً ذکر شده است که فرما نروای واکانا (Vakana) (واخان) یا بدکشان (Badakshan) (بدخشان) از ما تهورادین کرده است و ازین استنباط میشود که قلمرو نفوذ هویشکا تا به این سرزمین ها نیز گسترش داشته است.

و این موضوع این احتمال را نیز از این بی برد طور یکه ستین کنو و اودرز گفته اقدام هراتوری کانیشکا بین واسیشکا و هویشکا تقسیم گردیده بود (۱۳۸) ستین کنو میگوید که هویشکا شاید که ناحیه واقعی کشمیر بوده باشد. طوریکه نام نخست او در گزارش کلها نا (Kalhana) راجع به حکمرانان کوشانی در کشمیر دیده میشود.

هویشکا شاید کشمیر را بحیث یک جنرال کانیشکای بزرگ گشوده باشد و بعد از مرگ کانیشکا او شاید که وایو یا نائب السلطنه در ولایت شرقی اقلا در وایل سال ۳۳ بوده است و ازین سبب بود که ملقب به دها راجا دیواپوترا گردیده بود، نه راجانی راجا که یک لقب برتر و عالیتر است. انتخاب القاب کوچک در اسناد خصوصی به معنی این نیست که دارای آن مقام و حیثیت کوچک دارد اهدا کنندگان تنها نام حکمران را می شناسند.

در کتیبه سال ۱۱ زیدای کانیشکا بسا د گی مار جها کا کانیشکا (Marjhaka Kanishka) نامیده شده است و این بدین معنی نیست که کانیشکا از مقام عالیترتبه به رتبه پائینتر تنزل داده شده است در بین اسنادیکه از عهد هوویشکا در ماتهورا برمیآمده یکی هم کتیبه سال ۱۰۰ تمثال چهارگون نا گا (Chharrgaon Naga) (۱۳۹) است که او (هوویشکا) را به القاب مهاراجا راجانی راجا-هوویشکا ذکر نموده است حال آنکه يك کتیبه دیگر متعلق به سال ۴۴ که از ماتهورا بدست آمده (۱۴۰) تنها لقب مهاراجا و يك کتیبه دیگر سال ۴۴ (۱۴۱) لقب دیوا پوترا بر نام او افزوده شده است. دو سال بعد تر در يك سند دیگر از ماتهورا (۱۴۲) چنین خوانده میشود: وقف روحانی جیوا کا (Jivaka) با شنده اصلی او دیا نا (Udiyana) به دیهارای مهاراجا راجانی راجا دیوا پوترا هوویشکا اسناد عهد این فرما نروا بلاوقفه از سال ۲۸ بعد تا به ۴۰ سنه گذاری شده اند (۱۴۳) گرچه يك کتیبه دیگر که در سال ۴۲ (۴۴) سنه گذاری شده با ارتباط با کتیبه های دیگر هوویشکا بدست آمده است.

مذهب هوویشکا:

مانند پدر خود کانیشکا - هوویشکا نیز بر مسکوکات خود تصویرهای خداوندان مختلفی را نقش بسته است. و از روی تریسیم و نمایش زیادی از معبودان بر همینزم جدید براس مسکوکات و استنباط میشود که او به بر همینزم متمایل بوده است.

علاوه بر شیو آلهه نا نا (Nana) که بر مسکوکات او کرا ر آده

میشود تصویر سکا زدا (Skanda) کومار راویسا (Kumara Visakha) و دهاسینا (Mahasena) (۱۴۵) نیز نقش بسته اند. لهذا کاراظهار عقیده میکنند که اینها شاید که چهار معبود جداگانه (۱۴۶) و یا سه خداوند و یا سه پهلوی از یک خداوند از قبیل سکا زدا - کومار راویسا کها و دهاسینا بوده اند. (۱۴۷) از روی عباراتیکه بر مسکوکات دسی هوی‌یشکا دیده میشود در روزیم کلمه هند وجود است چنین استنباط شده است که بر بعضی از مسکوکات فرمانروایان کوشانی ذکر یا زویشنو رفته است. (۱۴۸) دب (Deb) میگوید (۱۴۷) که هوی‌یشکا صفت (اقب) کارتیکیا (Karttikia) را اتخاذ نموده بود. این طرز تلقی مذکور هوی‌یشکا در دهقان چیزیکه در یکی از اسنادات (تهورا) را جمع به دیوا کولا (Devakula) ۱۴۸ اشاره شده قابل ملاحظه است.

درما تهورا مجسمه فرمانروای کوشانی که پدر بزرگ (Pitamah)

هوی‌یشکا بوده گذاشته شده است.

ستین کنوینگا رد که درما تهورا جاتیکه این کتیبه‌ها یافت شده در آنجا یک تالاری بوده که تصویرها به نمایش گذاشته شده بود و این تصویرها از شاهان و یا کامدودمان سلطنتی نبوده بلکه یک صندوق دیوا کولاست که خاطرات فرمانروایان مختلف کوشانی را یادآوری میکند.

در بهندر کار میگوید (۱۴۹) که دیوا کولاها خیلی شبیه به دعا بد است و بخاطر تعمیر شده اند که یا در فرمانروایان گذشته را محفوظ دارند و نگذارند به فراموشی سپرده شوند. و ازین استنباط میشود که

این فرما نروای کوشا نی (هویشکا) به بر همینزم خیلی خوشبین و علاقمند بوده است.

در یکی ویادوسکه ای که مورد توجه کنگهم قرار گرفته (۱۵۰) هویشکا واقعاً دیده میشود که در پیشگاه الهه (نا نا) زانوزده است. و او در مفا بل جینیزم (Jainism) و بر همینزم متحمل و فراخ دل بود و مانند پدر خود (کانیشکا) به تمام مذاهب رعایای خود اعتنا و علاقه داشته است.

اکثر کتیبه های عهد او و قنچین و جینزم گردیده است.

یک کتیبه بودائی (۱۵۱) در زیر یک ستون که تا ریخ آن سده ۷م نوشته شده از تقدیم هدایای یک روحا نی بنام جیواکا (Jivaka) که اصل او دیانا (Udiyana) بوده به بشیکا و یها را ی بها راجا-راجا تی را جا دیواپوترا هویشکا گزارش میدهد این کتیبه آنرا با کتیبه جعبه جواهر و یها را ی بها راجا کا نیشکا را که از مقام شاه مجی کی ویری (پشاور) بدست آمده سی اندازد (۱۵۲) در کتیبه سال (۵۱) وردک (۱۵۳) که تاسیس یا دگار ساکیا موتی (بودا) را در یک ستوپه در واگرا ماریکای ویها را (Vagramarega Vihara) ثبت کرده است، سر چشمه برکت متوجه بها راجا-راجا تی راجا هویشکا بوده است.

بنا بر این واقعیت از مسکو کات و کتیبه های عهد او آشکار میگردد که تمامیل شخصی او نه بر همینزم مانع فراخ دلی و تحمل مذهبی و فراخ نظری او نشده است و به تمام پیروان مذاهب دروج در این رعایای خود احتیام میکردند.

هوویشکا تا به سال ۴۲ ویا کمی بیشتر چون سال اول جا نشینی
اوسنه ۴۷ میباشد حکومت کرده است. (۱۵۳) چنین اسنادی در
دست نیست که بموجب آنها گفته شود که در عهدزما مداری او بود
که ادورا توری کوشانیها به سقوط ویا به تجزیه مواجه شده است و
نه هم میتوانیم بوجودیت يك فرما نروای دیگر کوشانی را بنام
کانشیکا طوریکه در کتیبه سرخ کوتل (افغانستان) سال ۱۳ ذکر
شده (۱۵۵) ویا کانشیکای دیگری ویا همان کانشیکای کتیبه آراغرا
در سال ۱۳ پذیریم (۱۵۶) و ما اینها را متعلق به کوشانیها بعدی
میشماریم. در مورد درك و شناخت این کانشیکا ویا کانشیکا
های دیگر مندرج در آن دو کتیبه متذکره بعداً در فصل دیگر راجع به
کوشانیهای بعدی سخن خواهیم گفت. ولی يك چیز یقینی است که در
عهدزما مداری پر امن و آرام و مترقی هوویشکا که مدت ها پیش ۳۵
سال دوام کرده است اخلال گران ویا نوواردان در حلقه دوردودمان
سلطنتی کانشیکا بوجود نیامده اند.

واسودیوا (Vasudava):

واسودیوا آخرین فرما نروای ادورا توری کوشانی خاندان
کانشیکا بوده که از سال ۴۱ تا به سال ۴۸ یا ۴۹ سلطنت کرده است.
از نام این فرما نروا استنباط میشود که او کاملاً هندی شده بود.
مسکوکات او که از يك ساهیدی بسیار وسیع بدست آمده دثلا
از مقام ساهری بهلول (Sahri Bahlol) (۱۵۷) جما لگیرهی (۱۵۸) و
از سرکپ و سایر نقاط تا گسهلا (۱۵۹) و نیز از بگرام (۱۶۰) دال

به آنست که او امپراتوری خیلی بزرگ را از سلطنت خود به ارث برده که از شرق از واراناسی و حتی دورتر از آن و در غرب تا به افغانستان و حتی ماوراء آن وسعت داشته است.

چنین معلوم میشود که او همان شخصی است که در سال ۲۳۰ سقری به دربار امپراتور چین گسیل داشت و در قبال طو.یکه در سان - کوو - چی (San-Kauo-tche) ذکر شده لقب سلطان تا - یو چی همراه با وی (Wei) را دریافت نمود. اینکه در سودیو او - یو تیو (Po-tiao) عین شخص بوده (۱۶۱) اکنون به حیث یک واقعیت پذیرفته شده است گرچه طرفداران نظریه کانیسکا و عهد سا کا او را اسود یوای دوم (۱۶۲) میدانند. آنکه قبلا بین سالهای ۲۸۹-۲۹۰ عهد کانیسکا سلطنت کرده است.

گرشمن که در بگرام کاشها نموده و سکو کا تی بدست آورده است در باره آخرین سنه آن سکو کا که متعلق به واسودیوای اول میباشد میگوید (۱۶۳) که وی همان شخصی است که از طرف مؤسس Moses ارمنی از کهورین (Khorene) بنام ویهسا دجان Vehsadjan پادشاه کوشانی ذکر شده که او در وخت جلوس اردشیر در جنگی که در مقابل ساسانیها از طرف خسرو اول ارمنی واقع شد به طرفداری از خسرو درین جنگ اشتراک کرد و بعد از دو سال عودت نمود.

کتیبه های عصر این زمانه در بین سالهای ۲۷-۲۸ یا ۲۹-۳۰ عهد کوشانی تاریخ گذاری شده اند گرچه اکثر کتیبه ها وقف جین (Jain) گردیده اند ولی دو کتیبه بین آن توجه خاص را جلب میکنند. کتیبه

اول در سال ۴۷ در ماه دوم وسوم بارانی (۱۴) در عهد بها راجا - دیواپوترا - واسودیو اسنه گذاری شده است نسب بودا را گزارش میدهد کتیبه یی دوم نیز در کرکتر خود بودا نیست (۱۴۵) که جیواکا از اهل او دیا نا سنگک زیرستون را به ویها رای مها راجا - دیواپوترا هو ویشکا در روز ماه چهارم تا بستان سال ۱۷۷۱ میکند .

این روحانی (جیواکا) معلوم میشود که همان جیواکای روحا نیست که در سال ۷۴ در عصر هو ویشکا در روز چهارم ماه چهارم تا بستان تحفه را به ویها رای هو ویشکا تقدیم کرده بود .

ملاقات همان يك روحانی از ویها را آنهم بعد از هوا یشکا مدت سه سال بعد در همان روز خیلی قایل ملاحظه است .

شاید که این روز بخاطر تاسیس ویها رای تجلیل شده باشد و یارو زمین جشن مذهبی بودایی بوده باشد .

این کتیبه نیز گواه برین است که درین مآثور و هندشما لی يك ترا فیک مداد و بلا و قه در جریان بوده است . يك کتیبه دیگر است (۱۴۶) از عهد هو ویشکا که از نقطه نظر اداری حائز اهمیت فراوان میباشد . این کتیبه از هدیه یی يك مها وندانا یا کا - (Mahadandanayaka) در سال ۷ گزارش میدهد .

این فرمانر و آخرین کوشانی بر يك قلمرو ویخیلی وسیع که از سلطنت خود به ارث برده بود اکمال قدرت و مطلق و صلاحت حکمروایی کرد بعضی از کتیبه ها القاب مکمل امپراتوری او را ثبت کرده اند چون :

رها را جا- راجا تی دیو اپوترا (۱۶۷) واسود یوا- رها راجا- راجا تی
 راجا- راجا تی دیو (۱۶۸) و همچنین رها راجا- راجا تی را جا دیو
 پوترا شاهی واسود یوا. (۱۶۹)

پایان خاندان کانیسکا:

واسود یوا طوریکه از نا مش پیدا است یعنی مو من و معتقد به ویشنو
 (Vishnu) شخصی بود که کاملاً هندو شده. و در مسکوکات او تنها تصویر
 های شیوا و تا نا (OHPO) نقش بسته است. مجموعه تصاویر معبودانیکه
 قبلاً بر روی مسکوکات کوشا نیها دیده میشد اکنون در عهد او از بین
 رفته اند. به کمالات تعجب باید بگوییم که در ظرف مدت بیش از سی سال حکومت
 او تنها یک کتیبه بدست آمده که را بطه او را با بر همینزم و انمود
 میسازد و ای کتیبه های مربوط به اوقاف بود یزم و همچنین متعدد اند.
 و این دلالت بر تحمل مذهبی و وسعت نظرو فراخ دلی این فرمانروای
 آخرین کوشانی میکند. واقعاً تیکه منتج به سقوط حکومت کوشانی و از
 بین رفتن موقتی این دودمان گردیده بایست در نواحی شمال مغرب جستجو
 گردد این یک تصادف عجیب است که این خاندان نیز از طرف نواحی شمال
 غربی امپراتوری خود بدون اینکه در خود هندو شده بین با ایشان پرسد سقوط
 نمودند. در اثر کاوشهای که در بگرام- کاپیسا در شمال کابل (۱۷۰)
 که مرکز دولت کوشا نیها بود صورت گرفته سه طبقه مسکونی را از
 زیر توده های خاک بیرون آورده اند.

طبقه دوم را اثر آتش سوزی و تخریب ترک داده شده است. مسکو
 کاتی که از این طبقه بدست آمده شامل مسکوکات کانیسکا و واسود یوا
 میگردد. و چنین استنباط میشود که این تباها و تخریب آخرین فرمانروا

صورت گرفته است. ولی بعد از مدت کمی يك شهر جدیدی با طرح مختلف احداث گردیده. و مسکوکاتی که از آنجا بدست آمده متعلق به دودمان سوم کوشانی یا کوشا نیهای بعدی میباشد.

درین زمینه نفوذ هنر ساسانی نیز محسوس میگردد. گزارش تصاویر بین کوشا نیها و ساسانیها در يك کتیبه براس دیوار زردشت یا زار زردشت در نقش رستم واقع در نزدیکی پرسپولیس در سه زبان ثبت گردیده است (۱۷۱) این کتیبه که متعلق به شاهپور اول (۳۷۲-۳۴۳ م) است غالباً در سالهای بین ۳۴۳ و ۳۷۲ م نوشته شده است و ارتباط دارد با پیروزی او بر رومها. درین کتیبه گزارش است مبنی بر الحاق سرزمین کوشا نیها بدست شاهپور اول همزمان و مشا به تخریبی که در بگرام صورت گرفته در دو نقطه باستانی سغدیا نه نیز عمل آمده است و این واقعه از طرف باستان شناسان شوروی تأیید گردیده نیز در همان کتیبه گزارش یا نه که این نواحی نیز بدست شاهپور اول گشوده شده است.

از روی مسکوکاتی که از آنجا بدست آمده برمیآید که تخریب درین نقاط در سغدیا نه همزمان و در عهد واسود دیوای اول صورت گرفته است و بنا بر این شاغلی گر شمن اظهار عقیده میکنند که این دودمان کوشانی در عهد واسود دیوایان رسیده و شخصی که مسؤول پایان دادن آن شمرده میشود شاهپور اول ساسانی است. این مفکوره از طرف بعضی از دانشمندان پذیرش یافته که از آن جمله یکی هم مارک (Maricq) (۱۷۲) است که میگوید چنین برخورد با معضله کرو نولو جی کوشا نیها سازگاری نمی کند. او عبارتی را از تاریخ طبری نقل میکند که میگوید

اشغال این نقاط در زمان فتح باختر کار ارد شیر پدر او بوده که بعد از آن شهزاده کوشانی نفوق و سلطنت او را بر سمیت شناخت. به تخریب معبد آتشکده سرخ کوتل که بر راه کابل و مزارشریف واقع است نیز اشاره شده است. در آنجا سه دوره تشخیص داد: شاه است یکی تعمیر این معبد و دوم تعلق میگیرد به پاران قدیمی با مقامات آن که بر اثر آتشسوزی با خاک یکسان گردیده و سوم بعد از این تغییرات بزرگ و ناگهانی تعمیر مجدد با وسایل ساده و ابتدائی صورت گرفته است.

از اینجا به تعداد سه سکه از کوشانیهای بزرگ و هفت عدد از کانیشکا و دو عدد از هر ویشکا که هنوز شناخته نشده اند بدست آمده است.

پروفسور شلومبرژه (Schlumberger) (۱۷۳) تعمیر معبد سرخ کوتل را به کوشانیهای بزرگ و تخریب آنرا به ارد شیر در هنگام فتح باختر نسبت میدهند، که بعد از این واقعه پادشاه کوشانی نفوق و تسلط اردشیر را بر خرد می پذیرد و این واقعه را طبری نیز گزارش داده است. تخریب این معبد برقرار نظریه شلوم برژه در عهد هوویشکا صورت گرفته است.

مطابق منابع ارمنی موسیس (Moses) از کهورین (Khorene) واقع به واسادجان (Vehsadjan) (واسودها) پادشاه کوشانیها که میگوید او بر ضد اردشیر اول در اتحادیه پیوست و بعد از دو سال عودت نمودوسان کوچی (San—Koa—Tche) که میگوید پوتیاو (Po—tiao)

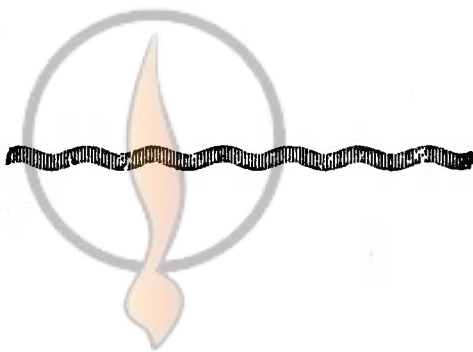
سفارتی به امپراتور چین گسیل داشت از روی این اسناد میتوان گفت که واسودها و مادین ویا تحت اثر اردشیر ساسانی نبوده است. کتیبه کوشانی در ماتهوا که او را به القاب مهارجا-راجا تی راجا-دیوا پوترا شاهی که القاب خیلی بلند پایه و عالی شاهانه داشت ذکر میکندان برانست که واسودها يك فرما نروای مستقلی بوده است.

بنا بر این ما بر روی اسناد معتبر و یقینی باین عقیده میباشیم که این دودمان کوشانی بدست شاهپور اول پایان یافته و اینکه هجوم شاهپور منتج به تخریب و آتش سوزی بگرام-کاپیسی گردیده با دشمن همنوایی داریم.

خاندان کانشکا با واسودها از بین رفت ولی با آنها کوشانیها به موجودیت خود در تاریخ ادامه دادند در بگرام و همچنان در هند مسکوکاتی که از کوشانیهای بعدی بدست آمده گواه برین است که آنها از حکمرانان جدید کوشانی محسوب میشود و از بعضی اسناد حکمرانان کوشانی معلوم میشود که مطابق عنعنه بی قبلی کوشانیها در تاریخ گذاری خود بر روی اسناد اعداد صدر الحذف میکردند و از تاریخ این دودمان اخیر کوشانی را میتوان اکنون به صراحت بطور یقینی تدوین نمود. دوره فرمانروایی ۹۹ سال خاندان کانشکا که غالباً تنها شامل سه نفر امپراتور میگردد از هر جهت قابل ملاحظه است.

از نقطه نظر ساحه نفوذ خیلی وسیعتر بوده و قلمرو آنها از بلخ تا بهار امتداد داشت فرمانروایان کوشانی گرچه به تدریج بسوی

مذاهب هندی از قبیل بودیزم و برهمنیزم می‌گرا نیدندولی در مجموع صاحب وسعت نظر و حوصله فراخ در مسائل مذهبی بودند. آنها تمامیت ارضی هند شمالی را تأمین کردند. حتی بعد از پایان خاندان کانیسکا خاندان سوم کانیسکا با بعرضه تاریخ هند میگذارد و در میان دوره امپراتوری کوشانیها و سلطنت گوپتاها که يك دوره تاریك در تاریخ هند پنهان شده میشود حکومت را در دست داشته اند.



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۲

یادداشت‌های فصل سوم

۱-چنین پنداشته شده است که لقب دیواپوترا (پسر خدا) که در هند برای فرمان‌روایان کوشانی بکار برده شده از لقب قدیمی امپراتوری چین زین-تزو (Tien—tzu) (پسر خدا) کاپی و نقلید شده است.

بقرار نظریه فو-توماس (F.W.Thomas) دیواپوترا يك لقبی نیست که برای کوشانیها اختراع و یا از لقب چینایی تقلید شده است دیواپوترا بمعنی پسر خدا خیلی قبل از کوشانیها در ریکو-دا (۴۲۰ م ×) و از کتیبه بهار هوت (Bharhut, Nos. 774, 814, Luder's list) و نیز جتا کاما لا Jatakamala دیده میشود. این لقب به فرمانروایان یونانی و ساکاو پهلوا ها استعمال شده است.

۲-يك پهلوگرافی جامعی از طرف هاو زین (Poussain) و اچ دیو در (Deydier) و کرشمن داده شده است. جی-ایوان لو هو و یزدی لیو در

اثر خود بنام The Scythian period کا نیشکار امر بوط به عهد سا کا
 میدانند. و این غالباً یگانہ تاریخ جامعی است ازین دوره کہ از طرف
 پروفیسر با شام بدقت مطالعہ شدہ (Bsoas, 1953, XV pp. 80ff) این
 پروفیسر کروڑوں لوجی لوہو و وزن رانست بہ دیگر ان ترجیح دادہ
 ولی بکمال تأسف باہن نتیجہ میرسد کہ یک کروڑوں لوجی معتبر و قابل
 قبول برای ہمہ ہیچ گاہ در ہر تو اسناد موجود بدست نہ خواہد آمد و نہ
 چیزیکہ شک و تردید ما را از این بردہ میتواند ہمان شواہد جدید کتبہ
 ہا و مواد سہم دیگر است (CP. 95)

3— CF. Rockhill. The Life of the Buddha cp. 95

4—CF. Thomas, A xxxiii, 1903, P 349

5— CF Asvaghosha—Sutralmkara

بہ توسط ہو ہر (Huber) بزبان فرانسوی ترجمہ شدہ و در ۱۹۰۸ دہارس
 بہ طبع رسیدہ.

6— JASB, Iv, i, 18886, P. 193

7— Cii, P.I xxvi بنیاد اندیشہ

8—JRAS. 1903, P 334 تاسیس

9— SBAW, 1914, PP 643ff, also JRAS, 1914, P. 29

10— Konow. Op. cit.

11—Ibid

۱۲- بیانہ ریاست، قسمت اول کانگریس تاریخ ہندوستان (۱۹۳۳)

طبع مجدد در ہند و آسیا مرکزی صفحہ ۱۳۱

13— op cit

14— op cit

15— Cal Review. July 1934, P. 83ff

16— EI viii, pp 196ff. Nos. iia, iiid

17 "Luder's List" Appendix

- El. X. No. 16, 17, 18, 21, 22, 23—JRAS, 1924, p. 397 No, 2
 18— Cii Vol., 11 (i) pp 138ff
 19— Ibid. P. 142ff
 20—Ibid. PP. 145ff

۲۱-۱۶۱۶ درین سرزمین سه پادشاه گذشته بود از قبیل هوشکا (Hushka) جوشکا (Jushka) و کانیشکا که آنها سه شهر بنا نهادند. بقرار نظریه کنوتاریخ گذاری کلها نا درین مورد به‌طور واضح غلط است او برای چودری درین مورد موافق است که میگوید: کانیشکا نیکه در لیست کلها نا در آخر قرار دارد مؤسس دودمان نبوده بلکه سلطان بعدی است به همان نام (Cii. P. ixxx) شاه شد که او کانیشکای دوم بوده باشد.

- 22— Ref No. 5

۳۳ بقرار نظریه توماس که میگوید لیوی شوا هدی را مبنی بروسعت قلمرو کوشانیها در جنوب هند ارائه نموده است. در (تاریخچه هان های بعدی چین) که مؤلف آن در سال ۱۹۱۷م گزارش نموده. در گذشته است ولی از وقعات بعدتر از سال ۱۷۰م گزارش نموده. Chavannes: 8oung— Pao II (1907) pp. 149—50 در انجا راجع به سلطنت تونگ - لی Tung—Li چنین خوانده میشود: شا - چی Sha—Chi پایتخت سلطنت تونگ - چی میباشد این سلطنت پیش از هنجهازار= در حدود هزار میل در جنوب غرب تین - چو (Tien—Chu) موقعیت دارد. و این یک سلطنت بزرگ است اقلیم و پیدوار آن مانند تین چو میباشد و چندین شهری از طراز اول دارد که رهبران آن بنام پادشاه ملقب استند و جاهای بزرگ این سلطنت را می‌ورد تاخت و تاز

خود قرار داد و آنرا بغلامی کشید. مرد وزن در اینجا فوت (چینایی)

بلندی دارند Thomes NIA. VII. Nos 5 and 6, P. 86

24— Ibid. 86

25—Ibid.

۲۶- درین مورد بعدا به تفصیل خواهم پرداخت. از روی قطعات یک متن سنسکریت که از ترکستان چینی بدست آمده چنین برمیآید که او اصلا به بودیزم متمایل بوده چنانچه توسطها ترپاوک پارسوا (Parsva) با پنسو دعوت و متمایل گردید. چنین استنباط شده است که اسوا گوشا با کانیشکا در حملات بر هند شرقی همراه بوده و بعدا او را به بودیزم متمایل ساخت (Konow. op. cit. P. Ixxxix).

۲۷- تاریخ گذاری اسناد کوشانیها دوعهد کانیشکا- هوویشکا و واسودیرا بطور جدی در مقابل تاریخ گذاری ساکا قرار دارد و از طرف دیگر طوریکه کیلها رن (Kielhorn) اظهار عقیده میکند چنین تاریخ گذاری با تاریخ گذاری بی مشهور بنام عهد ملا و اویرا اما (Malava—Vikrama) شبیه و یکسان است. (IA. xxvi, P. 153). اسناد ساکا عموما کلمه وارشا (Varsha). را بکار میبرند حال آنکه کانیشکا و جانشینان او کلمات مانند سا (Sa) ساموات (Samvat) ساموات سارا (Samvatsar) را بکار میبرد.

۲۸- اقتباس توسط کنو Cil. P. 77

29—Cii. , P. 77

30— Ibid p. 79

31— Ibid P. 81

32— Ibid P. 104

۳۳- پروفیسور ها لندی اظهار عقیده میکند که سال اول عهد کانیسکا با پست سال ۲۰۰ عهد قدیم (و یا کمی بعدتر از آن) قرار داشته باشد. (Op. cit. p. 63) و علاوه میکند که کانیسکا يك عهد جدیدی را بر تمام قلمرو خود معرفی نموده و عهد قدیم را پشت سرگذاشته و ترك کرده است و در قلمرو او در گندها را تنها يك سیستم کرو نو لوجیکی معمول و مروج بود.

بعد از سقوط این دودمان عهد قدیم که در آنجا ریشه گرفته بود بار دیگر در شمال غرب اسیا مروج گردید و چنانکه در سال ۳۰۳ می بینیم که تاریخ گذاری عهد قدیم بار دیگر بکار برده میشود و اقلاً تا به سال ۳۹۹ دوام میکند.

در سرا که قسمت بزرگی از سلطنت کوشانی در هند محسوب میشد تاریخ گذاری عهد قدیم هیچگاه آنقدر بکار بر نرفته نشده است. (Ibid. P. 62)

۳۴- بهندر کار (JBBRAS. xx. 1902, P. 386)

بقرار نظریه کیلهاورن (Kielhorn) قدیم ترین سنو اتی را که مربوط به این موات (Samvat) میشناسیم متعلق به راجپوتانه شرقی و بطور عمده از نواحی که با مالو امرزهای مشترک اردوها شامل مالوا میباشد میگردد (IA. xx (891 P. 402) قدیم ترین سندیکه از عهد ویکراما (و ویکراما کها کالا) (Vikramakhyakala) ذکر میکنند سنگ

نوشته دهی لهور (Dholpur) است که سنه آن در سال ۸۹۹ یعنی ۸۳۱ میلادی
 میباشد (ZDMG. XL, P. 42; IA xix 0890) در قرن سوم میلادی نام
 کریتا (Krita) در يك تعداد کتیبه ها تذکره یافته که از راجپوتانهای
 شرقی بدست آمده اند. این سنوات نیز بر عهد و یکراما اطلاق میشود.
 المتهیکار (Altekar) (E.I. xxxiii, P. 52) چنین استنباط میشود
 و عهد مشهور به ویکراما ما نند عهد کریتا مدتها بیشتر شناخته شده و
 مروج بوده است و این ادا مهی بود از سال ۵۷۰-۸۰۰ ق.م عهد قدیم (به
 دهکشیت (Dikshit) مراجعه کنید (AORI. xxxiv, P. 74)

35— Op. cit.

36— Cii. P. 165

37— Ref. No. 16

38— Ref. No. 19

39—Ref. No. 20

40— Cii., P. 150

۱- با این معضله در فصل آخرین به تفصیل پرداخته شده است.

۲- El. VIII., pp. 42 ff این سلطنت از طرف با شام

(BSOAS. 1953, pp. 92—93) رنیز از طرف لوه-و-ئیزن-دی-لیوو

(Op. cit., p 382) مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. در حقیقت

طرفداران نظریه عهد سا کا که میگوشتند کانیسکارا معاصر و در ادا من

نشان دهند به خاطر عدم موجودیت نام کدام فرما ذروای سا کا بر روی

اسناد و وسعت سلطنت سا کا نا به هند و ما لوا قسمتی از قلمرو امپراتوری

کوشانیها نیز بوده است کار را بیش از پیش مشکلتر و پیچیده تر میسازند

(See H. C. Ghosh, IHQ.V. (1928) p.80;)

Raychaudhary, PHAI, (4th ed. P. 390)

ما این مطلب را در ضمن بحث وسعت امپراتوری کانیشکا و روابط او با کشا تراپاها سی ساله مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

43—E. I. Vol. ix, P. 244

م.م. - كٲلاك باستان شناسی موزیم ما نچی و كلمكته ۱۹۲۲ صفحات

۰۳۱۹۳.

م.م. - يك لست جامعی از ذخیره مسكوكات كوشانی وجود ندارد. در رانسی (Ransi) يك ظرف پر از سكه های مسی در سال ۱۸۷۸ از خـاك بـرون آورده شد كه شـا مـل (۵۰۰) سكه متعلق به ویماکا دفیوس و کانیشكا پنداشته شده است (Cunningham ASR xiv, P. 48) و بعضی از سكه های این دو فرمانروا همراه با يك سكه چهار گنجینه تا به شده توسط كارلایل (Carlleyle) از مقام بودا (Buadih) كرده (Kurda) بدست آمده (Ibid. xlii. P. 40) ۳۸۲ سكه مسی از ویماکا دفیوس و م.م. در از کانیشكا در راه بین كالكا كاسولی در ولاپسا پشین پتیا له بدست آمده اند (Pro. ASB. 0894, P. 82).

يك ذخیره مسكوكات شامل م.م. در كه از آن جمله م.م. در متعلق به ویماکا دفیوس و م.م. در آن متعلق به کانیشكا میباشد در اثر حفاریات از مقام امرکوت در تحصیل سواهی (Swahi) واقع در پشاور بدست آمده است. (ASI. An. Rep. 1922—23, P. 160) در بین این ذخیره يك سكه از موتر میگاس نیز دیده میشود. از همان ناحیه بمقدار چهار سیر گنجینه از مسكوكات كوشانی بدست آمده كه شامل ۱۱۵ سكه میباشد.

از آنجمله ۹۰ از ویما کادفیزس و ۲۵۴ از کانیشکا است .
 (Ibid, 1926—27, P. 216) از مقام مانیکیا لامسکو کانی بدست آمده
 که متعلق به ویما کادفیزس و کانیشکا بوده و با دیناری (Denarii)
 رومن بی ارتباط نیستند (Cunningham ASR, II. p.162) مسکوکات دیگری
 متعلق به سایر فرمانروایان خاندان کانیشکا در یکجا و همراه با
 مسکوکات ویما کادفیزس بدست آمده اند (Smith, JRAS (1913), p. 942)
 نقاط دیگری که این مسکوکات از آن بدست آمده اند عبارتند از
 از کایرا (Kaira) گویالپور (dn) واراناسی (بنارس) ولی مهمترین
 گنجینه این مسکوکات همانست که در ستوپه اهین پوش بدست آمده
 که از لحاظ کروئولوژی نسبتاً اهمیت و ارزش دارند.
 (See also Banarji: Kushana in Eastern India, JUSI, xlv, pp. 62 ff)
 46—Proc. ASB (1897) p. 123
 47— JRAS, 1913, P. 937
 48— Ibid (quoted by

۹۴ - چنین مشاهده شده است که پوشاک سروطرز آرایش موی سر
 و نبودن سبیل و بالا تراز همه شکل ریش و چهره ای آنها خیلی شبیه است
 با کلمه امپراتوران روم بین سالهای ۳۰۰ م تا ۱۵۰ م بر روی
 مسکوکات شان .

(JRAS, 1908, P. 551, also quoted in IRAS, 1913, P.

۵ - هندو - یونانیها - ساکاها - هندو - پارسیها بر روی مسکوکات
 شان خطوط یونانی و خروشتی را بکار برده اند . و کانیشکا تنها خطوط
 یونانی را استعمال نموده و او و جانشینان او تنها القبای یونانی را بکار

برده اند و خروشتی تا پدید گشته است بهر آن نظریه کنیدی استعمال زبان
هو نا نی بحیث يك زبان زنده و عام در شرق فرات بعد از سال صد (۱۰۰)
با یان یافت.

دوم اینکه کانیسکا و جانشینان وی زبان یونانی را میسر
این نظریه از طرف هارن و پرسی گاردنر پذیرفته شده است
(JRAS, 1913, P. 922)

51—JRAS, 1913 924 and note.

۵۴ - خلاص این مقاله به زبان فرانسوی در نوشته هنری دی

Contribution a L'etude L'a,t ان تحت عنوان (Henri Deydier)

du Gandhara No. 415 pp. 250ff دیده میشود.

53—SBPAW. 1912, p. 83

54— JASB, III (1930) N. Sxl vii

55—Deydier-op. cit. p. 251

56— J.A. No. 236, P. 63

57—Smith—Catalogue of esn Indian Coins in the

um, Vol. 1, P. 97

58— Altekar—Catalogue of the Gupta Coins of the Ba

Gupta Coinage, p. 42

59—Fleet- Corpus Inscriptionum Vol. III No 1

۵۹ - مارشال از طبقه بندی بناها یک در طی کاوشهای خود از تا کسیرا

کشف نموده مطالعه خوبی نموده است او میگوید بناهای ستوپه

چیر (Chir) چهار طبقه دارد که یکی بالای دیگری قرار گرفته است.

جعبه زیورات بعد از شستن در برتش می‌وزیم اثری از کدام سده در آن دیده نمی‌شود و بگمان غالب او شاید که کاشیکای کبیر نباشد و آن کاشیکایی باشد که در کتیبه (Ara) از آن ذکر رفته.

64— J.R.A.S. 1903ff

65—J.R.A.S. 1903ff. 49ff

66— L'art Greco-Boudhique P. 40ff

67— J.R.A.S. 1913, pp 946ff

وادل بعضی از حقایق ذیل را در معرض مطالعه قرار داده است. نخست شواهدی در دست نیست که بموجب آن گفته شود که هنرگنده‌ها را یاکریکو- بودیک قبل از دوران کاشیکای وجود داشته است و آنکه می‌گویند مناندر ویا محتملاً کاندو فرس هنرگریکو- بودیک را انکشاف داده این یک فرضیه است و حقایق از آن پشتیبانی نمی‌کند.

دوم: طرز هنرگنده‌ها را نسبتاً متأخر است و غیر قابل رقابت است با سده قبل از عهد مسیح. اینکه فرگسون (Fergusson) می‌گوید که هیکل تراشی گنده‌ها را در مجموع خود بیشتر طرح ادبی داشته تا یونانی نیز از طرف او مورد سوال قرار گرفته است او می‌گوید که هیچکدام نیست بلکه طرح ایرانی را دارد (History of India and Eastn Architecture p. 182)

سوم: انگیزه‌های هنرگنده‌ها را متأخر است و با عهد پیشتر از مسیح توافق نمی‌کند. الهیات آن اکثراً مبنی بر خداشناسی است... و اخیراً هنرگنده‌ها را غالباً تا به قرن سوم ویا چهارم میلادی به اوج کمال خود نرسیده بود.

۶۸- یک گزارش مختصری از این کاوشها و نتایج حاصله از آنها و

همچنان اشاره مختصری در مورد سنه کاشکا از طرف گر شمن
Fouillsde Begram او داده شده است. (J.A. No ccxxxiv, 1943—45)

pp. 59 ff)

69— J.A. No 234. P. 70

70 Cahirs P. 710

71— Ibid. P. 708

۷۲ - بقرار نظریه پروفیسور لو هوئیزن دی لیوو که میگوید گر
چه سکه های آخری کوشانی که توسط گر شمن از بگرام بدست آمده
متعلق به واسود یوای اول است ولی در مورد اینکه اردشیر اول تخریب
کننده بی شهر بوده باشد، شواهدی در دست نیست.

هك فسخ نظامی دیگری که باهن شاه نسبت داده شده یعنی اشغال
پشاور مورد شك و تردید کرامرس (Kramers) که او پسگبور
(Pskbur) را با پشاور مساوی نمیداند واقع گردیده است
(The Scythien Period PP. 319—20)

73— IC vol. VIII. PP. 191FF; JIH. vol.xx PP. 275 FF

۷۴ - از میان اسناد سنه کزاری شده مربوط کاشکا و سند آن
قابل ملاحظه است زیرا این دو تنها از نکشاتراها (Nakshatras)
ذکر میکنند یکی از این اسناد کتیبه زهدا CII P. 142 از سال ۱۱
کاشکا است ... و دومی کتیبه اوند (Und) (Ibid. p.170) از سال
۱۶ است ...

75—IC Vol. I,P.477

76—IC Vol. VII.PP.49FF

- 77—JA.IX.VIII.1895 PP. 444 FF.IX,1897,PP. 526 FF;
IA. XXXii, 1903,PP.381FF XXiii,1904.P. 110FF
- 78—Cil. ii,P. lxxvi
- ۷۹- Ibid کنو معتقد است که مهارا یا (Maharaya) را جانی راجا هینا
جهای Hinajhe (?) ختن و سند نمبر ۱۶۱ و او یجیدا سیمها
(Avijidasimha) تر کستان همان عهدی را بکار برده که اسناد
کافیشکا بکار برده اند.
- 80—I.A.IX. viii. 1896 p.463; Bagchi;K.B.Pathok
Commemoration Volume p.94.FF
- 81—Chavannes-Toun . Pao II.vii.1906 pp.330
- 82—Sylvain Levi-J..A, xi,ii, 1913 pp 330
- 83—Beal-Buddhist Records ,I, P.173. See Lohuizen-de— Leeuw,
op. cit p.382
- 84—I.A. lx. viii,1896,PP. 482
- 85—OP.cit.P.384
- 86—IHQ.vol. v(1929)P. 71; Maspero,BEFEO, x ,1910 PP.95 FF
- 87—Toung Pao U.V. P 489
- 88—Sten Konow Cil. II.pIx x vii
- 89— Cahiers d' Histoire Mondiale op. cit. P. 713
- 90— Lohuizen-op. cit. P.318
- 91—J.A. 234 (1943-5) pp. 59, also ref. 89 p. 163
- 92— Pro. Ind. History Cony.Hyderabad
- 93— op. cit.
- 94—E.L. Vol. viii, pp. 179ff;l. A. vl. p. 217, vol. xxxll, p.39
- ه ۹ - مسکوکات کافیشکا در بهجتا (Bhita)
- (ASI. Ar. Rep. 1911-12 pp. 34—63) و پو تا لی پو تا ا
- (Ibid. 1912—13, pp. 79,84) پیدا شده بود و از هوویشکا از بهجتا

(op. cit.) و از (والودیوا) نیز از بهیتا (op. cit. p. 65) سه سکه
کوشانی از فیگال شمال بدست آمد، از (JASB. 1932, P. 127) يك
كنجینه از مسكو كات كوشانی از عهد ویما كاد فیزس تا (والودیوا)
از بركسار (Buxar) پیدا شده است.

بقرار نظریه التیکار (Altekar) این مجموعه شامل است از ۲۳
سکه از ویما كاد فیزس ۱۵۹ از كایشكا و ۱۷۲ از هویشكا و ۳۸
عدد آن هنوز تشخیص و شناخته نشده است.

(JNSI. xli. pp. 121. ff)
يك سکه از هویشكا توسط كننگهمار مقام بوداگایا (Bodh—Gaya)
نزد يك و اجراسانا (Vajrasana) بدست آمده است. مسكو كات كوشان از مقام
ویسالی (Vaisali) و از کوما راها را (Kumarahara) واقع در
پتنه دو کاوشهای سال ۱۹۵۶ نیز یافت شده اند يك مقدار زیادی از
ظروف سفالین که تصویرهای کوشانی و لباسهای آنها در آن نقش بسته
نیز از مقام (کوما راها را) بدست آمده (Bihar throug Ages, P. 205)
; see also JNSI, XIII(1)pp. 62—65

۹۶ - توماس متون ادبی و اسناد راجع به ترکستان چینى l.pt
لندن ۱۹۳۵ ۱۱۹ م. بقرار نظریه ستین كنوكا نیشكا و پادشاه گوزان
(Gu—Zan) و ویجا کرتی (Vijaykirti) زمامدار سرزمین لی
(Li) و دیگران لشکری با وامتند و بر هند تاختند و شهری را بنام
سوکد (Soked) غالباً ساکوتا (Saketa) را اشغال کردند.

97—JBORS.L, P. 232

98— Ibid, V, P. 78

99—JASB, xxxviii P. 127

- 100— Op. cit.
 101— Majumdar-Sartri: Ancient India by Ptolemy, p. 212
 102— Melanges Charles de Harlez, Leyden, 1896 pp. ff Cf. Sten Konow CII, P. xxi
 103— Gupta Coins —Introduction P. xxxix
 104— IG. III, P 727 ff TN Ramchandran—Find of Pusi Kushana Coins from Sitabbinji (Kumarahar) CJNSI, xii, i (1951); cf. A. Banerji: "Kushanas in Eastern India
 105— CJNSI. xiii, pp. 107-9 IHQ, xiv p. 149
 106— Beal: Buddhist records of the western world Vol. 1, P. 50
 107—JRAS. 1942, P. 19
 ۱۰۸ - حکومت کوشانی در آسیای مرکزی شامل بلخ و ختن
 مچنی براسنادیست که از متهورا (Mathura) و در کاوشهای تازه بی
 هیئت باستان شناسی شوروی تولستوف (Tolstov) بدست آمده اند
 اوراق به وسعت امپراتوری کوشانیهای بزرگ و الحاق خوارزم به
 آن اشاره کرده است از قرن ۳ م سکه ها باطراف است خود تصویر
 نیم تنه پادشاهان را پیدا میکند که روی آنها دراز و بر بری بوده
 و پوشاک سر آنها به سبک اردشیر اول شاه هخامنشی اول بهرام دوم و هورمزد
 (Hormizd) دوم شبیه است .

تولستوف اظهار عقیده میکند که این وضع نشان از پایان
 کوشانیها است .

(Quoted by Ghirshman, Carniers. P. 701)

اوجلاوه میکند ، قدیمترین سکه ها یکبه بدست آمده ، متعلق به
 واسود یوا است . سه سال بعد ترخبر رسید که هیئت باستان شناسی ،
 در از پاکستان جنوبی نزدیک مرزهای افغانستان در اثر کاوشهای

خود چیزی را از زیر زمین بدر آوردند ، که گفته میشود یک قصر کوشانی بوده باشد ، و این بدین معنی است که کوشانیها از بحیره بی آزال تا به هندوستان سیطره بی نفوذ خود را پهن کرده بودند .
(INS. Sept. 18. 1961)

در کتیبه برهمنی سال ۲۸ متهورا و چندین اسناد دیگر از کلمه بکاناپاتی (Bakanapat) ذکر شده که این سرزمین قسمتی از امپراتوری کوشانی را احتوا میکرد . . .

109— Op. cit.

110—JASB, lx (1943) pp. 79 ff

111— CII. Vol. 11 (1) p. 175CF. Ojha—History of tana, P. III

112—Ref. Junayarh Inscription of Rudradaman E. 111—P. 309

113—D.R. Bhandarkar IA 1918 P. 153

فکر میکنند که کوشانا مولانا (Kusanamula) در کتیبه جوناکر اشاره به فرمانروای کوشانی کرده است .

بقرار نظریه ستین کنو (C II.p.lxxviii) و ایان بن - کوچن در تین

چو (Tien—chu) بدون شك عبارت وند از کشترا با های غربی .

۱۱۳ - JRAS, 1925, p. 9 قرار نظریه او هوئینسوی - ایوان غیر

قابل پذیرش است که کشترا با های غربی که آنها عهد ساکا را

بکار میبردند، و تحت اثر کاشیکما و جانیشتان او بوده اند عهد

دیگری بجز از فرمانروایی خود را بکار برده باشند .

اینکه کنو آنها را مادونان ریما کادفیزس دانسته اند

(IHQ.IV.PP. 760-4) از طری تو ماسر دگر دیده است

(Sandanes Nahapana etc. op.cit. NIA)

115—JBORS xv p.52

116-PHAI (5th ed.p. 621)

۱۱۷ - ایوی در عبارت‌ی را از تاریخچه‌های بوری که مؤلف آن در هم به م پدرود حیات گفته است و واقعات بعد از ۱۷۰ م را ثبت نکرده نقل میکنند که میگوید گزاشی از یک سلطنت تونگک - لی Tung—Li پایتخت آن (Sha-Chi) میجا شد که بیش از ۳ هزار و لی (Li) (در حدود هزار میل) در جنوب شرق تین چو (Tien—Chu) (هند) واقع است.

بوجیهای بزرگ آن سلطنت را مورد حمله بی خود قرار دادند و به غلامی کشیدند.

یک اشاره بی دیگری هم هست راجع به این سلطنت و اشغال آن توسط بوجیها همراه با (تین - چو) هر دو با هم دیگر متما یزاند. لهذا (تونگک لی) با یست جای دیگری با شد.

118—Op. cit. 92

119—Ibid p. 95

120—Op. cit. CII

121—Op. cit.

122—Op. cit.

123—Op. cit

124—Kern—Manulof Budd hesm, p. 121

۱۲۵ راجع به یک گزارش جامع از کازشهای درین نقطه مراجعه

کنید به :

Asiar, 1908—9, pp 38ff; 1909—10 pp. 135ff. Marshall

JRAS, 1909, pp 1055 ff

راجع به دو قعیت مستوپه و شناخت آن مراجعه کنید به :

ASIFC, 1907—8 pp. 17ff; 1908—9 pp. 14 ff, see also P. 440
Fouer— L' art Greco—Buddhique du Gandhara, 11

۱۲۶ - این نکته قاً بل شك است . در يك مکتوبی که به من

نوشته شده است پرو فیسور (A.L. Basham) از لندن که ا و اخیراً
تحلیل کرده است راجع به جعبه از هر گونه اشاره خود داری کرده
است جعبه اخیراً برای صفا کاری به بر تیش موزیم فرستاده شده است.

127—JA, 1896, 11 P. 444

۱۲۸ در باره پی کونسل کا نیشکا مراجعه کنید به :

Huon—Tsang—Memoires, 1, 127; Beal, 1, P. 117, Isi;
Watters, 1, 274—276; Takausa, JRAS, 1905, P. 415
JF-TS, 1905, P. 123 Toung—Pao, 1904
129— Fordetails see, JTA, 1897, 11, P. 528
130— Thomas IA, 1903, P. 345; 1904, P. 31, 1905,
P. 146; Levi JA 1896, 11 P. 449—455; 1897, 1, P. 1

بقرار نظریه شاکلیتن بیلن (Shakleton Baily) این کا نیشکای

دوم بود که ما تری چیتا (Matrichita) به کونسل های او خطاب میکنند .

Poussain—op. cit, P. 325

۱۳۲ کتیبه سال ۲ (Ref. Mathura Yupa)

متعلق به مها راجا - راجا تی راجا - دیوا بوترا - وایشیکا

Vogel—Cat, Math, Mus No. Q13; Sahni, D.R., JRAS,
1910 P. 1311 ff. note by Fl-ect, Ibid, P. 1315, 9; Luders
List, No. 149, 19

۱۳۳ - این کتیبه از طرف با نر جی چاپ شده است

ولودرز آنرا تر جمه کرده است . (IA. xxxvii, 1908, pp. 58ff)

134—I.C. Vol. VIII

در مقابل هامن راجع به کوشانیهای بعدی یا کوشانا پوترا ها .

135—Luder's List, No 33

تنها حروف شکاسیا Shkasya با قوما زده است به قرار نظریه گروپس (Growse) این کتیبه غسا لبا به کا نیشکا اشا و ه میکند (IA. Vi P. 217 No 1) لهجه این کتیبه مختلط است و چون سند سال (۲۴) سنسکریت متعلق به اوسیشکا که از کیس پور (متهور ا) بدست آمده خالص نیست. (I.A. 1903, P. 388).

136—E.L. Vol. xxi P. 5 5

اصطلاح بکا نا پانی (Bakanapati) در چندین سند دیگر نیز ذکر شده است. کتیبه مشهور مات (Mat) که در سنگ زیر یک مجسمه نقر شده (JRAS. 1924. P.401, N.31) که از یک مامور اسمی ذکر میکنند (نام سوکرا (Saukra) آغاز میگردد) که اولقب با کا نا پانی داشته و پسریک مهاداندا وایا کا (Mahedandawayaka) بود. این مامور دیو اکولای پدر کلان هویشکارا ترسیم کرده بود.

137— SBAW. 1912, P. 82; cll, 11, P. Lxxxix

138— Vogel. Cat. Mat. Mus. No C. 13,

139— El. L. P. 387, No, 9, Luders List No 42

140— Luders List, No. 43

141— I.A. xxxlII, 1904, P. 101

142— E. L. I P. 204, No xx

143— Carmichael Lectures, 1921, pp. 22—3

- 145— Banarji J., Development of p. 146 Hindu Iconography
- 146— The Age of Imperial Unity (Bhavan's History of India) Vol. 11, p. 439
- 147— IHQ. xii. pp. 153—56
- ۱۳۸- اصطلاح دیوا کولا (Devakula) از طرف جاسوال (Jayaswall) به یک نماشگاه تعبیر گردیده که در آن پورتیت ها و مجسمه ها نگهداری میشود... ساهنی با جاسوال موافق است JRAS, 1924 P. 403 این تعبیر بایست از همان نوع بوده باشد. بقرار نظریه ساهنی این ناممکن است که بگویم دیوا کولا ی این کتیبه همانست که در کتیبه وپما تا کشا (Vama—taksha) مانند ساهن مجسمه ها پراتیما گریها (Pratima—griha) ذکر شده است ممکن بود تصور شود که دیوا کولا در (مات) نزد یک متهو را پراتیما گریها ی فامیلی حکمروایان کوشانی بوده باشد. (Ibid) یک کتیبه از نصب یک مجسمه بوا هستوا در دیواچایا (Devachaya) ذکر میکنند (JRAS. 1924. P. 400, No 1)
- 149— Progress Report Arc-heological Survey Western Circle. (PRASWC) 1906-7. P. 31
- 150— Numismatic Chronicle, pp117—18
- 151— I.A. xxxill 1904, P. 151 Cunningham, Asr, Ill, p. 33
- برای تشخیص اودیا نا Udiyana به دیدیر (Deydier) مراجعه کنید
- Contribution a L'etude de L'art du Gandhara, pp. 144. ff

در این اثر نظریات تمام دانشمندان بادتون قدیمه ادبی جلب

توجه میکنند . این نام قدیم سنسکریٹ برای سوات است .

س . لیوی معتقد است که این کلمه نمایندگی از سرزمین قدیم ختن میکند

که چینایی ها آنرا ییٹ (Yu, t'-ien) نقل کرده اند JA. 1915. P. 110

با ییٹ قدیم آن از طرف ستهین کنو با مانگلور (Manglaor) یکی پنداشته

شده است .

152—Cll. 11. p. 137. 103

153—Ibid. pp. 70ff

154—Pro Ind Hirt. Cong.
Hyderabad p. 163

155— J.A. 264. pp. 345ff

156—Cll. C 1. pp. 162. ff

157— ASIAR. 1911—12, pp. 95ff

158— Cll, 1, cil P. 170

159— ASIAR, 1912—13, pp 10—12, 1935—36, pp. 33—35
1915—16, pp. 1—38

160— Chirshman— La chronologic des Kouchans-op.
cit P. 698

161— Chavannes—Toung Pao, II, ii P. 489

162— Lohuizen de Liew— The Scythian Period P. 319

163— Op. cit p. 701

164— Ref. No 154

165— E.I. lx. pp. 243 ff. Luders List No.62

166— E. I. lx pp. ff. Luders List No 60

167— Ibid

168— ASR, III, P. 35, No 18

169— JASB, vol. V, P. 6 No. 7

۱۷۰- برای مزید معلومات مرأی جعه کنید به بگرام گرشمن
(Lecairo 1946) و نیز به مقاله یی او در باره

(Le Problom de-la Chronol-ogie des Kouchans)

۱۷۱- جهت مزید معلومات در مورد کتیبه در اجهه کنید

به سهر نگلین (Sprengling)

Third Century Iran, Sapor and Kartir, Chicago, 1953

۱۷۲- نظریات در مقاله یی گرشمن (Le Probleme etc.) ا قتباس

گردیده (op. cit.P.699)

173—JA. GCXVii (1952)P.43



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۲

فصل چهارم

کوشانیهای بعدی

کوشانیهای بعدی در تاریخ قدیم هند برک روزه های بی ارزش از یک درخت پراکنده در اینجا و آنجا نیستند بلکه خود یک واحد مکملی بشمار میروند. در فصل گذشته توضیح شد که (واسودیوا) در سال (۹۹) عهد کانیشکا از سلطنت با زایستا دو در شمال غرب قدرت او طوریکه از کانیشکا در گرام پیداست رو به زوال گرائیده بود مگر قسمت شرقی امپراتوری کوشانی از عدم استقرار سیاسی محفوظ و مصون مانده بود. از روی یک عده کتیبه ها که از دتهورا و سانچی بدست آمده اند بر می آید که بر این سرزمین ها حکومت کوشانیها دوام داشته است.

چنین یک کتیبه (۱) فرمانروا را بحیث کوشا نام برده و تراذکر میکند که شاه او یکی از اخلاف و دودمان قبلی بوده باشد نه پسر فرمانروای نخستین کوشانی طوریکه جا یا سوال (۲) نکرده میکند. کوشا نایک نام نامی بوده نه از فردیک کتیبه مانیکالا (۳) درین مورد خیلی صریح و واضح است که اشاره میکند به لالا (Lala) به حیث (Gushanavasamvardhaka) که یک شاخه پی از

فا میل کوشا نی است.

مثالهای زیادی در تاریخ هند موجود است مبنی بر اینکه دودمان دومینبتاسی از دودمان اولی نام گذاری شده اند بطور مثال شالوکیاها (Chalukyas) جانشین شالوکیاها و کادامباها (Kadambas) جانشین کادامباها گردیده اند و بنا براین این یک امر غیر معمول نیست که تصور شود کوشا نا پوترای کتیبه مات از اخلاف خاندان قبلی بوده و یکبار بردن لقب آنها را جایز می دانند راجا دیوا پوترا را رابطه و تسلسل و ادامه نژادی را می رساند تاریخ این خاندان سوم کوشانی را میتوان از روی اسناد مسکه شناسی و کتیبه شناسی و ملاحظات کرو و نو او جیکی و شناخت خطوط قدیمه و زبانهای آنها و بالاخره از روی شواهد باستان شناسی ترتیب داد.

بنیاد اندیشه

شاهی و اماتا کشا Skahi Vamatalcscha

کتیبه بی سته (م) که بر جسمه بزرگ شاهی و اماتا کشا قرار دارد و از مقام تاریخی مات در متهورا بدست آمده راجع به تعبیر معبد (دیوا کولا) یک باغ آرامه (arama) و یک چاه (Undapana) توسط یک باکانا پاتی که نام او با هجای هوما (Huma) آغاز میگردد گذارش داده است. این رسم ما نوس است. و با لقب او یکجا خوانده میشود. چنین برمی آید که وقف دهندگان افراد خارجی بوده باشند و ویشکا (ه).

اصطلاح باکانا پاتی در دو کتیبه دیگر نیز به کار برده شده است

که یکی آن تعلق می‌گیرد به ناحیه مات در متهورا (۶) این کتیبه از یک جهت دیگر نیز حایز اهمیت فراوان است.

این کتیبه از تمهیر معبد (دیواکولا) سخن می‌گوید و کتیبه بی دیگر راجع به ترمیم آن گزارش می‌دهد. از این بر می‌آید که این کتیبه نسبت به کتیبه عهد هوویشکا قدیم‌تر است. ولی به جز در مورد دیواکولا در متن خود با همدیگر فرق دارند. و راجع به احداث باغ و حفر چاه آب در کتیبه بی دیگر ذکر شده نمی‌شود. علاوه تا کتیبه بی مات متعلق به عهد هوویشکا راجع به پدر باکانا پاتی سخن می‌گوید که نام ای با هجای (سیلاب) ماسا (Masha) آغاز می‌گردد. ولی باکانا پتی بی کوشانا پوترا ای اما تا کشا نا پدر او را ذکر نمی‌کند این هر دو طوری می‌نمایند که با یکدیگر ارتباط دارند و دیواکولا که از طرف و اما تا کشا باکانا پتی اعمار گردیده شاید که یک ساختمان مستقل جدا گانه بوده باشد متأسفانه این ممکن نیست که تعداد دیواکولاها در مات تعیین گردد. از نقطه نظر تاریخ سیاسی و ما تا کشایک فرما نروای کوشانی بوده است.

این حکمران را بعضی از دانشمندان (۷) با واما نا کشا (Vimataaksha) یا واما کادامیزس یکی میدانند و کوشانا را می‌گویند. که نام فرما نروای نخستین کجولا کادامیزس بوده است. ولی با نهم ما او را یکی از اعضای دودمان کوشانی میدانیم که او بعد از مرگ واسودپا تاج و تخت را در متهورا غصب کرد و شاید که او نخستین فرما نروای دودمان سوم کوشانی بوده باشد. چون او مسکوکات

را انتشار نداده است گمان می‌رود که دوره بی‌فرما و فرای او خیلی کوتاه بوده باشد.

کانشیکای دوم

نام سلطان کانشیکا در يك کتیبه ای که از مقام دالاهاتی - کی خرکی موهله (Dalpati—Ki—Khirki Moha-Ila) کشف شده و توسط (D. R. Sahin) در ایپیگرافیا اندیا (Epigraphia India) (۸) به طبع رسیده دیده می‌شود. سنه گذاری این کتیبه مورد مشاجره و مباحثات طولانی بین دانشمندان واقع گردیده است. بقرار نظریه‌سازانی این کتیبه در سال ۳۱ سنه گذاری شده است. این مسأله از جهت دیگر نیز حایز اهمیت است. این نخستین سند کوشانی است که نام ماه شمسی هندورا در عوض فصل طوریکه در سایر اسناد دیده می‌شود بکار می‌برد.

دوم اینکه از بودا برای نخستین بار بهیث دیوا (Deva) ذکر رفته چون: (Buddhasya Svamatsya de-vasya) سوم خطوط قدیمه سند خیلی نزدیک است به رسم الخط های شرقی گوپتا (۹) محلی که این سند از آنجا بدست آمده نیز قابل ملاحظه است.

این کتیبه از يك ناحیه بلند و الهاتی کی خرکی موهله کشف شده نه از کاشیکالی تیلاجا یک کتیبه های کانشیکا و جانشینان او بدست آمده است. این کتیبه از نصب مجسمه بودا توسط سانگیلا (Sanghila) در روز دهم ماوشا (Pausha) سال ۱۳۱ مه‌اراجا - دیواپو - ترا - کانشیکا گذارشی می‌دهد دو نفر کتیبه شناس با هر خطوط قدیمه

کتیبه رامور در مطالعه و بررسی قرار دادند و کوشانیهای مختلف را ارائه نمودند.

توماس (F.W.Thomas) اظهار نظر میکند (۱۵) در شکل در سال و در روز که در کتیبه نشان داده شده هر دو عدد ده (۱۰) خوانده میشود که تباین را نشان میدهند نه چیزیکه دایارام ساهنی از آن استنباط کرده است و تمام مثال را (۱۰۳) خوانده است که کانیسکا که در سال (۱۰۳) و حتی در سال (۱۰۳) حکومت کرده است، چیز عجیبی نیست.

توماس یک قدم فراتر میگذارد و میگوید که حتی کانیسکای سال (۲۰۳) اگر از ختم قرن سوم میلادی بعدتر نباشد وجود او ناممکن و نا محتمل نیست.

بهر صورت دیوایو ترا شاهانوشاهی (Devaputra Shahanushahis) کرچه قبل از حدود سال (۲۰۳) م باشند آنها باختر را به ساسانیها دادند و در گندهار اوشایند در پنجاب و متهورا بزرگی خود دوام دادند که با سمودرا گوپتا samudragupta در تماس گردیدند.

از طرف دیگر هر ویسر وی. وی. میراشی Mirashi (۱۱) بشمول نخستین کلمه را (۵۰) میخواند و سنه گذاری کتیبه را سال (۳۰۵) می داند او این کانیسکا را با کانیسکای کتیبه آرا (Ara) یکی می پندارد و تداخل عهد زمامداری بین هوشیکا و کانیسکای دوم را تشریح میکند و میگوید بعد از مرگ واسیشکا در امپراتوری کوشانی یک جنگ داخلی بوجود پیوسته بود.

در ابتدا کانیسکای دوم فاتح بود و تا سال (۱۰۳) بحیث امپراتور

حکومت کرد. و بین سالهای (۱۳۰۰ هـ) توسط هووشکا به عقب نشینی مجبور گردید. و در آخر بعثت ما دون و زهر دست او قرار گرفت. و کمی بعد هردوی شان توسط شخصی دیگری شکست خوردند و مجبور ساختند که برای خورد لقب ها و انتر تنهاراجا را انتخاب نمایند. چنین معلوم میشود که پروفسر خیلی بر نبودن القاب تاکید میورد و بر روی شواهد عادی انکامیکند.

کانیشکای اول در کتیبه سورهار Suivihor (۱۲) متعلق به سال ۱۱ (۱۶ میلادی جنوب غرب بهاولپور) به القاب سهاراجاراجا تی راجا دها پوترا یاد شده در حالیکه در کتیبه زهدا (۱۳) متعلق به همان سال فقط به القاب ساده موروادا - مارجهاکا کانیشکا Muroda Marjhaka kamishka نامیده شده است. که ترجمه آن چنین است.

فرمانروا مارجهاکا کانیشکا Marjhaka Kanishka آنها از هن استنباط میشود که اومقام امپراتوری را در همان سال از دست داده باشد... ؟

بعثت دهگری از بعثت پروفسر V.V. Mirashi (مبراشی) راجع به جنگ داخلی ، بعد از مرگ واسیشکا - میگردد که ما آنها را بعد از بعثت شناخت کانیشکای کتیبه آورامورد ، مطالعه قرار خواهیم داد.

کانیشکای سوم :

کانیشکای کتیبه ارا (۲۱) Ara که تاریخ آن سال (۱۳۱) میباشد برای آن مؤرخانیکه در منجلا بکرونولوجی کانیشکا اونسو و آنسو دست و پا میزنند شخصی است معما نئی. مشکل است که در سال (۱۳۱)

چنین القاب شایستگی را برای يك فرمانروای کوشانی قبول کرد در صورتیکه هوویشکا از سال ۲۸ تا ۲۶۰ بلا و قله سلطنت میکرده است. کتیبه گزارشی میدهد که در عهد مهاراجا - راجا تی راجا - دیوا - پوترا کیسارا (Kaisara) کانیشکا پسر وایشکا Vajheshka در سال ۱۳۰ بروز ۲۵ ماه جاهشتا (Jyaishtha) يك جا بواسطه داشاو ها را (Dashhavhara) دوشاه پشایا واریا ن (Poshapuria (Poshawarian) Putrona حفر گردیده بود. اینکه نام پدر او Vajheshka با وایشکا یکی دانسته شده کاملاً بجاست. ولی اگر ما وایشکا را بعد از کانیشکای اول پیش از خرد هوویشکا قرار دهیم. پس این کانیشکا درین میان بطور ناگهانی وارد شده است. بعضی از دانشمندان این کانیشکا را با کانیشکای اول یکی دانسته اند. (۲۶۰) و میگویند که او پیش از ۳۰ سال حکومت کرده است و پسران او وایشکا و هوویشکا با القاب مهاراجا محض معاونان پدر خود بوده اند و قدرت واقعی بدست کانیشکا متمرکز شده بود. شاید که او درین وقت از هند به دور بود، است. يك چاره دیگری (و یا امکا نیت دیگر) از طرف لودرزستین کنو (۲۳) تجویز شده است، و آن عبارت است از تقسیم امپراتوری کانیشکا بین وایشکا و هوویشکا که هوویشکا بعداً جانشین کانیشکای که در کتیبه آرا از آن ذکر رفته و پسر وایشکا میباشد، بر تمام قلمرو امپراتوری کوشانی که شامل اطراف شرق و غربی میشد گردیده است. متأسفانه که این هر دو نظریه قابل قبول نیست گرچه این ناممکن نیست ولی غیر محتمل است که کانیشکا برای چنین يك مدت درازی

حکومت کرده باشند و امهرا توری خود را به دو پسر خود که نامهای ایشان در اسناد وقف کنندگان و هدیه دهندگان بهیتر از هر کس دیگر جلوه میکنند و اگذار کرده باشد. حال آنکه درین سند مهر دودور افتاده نوبا و کان پشاوریان فکرمیشود که عبارت از امهرا تور کهن سال بوده باشد.

از طرف دیگر اگر تقسیم امهرا توری در میان بوده باشد، و هوویشکا قسمت های شرقی و واسیشکا قسمت های غربی را جایکه اسناد پسر او کانیشکای دوم از آنجا بدست آمده تصاحب کرده باشد پس درین مورد که اسناد واسیشکا با القاب مهاراجا سراجاتی راجا بدو او پوترا و شاهی از قلمروی هوویشکا در متهورا و سانچی بدست آمده چه باید گفت؟

درحالیکه یک زمان مدار از بدخشان نیز در شمال غرب (Bakanapati) ها کمیت و تفوق هوویشکا را بر خود برسمیت شناخته است (۲۴) یگانه چاره ای که برای حل معضله کانیشکای کتیبه آرا (Ara) میتوانیم داشته باشیم اینست که وی را در خاندان کوشانیان بعدی بحیث پسر واجیشکا (Vasishka) و اسیشکا (Vajheshka) قرار دهیم.

این هر دو فرمانرواسکه ها را بضرب رسانده اند ولی اگر ما آنها را در گروپ قبلی قرار دهیم احتمال موجودیت آنها از روی شواهد سکه شناسی از بین میرود.

چنین معلوم میشود که این کانیشکا کتیبه آرا عبارت از همان کانیشکایی باشد که در یک کتیبه که از خرابه های معبد کوشانی

سرخ کوتل در افغانستان بدست آمده واز او ذکر رفته و سنده آن سال ۳۱ میباشد (۲۰) این کتیبه تغاری است که اساساً از خط شکسته یونانی که در ایران و پارتیه معمول بوده منشأ گرفته است .

نخستین سطر آن از محل یک همایوت کانشکا فاتح ذکر میکند .
 و طوره که مار یک (Marisq) میگوید خیلی شبیه است به دیواکولا .
 سده این کتیبه سال ۳۱ ماه نیمان (Nisan) یک ماه با بلی ها
 سهیا شد یک ترجمه مکمل مربوط این سده هنوز صورت نگرفته است و ما بخاطر
 تاریخ سیاسی و کرونولوجی تنها به سده آن دلچسپی داریم . یک چیز
 یعنی آشکار است و آن یکی بودن این کانشکا با کانشکای متذکره
 کتیبه آرا احتمال قوی موجود که وانشکا یا واجیشکا تا به سده ۳
 حکومت کرده و بعد از او کانشکای سوم جا نشین او گردیده که تا به
 سال ۵۴ حکومت خود دوام داده است .

تفصیل تاریخ سیاسی کوشانیهای بعدی چندان روشن نیست ولی
 بعضی شواهد مکه شناسی و باستان شناسی میتواند درین راه با ما کمی
 کمک برساند .

شواهد مکه شناسی :

شواهد مکه شناسی تنها دو نفر از فرمانروایان کوشانی بعدی
 یعنی کانشکا و واسو (Vasu) را با ما معرفی میکنند . الیتکار (Altekhar)
 کوشیده است که از روی مسکو کات سلاطینی که بر پنجاب و سند
 و افغانستان حکومت کرده اند و همچنان معاصرین آنها که در ایران
 و باختر بودند یک تاریخی بنویسد (۲۵) بقرا طرح او بعد از واسود هوا
 کانشکای سوم بر تخت نشست و وای ۳ سال سلطنت کرد و بعد از او

واسودهی دوم زمام امور را در دست گرفت (از حدود ۲۱۰ تا حدود ۲۳۰ م) که در عهد این فرمانروا قدرت و موقعیت کوشانیها رو بزوالت گرائیده و در حالت روز شماری بود.

ما به چنین نظریات و تعیین سنوات و سلسله مراتب دودمانی خود ساخته چندان دلچسپی نداریم.

این مشکل است که کانیشکو (Kaneshko) يك فرد خاندان کوشانی بعدی را که مسکو کات او بدست آمده کانیشکای دوم متذکره در کتیبه متهورا سال ۱۳۱ و کانیشکای سوم کتیبه سرخ کوتل سال ۳۱ کتیبه آرای سال ۱۳۱ بدانیم.

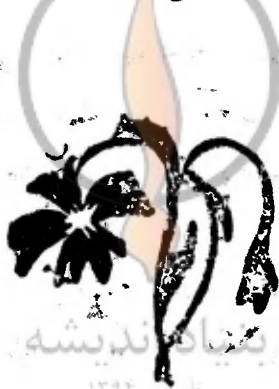
البته ممکن است واسو (Vasu) را عبارت از واسکی شانا (Voskushana) یا واسیشکا دانست.

مسکو کات کانیشکا که از مقام پنجاب و افغانستان بدست آمده نام واسو دیوا بر آنها نقش بسته و این نام بر مسکو کات فرمانروای بعدی کوشانی واسو (Vaso) نیز دیده میشود.

طوری که در کتلاک وایت هید دیده میشود (۲۴) خطوط بر همی با خطوط فاسد شده یونانی بر مسکو کات هر دو تحریر یافته است. بر عقب دوسکه واسو آلهه اردا کشی (Ardoksho) دیده میشود که بر تخت نشسته و نواری شاخ مشمر را به پیش در دست گرفته است (۲۷) درین حالت میتوانیم بگوئیم که این سکه ها متعلق به همان کانیشکای سوم اند. البته کار علاوه میکند (۲۸) حروف بر همی سی وی

(Bhri, rVI, Sl) که بر مسکوکات کاشیکاکا دیده می‌شود علاماتی است از حروف اول نام‌والیا-نی که بر نواحی مختلف امپراتوری وسیع او حکومت می‌کرده اند. و گذشته از آن حروف دیگری نیز چون Ga—Na—Pa—Tha—Khu—Chu—Val و غیره نیز دیده می‌شوند.

نقش بستن این حروف بر روی مسکوکات آن دو فرمانروای کوشانی بعدی معما نیست لایزال. فعلا جز این نمی‌توانیم بگوئیم که مسکوکات واسودوکا نیشکوگا لیا نما بدگی از واسیشکاوکا نیشکای کتیبه آرا می‌کند.



بنیاد اندیشه

تابش ۱۳۹۲

شواهد باستانشناسی

شواهد باستانشناسی در مورد موقعیت کوشانیهای بعدی از طرف کرشمن در چندین نقطه از قبایل بگرام، سرخ کوتل، قلعه میر کی قباد و ایر تام - تر مزی تالی برز و نزد يك سمرقند به نحو مرغوبی بررسی شده است. (۲۹)

این همه شش نقطه از نظر محتوای سکه شناسی و باستانشناسی يك تشابه و يك وحدتی را نشان میدهد بعضی از اینها اگر شهر بوده و یا معبد از طرف کوشانیهای بزرگ بنا یافته که اکنون به ویرانه ای مبدل و یقیناً زهرخا کستر آنش پنهان گشته اند، بعد از يك وقفه زندگانی در يك شهر جدیدی بر روی ویرانه های شهر قدیم (به استثنای ایر تام Airtam) جای که برای همیشه ترك داده شد) آغاز گردیده است. و این در عهد دودمان سوم کوشانیها و یا کوشانیهای بعدی اتفاق افتاده است.

يك مطالعه و تحقیق مقایسوی نیز از طرف دانشمندان مذکور صورت گرفته است. بعضی ظروف گلی اهک از قبادهان (S) یافت شده خیلی

شبیه است به آن ظروفیکه از بگرام سوم و تالی برزو (Tali—Barzou) نزدیک سمرقند کشف گردیده است .

سه عدد سکه از آخرین طبقه بدست آمده که یکی آن شامل تصویر و سو دیو ای سوم است (بقرار نظریه گرشن واسودیوای دوم و بقرار نظریه بکهوفر (Bachhofer) که میگوید ما بطور واقعی را جمع به يك واسودیوای سوم معلومات داریم) و يك سکه مسی که با سکه بگرام سوم شبیه و متعلق به دودمان سوم کوشانی است و آخرین آن شاید که یکی از سکه های متعلق به ویماکادفیزس بوده باشد .

گسستگی ای که بین طبقات چهارم و پنجم و وقوع پیوسته است قبادیان طو، یکدیگانه (Diokonov) اظهار نظر میکنند ناشی از پیروزی شاهپور اول در جنگ علیه واسودیوای اول میباشد .

پس در تصویر تاریخ قبادیان پنجم تنها دی میکند به نصف دوم قرن سوم میلادی و نصف اول قرن چهارم میلادی و چنین انگاشته میشود که با وجود گسستگی سوزنی قدرت کوشانی در شمال غرب که نتیجه پیروزی شاهپور اول بود کوشانیهای بعدی توانستند تسلط خود را برقرار کنند و دوام دهند .

از استاد و شواهد یکدیگر بر اثر کاوشهای باستان‌شناسان از نقاط مختلف بدست آمده و توسط گرشن در آخرین مقالهداش مطالعه و مقابله شده اند بر میآید که آتش سوزی و تخریب توسط کوشانیهای بعدی صورت گرفته است .

نفوذ ساسانیان شاید که محسوس بوده باشد ولی کوشانیهای

بعدی نفوذ و تسلط سیاسی شانرا قدم به قدم بر اسلاف خود یعنی از کوشانیهای بزرگ تعقیب کرده و دوام داده اند. (۲۹) کانیسکای سوم را بحیث آخرین فرمانروا نشان داده اند ولی تعیین آخرین تاریخ سقوط این دودمان یک امر مشکل است احتمال دارد که در هندشمالی یودهیها (Yaudheyas) کونینداها (Kunindas) ملاواها (Malavas) ناگاها (Nagas) و مگها (Maghas) قدرت کوشانیها را خاتمه داده باشند. (۳۰) پروسه انحلال امپراتوری کوشانی آنی نبوده بلکه تدریجی بوده است.

گرچه کوشانیها در هند شمالی بحیث یک قدرت سیاسی از این رفیع بود ولی همزمان با سوادرا گوپتا بعضی از دیواپوتراها نو شاهی یعنی یک فرمانروای مستقل و یا نیمه مستقل وجود داشت که بر کابل و قسمتی از پنجاب و غیره نقاط در غرب حکمروایی میکرد (۳۱). بدین ترتیب آخرین مرحله ای تاریخ قدرت سیاسی کوشانیها به پایان میرسد ولی با نهم شهزادگان کوشانی حتی تا دیر زمان در پنجاب و در آنجا به موجودیت خود و به تبارز خود ادامه دادند. در آخرین سالهای قرن چهارم میلادی و سال نخستین سالهای قرن پنجم میلادی بود که کوشانیها یک نام جدید یعنی بنام کوشاشایای کیراری شهرت یافتند آنها برگندهار او کشمیر جاها یک به تعداد زیاد مسکوکات معمولی و طلائی شان بدست آمده حکمروایی میکردند. (۳۲) نامها نیکه بروی این مسکوکات نقش بسته اکثر آهندی اند از قبیل کریتی ویریا Kritivirya

سرواها سا بهاسوان میلادی‌تیا پرا کاسا و کوسالا . این نام‌ها را نمیتوان از روی کروئولوژی تنظیم کرد و نیز ممکن نیست بطور دقیق مدت و زمان حکمروایی آنها را با ترتیب توضیح نمود . مسکوکات آنها يك تلقید نا پخته از مسکوکات سلطان قر با سی دهنده اردوک شوی (Ardoksho) بر تخت نشسته از نوع کوشانیهای بعدی است و شبیه مسکوکات کتداهارا یا کداهارا قومیکه انگاشته میشود که بر قسمتی از قلمروی کوشا نیان کیداری بعد از زوال قدرت سیاسی آنها حکمروائی داشته اند میباشد . چنین برمیآید که هر دو شاهد بر اثر حملات شدید هونها در قرن پنج میلادی از بین رفته باشند .

با این ترتیب حتی آخرین بقایای کوشانیها ناپدید گردید .

بنیاد اندیشه

یادداشتها

1— ASI. An Rep. 1911—12 pp. 120ff

2— JBORS Vi (1920) pp. 12 ff

3— Op. cit.

۳-... تا جانشینکه درین سند بجام حکمران و همتا کشیما

(Vema Takshama) را بباط میگردوی با و همتا کادفیزس یکی نیست .

چون لقب شاهی هیچگاه توسط او بکار برده نشده بلکه تنها بواسطه

کانشیکا و جانشینان او بکار برده شده است .

گرچه ما راجع به تعیین سنه این سند با داکشیت موافق نیستیم

اینکه جایا سوال آنرا و همتا کادفیزس میدانند نیز قابل پذیرش نمی

دانیم .

5— El. xxi pp. 55 ff

6— JRAS. 1924, pp. 402

۷ - نظر جایا سوال در (JBORS) ذکر شده و توسط (جی. ان با نرجی)

پذیرفته شده است .

۸ - اینکه نکته توسط تقریباً تمام دانشمندان به تفصیل مورد

مدا و نه قرار گرفته است (ساهنی) نخستین کسی است که به بعضی از

خصوصیات این رسم الخط متوجه شده است. او می‌تواند . به‌خاطر با یاد داشت که حرف (m) با کمی برآمدگی بطرف چپ حرف بعوض قاعده سه کتبه در همه جا از عهد کوپتا حکایت می‌کند. (آن‌جی می‌موردار) در ضمن تبصره بر این سند اظهار عقیده می‌کند که از نقطه نظر با یاد گرافی «خطوط قدیمه خوانی» مشکل است که این کتبه را به کانیسکای اول نسبت دهیم و با یاد بگوئیم که آن کتبه طوریکه از اشکال الفبای کوپتا پدیداست متعلق به کوشانیهای قبلی می‌باشد. (EL. xxiv, p, 148, n4) توماس راجع به این کتبه در مقاله خود بنام «کانیسکای سال ۱» به تفصیل پرداخته است...

9—Op. cit. p. 303

۱۰. — EL. xxvi, pp. 293 ff این عبارت از طرف (چهار) (را)

(Chhabra) پذیرفته شده است (ABORI, xxxiii (1952) pp. 270. ff)

دکشیث فکر می‌کند که این عبارت خصراً برای ترتیب کرونو لوجی کوشانیان بعدی قابل ملاحظه است ABORI, xxxvii, P. 98

قبلاً او این کتبه را به قرن چهارم و بلکه به قرن سه ساموات ویکراما نیت داده بود و سنه واقعی نگارش این کتبه را ۳۱ ویکراما ساموات می‌دانست (IBID. p 97).

11— Cil. P. 141

12— Ibid. P. 145

۱۳. — مارشال و فوشه سانشی جلد اول صفحه ۳۶ (نمبر ۸۲۹).

بقرار نظر به توماس کلمه (Me) درین کتبه شبیه کتبه کانیسکا است که دو سال (۲) نگاشته شده است...

این کتیبه يك مرحله انتقالی را از دوره کوشانیها بدوره گوهاها نشان میدهد.

۱۳- Op. cit. pp. 278—386 جی - آن بافرجی میگوید از آنجا که این شهزاده هیچ کدام از القاب کوشانی از قبیل دیواپوترا را برای خود بکار نمی برد و تنها کلمه را جان را بکار برده است چنین استنباط میشود که وی يك شهزاده محلی از دودمان کوشانی بوده باشد. سال ۲۲ با دور کانیسکای اول تصادف میکنند و اگر نام واسکوشان يك شکل دیگری از واسی سا کا (Vasisaka) که جانشین کانیسکای اول بود پنداشته شود پس احتمال میرود که کانیسکا با واسیشکادر قسمت آخر زمان فرمانروائی خود در جنوب غرب امپراتوری اش به کجا و همزمان بوده باشد.

(Comprehensive History of India pp. 242—3)

۱۵- کتلاک موزیم سافهی صفحه ۳۰. نمبر ۱۸۲- است لودر نمبر ۱۶۱۰. بنیاد اندیشه
۱۶- موزیم متهورا، کتلاک ووگل. ۱۲۹۲
نبرق ۱۳... لست لودر نمبر ۱۳۹ الف.

۱۷- زبان این کتیبه ها زهاد قررتک منسکریت را گرفته است و با الهجه گاتا (Gatha) همد قدیم کوشانیها فرق دارد.
شواهد خطوط قدیمه خوانی نیز بعضی از اشکال پیش و فته را بیاد میدهد...

۱۸- چون تاریخ کتیبه بعد از نام فرمانروا که بنام را جان است ذکر شده. درین میان بعضی القاب دیگر و یا نامهای فامیلی لادرك معلوم میشود.

۱۹- مهتورا، از گروزی (Growse) Pt. 11. p. 173. IA vl. p. 217. No. 1

xxxlll. pp. 38ff; No, 8; Luders Lust No 33 JRAS.

1905. P. 338. Vogel. cat. Mat, Mus, No, 449).

۲۰ (Cil. pp. 162 ff) کتیبه از طرف با نرجی نیز چاپ شده است

Luder's (SBAW, 1912. pp. 824

Translated, IA. xl, 19 13

وفلیت آنرا تحلیل و تفسیر نموده است بقرار نظریه ستین کنو
کرکتر این کتیبه بی خروشتی نما یا نگر عهد کوشا نیهای بعدی است
بطور مثال (Kha) تقریباً با جها (JHA) و جهشکا که از شکر دره
(دراغستان) بدست آمده یکی است. (op. cit. p. 162)

۱۱- با نروی (op. cit.) ونست سمت میگوید که عهد او خیلی زیاده
دوام نموده است و کنگهم عهد او را مدت چهل سال میداند.

22— Cil. p. 163

23— A. Maricy... JA. 346, pp. 345 ff

۲۴- «تاریخ جدید مردم هند» 12 NHIP,

۲۵- کتلاک مسکوکات در موزیم پنجاب، نمبر ۲۳۷ و ۲۳۸.

26— Ibid. No. 231-234—235

۲۷- (NHIP. p. 15) بقرار نظریه ونست سمت حروف هندی که در

پهلوی نیز دیده میشود اکثر حروف چند سیلابی اند مانند نام
چینایی بها Bha کا (Vi) Ga و غیره. چنین برمیآید که آنها متعلق به
سران مختلف قبایل آسیای مرکزی بوده باشد که آنها تسلط کوشا نیها
یا دودمان شاهی کابل را بر خود پذیرفته بودند (EHIP. 291).

۲۸ این مطالعه مبنی است بر مقاله گرشن بنام «عضله کرو نو لوجی کوشانیها» درین مقاله وی شواهدی که در نتیجه کاوشهای هیئت باستان شناسی فرانسوی و روسی در افغانستان و در آسیای مرکزی دست آمده آنها را پایکدیگر مقایسه و مطالعه نموده است. ماخذیکه برای مقاله داده شده از مقاله اردرایتجا نقل شده است (See. pp. 708 ff)

۲۹ - حواله هاراج به ناگها و یورپها حیث جانیشتنان کوشانیها مبتنی بر شواهد بومی است. ناگهای قبلی بر دماواتی وستهوا مسلط و دند. ایلاد ر دست کوشانیها بود آنها ده راس اسپ را قربانی کرده بودند. قرار بود انا ها و قتیکه گوپتا ها به قدرت رسیدند هفت تن از پادشاهان در متهورا ونه تن در دماواتی حکومت کرده بودند.

(Pargiter—Dynasty of the Kali Age. P. 49 et Raychau d hari PHAI—pp. 480 ff)

آنها ضرور خود را نسبت به کوشانیهای هند بزرگتر و مهمتر قلمداد کرده بودند. یودیها (Yaudheyas) نواحی ساحل دریای ستلج را تا به سرحدات ولایت بها و لهور (Johiyaber) در دست داشتند. انواع مختلف مسکوکات یودیها شباهت تامی را با مسکوکات کوشانی میرسانند و اینها غالبا که از طرف یودیها بعد از آنکه قدرت کوشانیها را تضعیف نمودند بغرب رسیده باشد. بقرار نظر به آلتیکار (Altekar) نقوش یودیها گاناسیا (Yaudheyaganasya) بر روی مسکوکات آنها و یودیها نام (Yaudheyananm) جا یا تراد هر نام (Jayamantradharanam)

بر روی مهر گلین که از مقام سونت (Sunt) نزدیک اوده‌ها به بدست آمده نشان داده‌اند و پیروزی بزرگست بر کوشا نیاها (Proceeding — All India) Oriental Congress xli. Banarses 1945)
۳- توسعه‌دهنده‌ها و ساسا نیاها در شرق کوشا نیاها را تماماً از بین نبردولی کوشا نیاها تسلط آنها را بر خود قبول کردند.

از کتیبه پایکولی (Paikuli) برمیآید که چندین پادشاه اشاره میکنند که اگر آنها تیولداران کوشا نیاها نبودند اقلاً متحدین زیر دست آنها بودند. این‌ها شامل پادشاهان سورا شتراها و انتی‌ها، مساناها و ابهیراها میشدند (JRAS, 1933, p. 219) هرگز دوم امپراتور ساسانی (سه یا ده ساله از میلاد) دختر یکی از سلاطین کوشا نی را در عقد نکاح خود درآورد. بدرویی بعضی از مسکو کا تشا و بنام کوشان مالکا (Kushan Malka) و (کوشان مالکان) نامیده شده است بر مسکو کات او نیز چهره شیوا با کلاه مثلثی و تاج هندو دیده میشود.

Whitehead cat p. 213, No. 240.

۳- JRAS, 1913, p. 1064 کتلاک مسکو کا: سمت درموزیم کلکتا

جلد و صفحات ۸۹-۸۰ با فرجی ۹۱ JASB. 1908. P و نیز به تاریخ

جامع هند را جمع شود. (Com p. H. I, p. 252—3)



سید ذوالحسین حسینی

اختصارات

ABIHB— Annual Bibliography of Indian History and Indology Bombay.

بایوگرافی سالانه تاریخ هند و هند شناسی، بمبئی.

ABIHK— Annual Bibliography of Indian History and Archaeology Leyden.

بایوگرافی سالانه تاریخ هند و باستان شناسی، لیدن.

ABORI— Annual of the Bhandarkar Oriental Research Institute Poona.

تاریخچه انستیتوت تحقیقات شرقی بھندر کار-پونه.

ASR— Archaeological Survey of Cunningham Calcutta, etc.
راپورهای تحقیقات باستان شناسی کنگهم، و کلکته و غیره.

ASI. AN. REP. —Archaeological Survey of India Annual Reports Delhi

راپورهای تحقیقات باستان شناسی هند، دهلی سرحدات.

ASI. CIR.— Archaeological Survey of India Reports, Frontier Circle.

راپورهای تحقیقات باستان شناسی هند در دائر سرحدات.

BMO— British Museum Quarterly, London.

نشریه سه ماهه برتیش موزیم، لندن .

BSOAS— Bulletin of the School of Oriental and African Studies, London.

مجله مطالعات مدرسه شرقی و افریقائی، لندن .

CII— Corpus Inscription Indicarum.

مجموعه نوشته های هندی .

EI— Epigraphia Indica, Calcutta etc.

IA —Indian Antiquary, Bombay.

آثار عتیقه هندی، بمبئی .

IHQ— Indian Historical Quarterly, Calcutta.

مجله سه ماهه تاریخی هند، کلکته .

JA— Journal Asiatique, Paris.

جریده آسیائی، پاریس .

JAOS — Journal of the American Oriental Society, New Haven.

مجله انجمن شرقی امریکایی نیو هاون

JASB— Journal of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta.

مجله انجمن آسیائی بنگال، کلکته .

JBORS— Journal of the Bihar and Orissa Research Society, Patna.

مجله انجمن تحقیقی بهار و اوریسسای پتانه .

JGIS— Journal of the Greater Indian Society, Calcutta.

مجله انجمن بزرگتر هند، کلکته .

JIH— Journal of India History, Madras, Trivandrum.

مجله تاریخ، هند مدراس، تریواندروم .

JISOA— Journal of the India Society of Oriental Art, Calcutta.

مجله هنر شرقی انجمن ہندی، کلکتہ

JNSI— Journal of the Numismatic Society of India, Bombay, Varanasi.

مجله انجمن سکہ شناسی ہند بمبئی، واراناسی۔

JORI— Journal of Oriental Research Institute, Madras.

مجله انستیتوت تحقیقات شرقی، مدراس۔

JRAS—Journal of the Royal Asiatic Society, London.

مجله انجمن سلطنتی آسیائی، لندن۔

JRASB Journal of the Royal Asiatic Society, Bombay.

مجله انجمن سلطنتی، بمبئی۔

JUPS Journal of the U.P. Historical Society, Lucknow.

مجله انجمن تاریخی اوتار پردیش لکھنؤ۔

NIA New Indian Antiquary Bomleay

آثار عتیقہ جدید ہندی، بمبئی۔

QJMS— Quarterly Journal of the Mythie Society, Bangalore.

مجلہ سه ماہہ انجمن افسانہ های کهن بنگلور۔



مہتمم - غ، حسین فعال



MINISTRY OF INFORMATION AND CULTURE

INTERNATIONAL SEMINAR OF KUNSHAN

STUDIES KABUL, 1978



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲

دولتی مطبعه

India Under Kushanids

POLITICAL HISTORY OF KUSHANIDS

BY — B. N. PURI

TRANSLATED BY

POHANWAL ZAMIR SAFI



PUBLISHED BY:

BAIHAQI BOOK PUBLISHING
INSTITUTE

NOVEMBER 1978